



پژوهشکده شورای نگهبان

# مشروح مذاکرات شورای نگهبان

عنوان

جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۴۷

تاریخ: ۱۳۹۷/۹/۱۹



## شناسنامه

عنوان:

**مشروح مذاکرات شورای نگهبان**

**جلسه ۱۳۹۳/۸/۲۸**

ویراستار و مستندساز:

**عمار امیری آرانی، سیداحمد حسینی پور اردکانی**

بازبین:

**محمد مهاجری، کاظم کوهی اصفهانی**

ناظر علمی:

**کاظم کوهی اصفهانی**

**گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان**

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۴۷

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۹/۱۹

پژوهشکده شورای نگهبان



## جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان

### فهرست مطالب

۲	مقدمه.....
۳	نطق پیش از دستور.....
۴	طرح نحوه اجرای قسمتی از اصل یکصد و شصتم (۱۶۰) قانون اساسی.....
	طرح الزام سازمان تأمین اجتماعی به برقراری مستمری بازنشستگان مشمول
	قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶ بر اساس دو
۸۱	سال آخر بیمه‌پردازی سنوات ارفاقی آنان.....
۹۷	اصلاح اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس.....
	اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان؛ اصلاح
	اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران؛ اصلاح اساسنامه
	شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان؛ اصلاح اساسنامه شرکت
	سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل،
	اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی،
	خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، سیستان و
	بلوچستان، فارس، قزوین، قم، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان،
	همدان، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان،
۹۹	گیلان و یزد.....

## مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده‌ی فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی، بر عهده‌ی شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفساریه‌های مربوط به اصول قانون اساسی در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و سرانجام در قالب نظریه شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود. بدین‌سان، مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان به جهت محتوای علمی قابل استفاده‌ی آن برای احاد علاقه‌مندان به این مباحث، به ویژه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان به‌عنوان یکی از شرح وظایف خویش آماده‌سازی متون مذاکرات جلسات شورای نگهبان برای انتشار عمومی را در دستور کار دارد. این مهم، در چند مرحله به شرح زیر انجام می‌پذیرد: پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی جلسات شورای نگهبان، این متون در اختیار کارشناسان گروه قرار می‌گیرد تا از لحاظ فنی و ادبی ویرایش شده و در صورت لزوم، اظهارات اعضای شورا مستندسازی شود. سپس متون ویرایش و مستندسازی شده از لحاظ صحت، اتقان و انطباق با محتوای متون اولیه و همچنین از جهت ویرایشی، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در نهایت، متون بازبینی شده بار دیگر از جهات مذکور توسط ناظران علمی پروژه، به طور دقیق، از جهت شکلی و محتوایی بررسی می‌شود و سپس منتشر می‌گردد.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه‌ی این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام معظم رهبری، خواسته‌ی جامعه‌ی علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه‌ی چنین آثاری می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه‌ی علاقه‌مندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

## نطق پیش از دستور

جلسه ۱۳۹۳/۸/۲۸

**آقای جنتی -** بسم الله الرحمن الرحيم. السلام عليك يا اباالحسن يا علي بن الحسين يا زين العابدين يا بن رسول الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا و مولانا انا توجهننا واستشفعنا و توسلنا بك الى الله و قدمناك بين يدي حاجتنا يا وحيها عند الله اشفع لنا عند الله. روز شهادت حضرت امام زين العابدين سلام الله عليه را تسليت عرض می کنم. روزی که به یک معنا ایشان، یک عمر گریه و مصیبت و عزاداری برای پدر بزرگوارش را به پایان رسانید و الحمدلله توانستند با همین گریه ها و با همین پیام ها، پیام کربلا را به ما برسانند. امروز هم الحمدلله طوری شده است که همه ی دنیا تحت تأثیر جریان کربلا قرار گرفته اند و در روز عاشورا و اربعین همه جا مجالس و محافل روضه و عزاداری برقرار است و الحمدلله روز به روز هم دارد بهتر می شود. خداوند ان شاء الله عزت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را زیاد کند و ما را هم با آن بزرگواران محشور بفرماید.

## طرح نحوه اجرای قسمتی از اصل یکصد و شصتم (۱۶۰) قانون اساسی

**منشی جلسه -** بسم الله الرحمن الرحيم. «طرح دوفوریتی نحوه اجرای قسمتی از اصل یکصد و شصتم (۱۶۰) قانون اساسی<sup>۱</sup>

ماده ۱- وزیر دادگستری از میان حقوقدانانی که توسط رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌شوند، انتخاب و برای اخذ رأی اعتماد به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شود.»

**آقای علیزاده -** این ماده‌ی اول ایراد دارد؛ اینکه گفته است رئیس قوه‌ی قضائیه، وزیر دادگستری را از میان «حقوقدانان» انتخاب کند، ایراد دارد. قبلاً هم می‌خواستند که برای خود اعضای شورای نگهبان هم یک چنین شرایطی را بگویند که گفتیم اشکال دارد.<sup>۲</sup> الآن اصل (۱۶۰) قانون اساسی می‌گوید که رئیس قوه‌ی قضائیه افرادی را

۱. طرح نحوه اجرای قسمتی از اصل یکصد و شصتم (۱۶۰) قانون اساسی که با قید دو فوریت توسط تعدادی از نمایندگان به مجلس تقدیم شده بود، با تصویب دوفوریت بررسی آن در مجلس، سرانجام در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۲۵ با اصلاحاتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۲۴/۵۸۱۸۲ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۷ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ و در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با قانون اساسی را به ترتیب طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۲۵۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ و ۹۳/۱۰۲/۳۵۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۴/۲/۲۲ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۳/۶ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۴/۱۰۲/۱۰۳۰ مورخ ۱۳۹۴/۳/۶ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. بندهای (۲)، (۳) و (۴) نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۴۵۱۴ مورخ ۱۳۹۰/۸/۲۶ شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۹۰/۸/۴ مجلس: «۲- تشخیص شرایط حقوقدانان شورای نگهبان در ماده (۲) مبنی بر الحاق (۱) ماده به آیین‌نامه داخلی،<sup>۳</sup> از جمله تعیین تعداد و مدارک تحصیلی آنها، مغایر اصل (۹۱) قانون اساسی شناخته شد. همچنین با توجه بر ایراد مذکور، محملی بر ابقای تبصره (۱) وجود ندارد.

۳- تبصره (۲) ماده الحاقی مذکور در ماده (۲)، در خصوص «عزل» حقوقدانان شورای نگهبان، مغایر

به رئیس جمهور معرفی می‌کند؛ خب فردا ممکن است رئیس قوه قضائیه یک مجتهد را پیدا می‌کند و او را به عنوان وزیر دادگستری به رئیس جمهور معرفی می‌کند. ما اگر بگوییم که این فرد حتماً باید «حقوقدان» باشد، خب ایشان مجتهدی را پیدا می‌کنند و می‌گویند که من می‌خواهم این مجتهد را برای وزارت دادگستری به رئیس جمهور معرفی کنم. مجلس که نمی‌تواند به رئیس قوه قضائیه بگوید که حتماً باید وزیر دادگستری را از بین حقوقدانان انتخاب کند. اصل (۱۶۰) قانون اساسی می‌گوید: «وزیر دادگستری ... از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند، انتخاب می‌گردد ...» حالا طبق این مصوبه، به رئیس قوه قضائیه باید بگویند شما حتماً حقوقدانان به رئیس جمهور معرفی کن!؟

**آقای مدرسی یزدی -** به اندازه‌ی «کس» که باشد، کافی است.

**آقای علیزاده -** به هر حال این یک موضوع روشنی است. بنابراین اگر آقایان این ایراد را قبول دارند و این ماده را خلاف اصل (۱۶۰) می‌دانند، رأی بدهند.

**آقای مؤمن -** در یکی از مصوبات، در مورد حقوقدانان شورای نگهبان هم این بحث بود.

**آقای علیزاده -** بله، در آنجا هم گفته بودند دو تا حقوقدان با شرایطی که مشخص کرده بودند باشد؛ حال آنکه اصل (۹۱) قانون اساسی می‌گوید که شورای نگهبان متشکل از شش نفر فقیه و شش نفر حقوقدان است. نمایندگان در مجلس می‌خواستند

→

اصول (۹۱) و (۹۲) قانون اساسی شناخته شد.

۴- تبصره (۳) ماده الحاقی در ماده (۲) نیز در خصوص قبول درخواست استعفاء حقوقدانان شورای نگهبان از سوی رئیس قوه قضائیه، مغایر اصل (۹۱) قانون اساسی شناخته شد.

\* ماده الحاقی به ماده (۲): «ماده الحاقی - رئیس قوه قضائیه حداقل یک ماه قبل از پایان دوره عضویت حقوقدانان شورای نگهبان، به تعداد حداقل دو برابر حقوقدان به مجلس معرفی می‌نماید. حقوقدانان باید دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر در رشته‌های مختلف حقوقی باشند.

تبصره ۱- حضور در هر دوره شورای نگهبان، معادل یک مقطع تحصیلی تنها برای عضویت در شورای نگهبان محسوب می‌شود.

تبصره ۲- در صورت استعفاء، فوت یا عزل هر کدام از اعضاء حقوقدان شورای نگهبان، رئیس قوه قضائیه برای باقیمانده دوره عضویت، طبق این ماده اقدام می‌نماید.

تبصره ۳- قبول درخواست استعفاء حقوقدان و موافقت یا مخالفت با آن، با رئیس قوه قضائیه است.»

که یک سری شرایطی برای معرفی حقوقدانان بیاورند که ما گفتیم اشکال دارد و نمی‌توانید شرایط دیگری [علاوه بر شرایط مصرح در قانون اساسی] بیاورید و رئیس قوه قضائیه خودش حقوقدانان شورا را انتخاب می‌کند. در اینجا هم وقتی می‌گوید حقوقدان، یعنی حتی در مقابل فقیه هم قرار می‌گیرد.

**آقای یزدی -** بله، وزیر دادگستری که لازم نیست از میان حقوقدانان باشد. عبارت اصل (۱۶۰)، اطلاق دارد.

**آقای علیزاده -** آقایانی که این ماده را خلاف اصل (۱۶۰) می‌دانند، رأی بدهند.

**منشی جلسه -** هشت رأی آورد.<sup>۱</sup>

**آقای رهپیک -** البته قبلاً در مورد بعضی از وزرا مثل وزیر اطلاعات هم شرایطی را در قانون به تصویب رسانده‌اند.<sup>۲</sup>

**آقای علیزاده -** در آنجا به خاطر این است که در قانون اساسی شرایطی برای آن وزرا نیامده است.

**آقای رهپیک -** در قانون اساسی در مورد وزرا گفته است که رئیس جمهور می‌تواند ...

**آقای علیزاده -** نه، در قانون اساسی که شرایطی نیامده است.

**آقای رهپیک -** نه، قانون اساسی در مورد انتخاب وزرا گفته است که رئیس جمهور می‌تواند وزیر معرفی کند.<sup>۳</sup>

**آقای مدرسی یزدی -** تعیین شرایط برای وزرا در آنجا درست است و مانعی ندارد.

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۵۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان: «۱- در ماده (۱)، از آنجا که بر اساس اصل (۱۶۰) قانون اساسی، وزیر دادگستری باید از میان کسانی انتخاب شود که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند، محدود کردن به انتخاب از میان حقوقدانان، مغایر اصل مذکور شناخته شد.»  
۲. قانون تعیین ضوابط و شرایط وزیر اطلاعات مصوب ۱۳۶۲/۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده- وزیر اطلاعات دارای شرایط زیر خواهد بود:

۱- از نظر تحصیلات در حد اجتهاد

۲- اشتهار به عدالت و تقوی

۳- داشتن سابقه‌ای روشن از نظر سیاسی و مدیریت

۴- عدم عضویت در احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی»

۳. اصل یکصد و سی و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «وزرا توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند.»



موضوع در اینجا، غیر از آنجا است؛ اینجا در مقام بیان است.

**آقای رهپیک -** البته چون در اصل (۱۶۰) گفته است «کسان»، این عبارت اطلاق دارد و در اینجا [پذیرش تعیین شرایط برای وزیر دادگستری به موجب قانون مصوب مجلس]، سخت تر است.

**آقای علیزاده -** در آنجا ما چیزی خلاف قانون اساسی نداریم. در مورد وزیر اطلاعات هم قانون اساسی گفته است که باید مجتهد باشد.

**آقای رهپیک -** نه، حالا استدلال مخالف این است که در قانون اساسی در مورد انتخاب سایر وزرا از جمله وزیر اطلاعات هم علی‌الطلاق گفته است که رئیس جمهور، وزیر معرفی کند؛ متنها مجلس [در ابتدای انقلاب با تصویب قانون تعیین ضوابط و شرایط وزیر اطلاعات مصوب ۱۳۶۲/۲/۲۹] یک شرایطی را برای معرفی وزیر اطلاعات گذاشته است.

**آقای ابراهیمیان -** نه، آن هم اشکال دارد. در آنجا هم اختیار رئیس جمهور برای معرفی وزرا قیدی ندارد. در قانون اساسی، شرایط تعیین وزیر را که به قانون عادی ارجاع نداده‌اند، بلکه فقط موضوع تعیین وظایف وزرا و تشکیلات وزارتخانه‌ها را به قانون عادی ارجاع داده‌اند.<sup>۱</sup>

**آقای رهپیک -** ولی در اینجا چون عبارت «کسان» را داریم، یک مقداری این ایراد قوی تر است.

**آقای علیزاده -** خب، از این ماده بگذریم.

**منشی جلسه -** «ماده ۲- وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوای مجریه و مقننه را بر عهده دارد و از این حیث عهده‌دار امور زیر است:

الف- ارائه لوایح قضایی تهیه شده توسط رئیس قوه قضائیه به دولت و پیگیری تصویب آنها ...»

**آقای علیزاده -** این ماده که تا اینجا اشکالی ندارد. مرکز [= مجمع مشورتی حقوقی

۱. اصل یکصد و سی و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «وزرا توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزرا لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.»

پژوهشکده‌ی شورای نگهبان] به این بند، ایرادی نگرفته‌اند؟

**آقای رهپیک -** نه، این عبارت صدر ماده (۲) که عین عبارت خود اصل است.

**آقای علیزاده -** بند (الف) هم اشکالی نداشت؟

**آقای رهپیک -** نه، بند (الف) هم اشکالی ندارد.

**منشی جلسه -** «ب- دفاع از لوایح قضایی در مجلس شورای اسلامی، اظهار نظر

در مورد طرح‌های مربوط به قوه قضائیه، هماهنگی لازم جهت پاسخگویی به کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی و همکاری جهت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی در خصوص مسائل مربوط به قوه قضائیه»

**آقای علیزاده -** این بند، اشکال دارد. من به این قسمت بند (ب) که گفته است

«همکاری جهت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی در خصوص مسائل مربوط به قوه قضائیه» ایراد دارم؛ چون وزیر دادگستری از این طرف رابط است؛ از آن طرف که رابط نیست.

**آقای ابراهیمیان -** چرا نه؟ رابطه‌ی آن که اشکال ندارد؛ چون به هر حال رابطه،

دوطرفه است دیگر.

**آقای علیزاده -** اگر وزیر دادگستری بخواهد که در تحقیق و تفحص همکاری

بکند، چه اطلاعاتی می‌خواهد بگیرد و بدهد؟ ما می‌توانیم بگوییم که وزیر دادگستری اطلاعات بگیرد و بدهد؟ مجلس حق تحقیق و تفحص را دارد، ولی اگر از طریق ایشان باشد و ایشان همکاری بکند، یعنی ایشان در امور مربوط به تحقیق و تفحص از قوه‌ی قضائیه وارد بشود.

**آقای ابراهیمیان -** همکاری می‌تواند در جهت ایجاد هماهنگی برای حضور در

[مسائل مربوط به قوه‌ی قضائیه، باشد].

**آقای علیزاده -** بند (ب)، اینها را نگفته است. در آن قسمت از بند (ب) که گفته

است: «هماهنگی لازم» [جهت پاسخگویی به کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی]، درست است؛ اما «همکاری» غیر از «هماهنگی» است؛ همکاری یعنی این کار را باید انجام بدهد و با مجلس برای این کار همکاری می‌کند.

**آقای ابراهیمیان -** حالا به نظر من، اظهار نظر وزیر دادگستری در مورد طرح‌های

مربوط به قوه‌ی قضائیه ابهام دارد.

**آقای علیزاده -** پایین تر مطلبی گفته است و ابهام را رفع کرده است. پایین تر [در تبصره‌ی ماده (۲)] گفته است که رئیس قوه‌ی قضائیه هم می‌تواند نماینده بفرستد و از طرح‌ها و لوایح قضایی دفاع بکند. لذا دادن این اختیارات به وزیر دادگستری، مانع این نیست [که رئیس قوه‌ی قضائیه خودش نماینده به مجلس نفرستد].

**آقای ابراهیمیان -** نه، حرف من چیز دیگری است. حالا آن تبصره هم به نظرم ایراد دارد؛ ولی در همین بند (ب) که گفته است: «اظهار نظر در مورد طرح‌های مربوط به قوه قضائیه»، این اظهار نظر از حیث استقلالی وزیر است؟ از این حیث است که وزیر، عضو قوه‌ی مجریه است یا از این حیث است که می‌خواهد نظر رئیس قوه‌ی قضائیه را منعکس کند یا هر دو؟ یا اینکه نظر شخصی خودش است؟

**آقای علیزاده -** حاج آقای مؤمن هم نسبت به اینجا اشکال دارند و اشکالشان هم درست است.

**آقای مؤمن -** بله.

**آقای علیزاده -** این کلمه‌ی «دفاع» که در اینجا آمده است، این مطلب را می‌رساند که وزیر نظر خودش را می‌گوید.

**آقای ابراهیمیان -** خب، این در صورتی است که وزیر دادگستری فقط رابط است. **آقای علیزاده -** بله، وزیر دادگستری، رابط است.

**آقای ابراهیمیان -** وزیر دادگستری باید نظر دولت و قوه‌ی قضائیه را در مجلس منعکس کند. به نظر من این باید اصلاح بشود.

**آقای ره‌پیک -** لوایح قضایی که مربوط به دولت نیست؛ پس یعنی وزیر دادگستری باید از لوایح قضایی برای قوه‌ی قضائیه دفاع کند.

**آقای علیزاده -** همین پریروز، وزیر دادگستری به مجلس رفته است و از آن طرف [= موافق قوه‌ی مجریه و مخالف نظر قوه‌ی قضائیه] دفاع کرده است دیگر. وزیر دادگستری به عنوان عضو هیئت وزیران می‌تواند ملاحظاتی که دولت و هیئت وزیران در مورد لوایح قضایی دارد را هم منعکس بکند.

**آقای ره‌پیک -** نه.

**آقای علیزاده -** نه، نمی‌تواند این کار را بکند.

**آقای ابراهیمیان -** چرا نمی‌تواند؟

**آقای علیزاده** - چون وظیفه‌اش نیست.

**آقای ابراهیمیان** - نه، وظیفه‌اش است.

**آقای علیزاده** - از طرف دولت که رابط نیست.

**آقای ابراهیمیان** - نه، به عنوان عضو هیئت وزیران این کار را می‌کند؛ چون ما یک

وظیفی هم به عنوان عضو هیئت وزیران، نه به عنوان نماینده‌ی قوه‌ی قضائیه، به وزیر دادگستری می‌دهیم.

**آقای علیزاده** - وزیر دادگستری به عنوان وظایف مشترک قوه‌ی قضائیه و قوه‌ی

مجریه در جلسه‌ی هیئت دولت شرکت می‌کند. نه، ما نمی‌توانیم چنین اختیاری به او بدهیم.

**آقای ابراهیمیان** - در خیلی از جاها، وزیر دادگستری را نماینده‌ی هیئت وزیران

می‌کنند؛ مثلاً به عنوان نماینده‌ی دولت در یک کمیسیونی شرکت می‌کند. در اینجاها به او می‌گویند که به عنوان عضو هیئت وزیران، نظر دولت را هم در مورد این لایحه‌ای که قوه‌ی قضائیه تصویب کرده است بگوید.

**آقای علیزاده** - نمی‌تواند.

**آقای ابراهیمیان** - گاهی در شرایط عمومی مملکت، برخی لوایح قضایی از نظر

مثلاً اقتصادی یا هزینه‌ای و بودجه تدابیر مناسبی نیست؛ خب چه کسی باید برود و این موضوع را در مجلس بگوید؟ یعنی می‌فرمایید وزیر دادگستری از داخل قوه‌ی مجریه بیاید و ملاحظات قوه‌ی قضائیه را بگوید، آن وقت دولت یک نفر دیگر را برای بیان نظراتش به مجلس بفرستد! چون ما قبلاً گفتیم که قوه‌ی قضائیه می‌تواند در صورت تأخیر قوه‌ی مجریه در ارسال لوایح قضایی به مجلس، به صورت مستقیم هم لوایحش را به مجلس بفرستد؛<sup>۱</sup> اما این نباید مانع از این بشود که ملاحظات کلی

۱. قانون الحاق یک تبصره به ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۹۲/۷/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده- یک تبصره به ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۸ به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره- در صورتی که دولت در مدت مذکور نتواند نسبت به تصویب و ارسال لایحه به مجلس اقدام نماید و سه ماه دیگر از مهلت قانونی آن بگذرد، رئیس قوه قضائیه می‌تواند مستقیماً لایحه را به مجلس ارسال کند.»

مملکت در رابطه با آن لایحه نادیده گرفته شود.

**آقای علیزاده** - خب خود دولت ملاحظاتش را بگوید.

**آقای ابراهیمیان** - خب دولت می‌گوید این وزیر، عضو کابینه است.

**آقای علیزاده** - دولت، معاون پارلمانی دارد.

**آقای ابراهیمیان** - وزیر دادگستری هم به عنوان عضو کابینه‌ی دولت است.

**آقای ره‌پیک** - این عبارت در مقام بیان آن مطلب نیست؛ این بند دارد در مورد

لوايح قضايی صحبت می‌کند.

**آقای مؤمن** - بسم الله الرحمن الرحيم. دفاع از لوايح قضايی، احتياج به این دارد که

دفاع‌کننده از جهات گوناگون به مفاد لایحه‌ی قضايی اشراف کامل داشته باشد؛ هم از جهت قانون اساسی و هم حیثاً از جهات شرعی و بعد هم برود و در مجلس از آن لایحه دفاع بکند. من در خاطر هم هست که یک وقتی همین اصل (۱۶۰) را تفسیر کردیم، به نظر من این طور می‌آید.

**آقای علیزاده** - بله، قبلاً این اصل را تفسیر هم کرده‌ایم.<sup>۱</sup>

**آقای مؤمن** - بله، تفسیر کرده‌ایم و خاطر هم هست که اصلاً آن موقع گفته شد که

وزیر دادگستری مثل یک معنای حرفی<sup>۲</sup> است و رابط بین رئیس قوه‌ی قضائیه و قوه‌ی اجرائیه و مقننه است. حالا در این مصوبه می‌گوید دفاع از لوايح قضايی؛ خب دفاع از لوايح قضايی احتياج دارد به اینکه کسی که می‌خواهد از لایحه دفاع بکند، بر محتوای آن لایحه کاملاً اشراف داشته باشد و توجه داشته باشد که مثلاً موارد خلاف شرع، خلاف قانون اساسی یا جهات دیگر در آن نیست، که این مسائل مربوط به وزیر دادگستری نیست. وزیر دادگستری فقط رابط بین سه قوه است. رابط یعنی اینکه آنچه را که مربوط به یکی از احوال‌الطرفین است، به طرف دیگر منتقل بکند. یعنی هر چه که

۱. نظریه‌ی تفسیری شماره ۴۲۱ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۱ شورای نگهبان: «وظیفه وزیر دادگستری برقراری رابطه بین قوه قضائیه با قوه مجریه و مقننه است و عهده‌دار مسئولیت این وظیفه و وظایف مشترک با هیئت وزیران می‌باشد و در امور تشکیلاتی دادگستری مانند اداره امور مالی، کارگزینی، خدمات و پزشکی قانونی، وظیفه و مسئولیتی ندارد و این امور به عهده شورای عالی قضایی می‌باشد.»

۲. «معنای حرفی: معنای حرفی، مقابل معنای اسمی بوده و عبارت است از معنایی که استقلال ذاتی ندارد؛ یعنی در افاده‌ی معنای خود تابع وجود معنای دیگری است و به تنهایی معنای خود را افاده نمی‌کند.» در این خصوص، بنگرید به: [yon.ir/harfiMean](http://yon.ir/harfiMean)

رئیس قوه‌ی قضائیه می‌گوید آن را به هیئت دولت، رئیس دولت و یا فرض کنید به مجلس منتقل کند. اصل ارسال و رساندن پیام و مطالب را به آنجا رساندن، می‌تواند جزء وظایف وزیر دادگستری باشد؛ اما دفاع از لایحه‌ی قوه‌ی قضائیه، احتیاج به این دارد که خودش در مورد محتوای آن تأمل بکند و توجه پیدا کند و با قواعد و موازین شرعی و قانون اساسی وفق بدهد یا اگر مخالفت و یا موافقتی داشته باشد - که البته قهراً در این موارد، موافقت است - بیان بکند. خب این کار احتیاج به جنبه‌های علمی شخص دارد که این ملاک‌ها، برای تصدی مسئولیت وزارت دادگستری و وزیر شدنش مدّ نظر نیست. لذا وزیر دادگستری، فقط جنبه‌ی رابط دارد. اگر مثلاً گفته می‌شد وظیفه‌اش منتقل کردن مسائلی که رئیس قوه‌ی قضائیه به او می‌گوید و او را مدافع پارلمانی خودش قرار می‌دهد است که یعنی به این وسیله، رئیس قوه‌ی قضائیه نظرات خودش را به وسیله‌ی وزیر منتقل بکند، شاید حرف قابل پذیرشی بود؛ ولی اینجا که می‌گوید دفاع از لایحه‌ی قضایی، یک مسئله‌ای بالاتر از این موضوع است که اصلاً جزء وظایف وزیر دادگستری نیست. این وظیفه، بر خلاف آن چیزی است که در اصل (۱۶۰) آمده است و می‌گوید وزیر دادگستری از میان اشخاصی که رئیس قوه‌ی قضائیه معرفی می‌کند، انتخاب می‌شود و رابط بین قوه‌ی قضائیه و قوه‌ی مجریه و قوه‌ی مقننه است. از اصل (۱۶۰)، چنین وظیفه‌ای برای وزیر دادگستری استفاده نمی‌شود و لذا وظیفه‌ای زائد بر آن است.

**آقای ره‌پیک -** بسم الله الرحمن الرحیم. آنچه که در اصل (۱۶۰) در مورد وزیر دادگستری آمده است، مسئولیت روابط قوه‌ی قضائیه با قوای دیگر است. بعضی از مواردی که در ماده (۲) این مصوبه آمده، خب روشن است که از نوع همین حیثیت رابط بودن وزیر است؛ مثل همان که گفتیم لایحه‌ی قوه‌ی قضائیه را در دولت پیگیری کند و آن را به مجلس ببرد. اما بعضی از موارد جنبه‌ی ماهوی دارد؛ یعنی بالاخره باید معلوم بشود که این مسئله، نظر رئیس قوه‌ی قضائیه است یا نیست. اگر معنای این عبارت «دفاع و اظهار نظر در مورد طرح‌های مربوط به قوه قضائیه»، به معنای استقلال وزیر باشد که یعنی خودش بخواهد مستقلاً برود و دفاع کند و خودش اظهار نظر بکند، خب این شاید اشکال داشته باشد و حداقل ابهام دارد.

در ذیل بند (ت) ماده (۲)<sup>۱</sup> یک عبارتی را اضافه کرده‌اند و گفته‌اند «با رعایت اصول قانون اساسی و نظر رئیس قوه قضائیه»، که خوب بود این عبارت را برای اصل این ماده می‌آوردند یا حداقل برای بعضی از بندها آن را می‌آوردند و آنها را مقید به رعایت اصول قانون اساسی و نظر رئیس قوه قضائیه می‌کردند. به نظر من اگر این قید می‌آمد، این بند (ب) بلاشکال بود و آلا اگر این قید در این بند نباشد، ممکن است حداقل بگوییم این بند ابهام دارد.

**آقای مدرسی یزدی** - خوب است که ابهام بگیریم.

**آقای ره‌پیک** - [یعنی ممکن است این برداشت از بند (ب) بشود که] اگر طرح یا لایحه‌ای به مجلس رفت، خود وزیر دادگستری می‌تواند به مجلس برود و در مورد آن اظهار نظر شخصی بکند؛ کما اینکه همین الان هم این طوری است دیگر. همین الان وزیر دادگستری نظراتی می‌دهد که رئیس قوه قضائیه قبول ندارد؛ از جمله در مورد خود همین طرح هم همین‌طور بود. وزیر دادگستری راجع به این طرح به مجلس رفتند، صحبت کردند و دفاع کردند، اما در مقابل، رئیس قوه قضائیه می‌گوید من اینها را قبول ندارم. به نظر من حداقل یک ابهامی گرفته بشود که مشخص شود مقصود از این عبارت چیست.

**آقای عزیزاده** - اشکال این موضوع، از ابهام بالاتر است. اطلاق «دفاع»، شامل این می‌شود که وزیر دادگستری «باید» نظر خودش را بگوید. تبصره‌ی ماده (۲) هم همین معنی را می‌رساند. بند (ب) می‌گوید که وزیر دادگستری نظر خودش را بگوید. تبصره‌ی ذیل این ماده هم می‌گوید که رئیس قوه قضائیه می‌تواند نماینده‌ای را بفرستد و حرف خودش را بزند. تبصره‌ی ماده (۲) گفته است: «اختیارات مندرج در این ماده مانع از اعمال وظایف و اختیارات قانونی رئیس قوه قضائیه و اظهار نظر و دفاع از لوایح و طرح‌های قضایی توسط نماینده رئیس قوه قضائیه نیست.»

۱. بند (ت) ماده (۲) طرح نحوه اجرای قسمتی از اصل یکصد و شصتم (۱۶۰) قانون اساسی مصوب ۱۳۹۳/۸/۲۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲ - ...»

ت - هماهنگی در امور بین‌الملل در خصوص تنظیم قراردادهای همکاری و معاضدت قضایی، استرداد مجرمان، انتقال محکومان و امضای اسناد و اجرای مفاد آنها با رعایت اصول قانون اساسی و نظر رئیس قوه قضائیه.»

**آقای ابراهیمیان -** این اشکال دارد.

**آقای مدرسی یزدی -** حالا ممکن است کسی با توجه به قرائن بگوید که منظور از بند (ب) این است که وزیر دادگستری بیاید از نظر قوه قضائیه دفاع کند؛ ولی اگر ابهام بگیرید قضیه حل می‌شود.

**آقای علیزاده -** خیلی خوب.

**آقای یزدی -** ابهامی ندارد؛ «دفاع» معنایش این است که وزیر از آنچه که قوه قضائیه ارائه کرده است، دفاع کند، نه اینکه نظرات خودش را بگوید.

**آقای مدرسی یزدی -** خوب بحث این است که باید طبق نظر خودش از لایحه قضایی دفاع کند یا طبق نظر قوه قضائیه؟

**آقای یزدی -** نه، دفاع از آنچه که آورده است؛ یعنی از لایحه دفاع می‌کند.

**آقای مدرسی یزدی -** طبق نظر خودش؟

**آقای یزدی -** باید از لوایح قضایی دفاع بکند؛ یعنی از مطالبی که در لایحه مطرح شده است دفاع کند.

**آقای علیزاده -** من می‌گویم چون این عبارت، شامل دفاعی هم می‌شود که غیر از نظر رئیس قوه قضائیه است، از این جهت اشکال دارد.

**آقای ابراهیمیان -** نه، این عبارت ظهور در این دارد که وزیر از لایحه قضایی دفاع کند. لایحه قضایی، پیام قوه قضائیه است و دفاع از آن، ظهور در این دارد که وزیر دادگستری باید نظر رئیس قوه قضائیه را انعکاس بدهد.

**آقای مدرسی یزدی -** نه، خوب ممکن است رئیس قوه قضائیه نخواهد آن رقمی دفاع کند.

**آقای ابراهیمیان -** اگر ما جنس دفاع از لوایح را در قالب وظیفه‌ی ارتباط تعریف کردیم - که به نظرم اگر این هم ارتباط نباشد، دیگر ارتباط دیگر و چیز دیگری هم قابل تصور نیست - این ارتباط فقط باید توسط وزیر دادگستری صورت بگیرد؛ حتی اینکه در تبصره‌ی این ماده و در بندهای دیگر هم ذکر شده است که این وظیفه‌ی وزیر، مانع اختیارات رئیس قوه قضائیه نیست [آن هم اشکال دارد]؛ چون رئیس قوه قضائیه در مورد ارتباط [با مجلس و دولت]، هیچ وظیفه‌ای برایش پیش‌بینی نشده است و بنابراین، این کار منحصرأ از طریق وزیر دادگستری است. یعنی رئیس



قوهی قضائیه خودش نمی‌تواند نماینده به مجلس بفرستد تا از لایحه‌اش دفاع کند. اگر اسم این کار رابطه [بین قوهی قضائیه و مجلس] است، حتماً باید این کار را وزیر دادگستری انجام بدهد؛ این یک نکته. اما در مورد موضوع اظهار نظر وزیر در مورد طرح‌های مربوط به قوهی قضائیه، من عرض این است که فقط همین اظهار نظر را ابهام بگیرد.

**آقای اسماعیلی -** بسم الله الرحمن الرحيم. عرض من این است که حالا قرائن و اطلاعاتی که بعضی از دوستان از خارج دارند، به این متن نباید تحمیل بشود. الآن ما هستیم و متن این مصوبه. لایحهی قضایی را چه کسی تهیه می‌کند؛ رئیس قوهی قضائیه، یعنی اصلاً دولت نمی‌تواند در آن دخل و تصرف کند. این مصوبه در بند اول، یعنی بند (الف) ماده (۲) می‌گوید لایحهی قضایی را که رئیس قوهی قضائیه تهیه کرده است، وزیر دادگستری به هیئت دولت ببرد و پیگیری کند تا تصویب بشود. در بند دوم یعنی بند (ب) می‌گوید که وزیر دادگستری در مجلس هم از آن لایحه دفاع کند. خوب آیا این مشکلی دارد؟ مثلاً اینکه دفاع بد بکند، دفاع بد، مگر دفاع نیست؟! من هم قبول دارم که ممکن است عملاً یک کسی یک چنین کاری بکند، ولی آن چیزی که از ظاهر این ماده برمی‌آید، این است. الفاظ قانون، محمول بر معانی عرفیه‌اند. لذا وقتی در این مصوبه دارد می‌گوید که وزیر دادگستری باید از لایحهی قضایی دفاع بکند، یعنی از محتوای این لایحه دفاع کند. حالا دیگر نمی‌توانیم بگوییم که چون ممکن است یک کسی برود و مثلاً طبق دلایل دیگری که آن دلایل مورد نظر رئیس قوهی قضائیه نیست دفاع کند، [این بند ممکن است معنای دیگری داشته باشد].

**آقای مدرسی یزدی -** آقایان ایرادشان بیشتر نسبت به قسمت بعدی بند (ب) که اظهار نظر در مورد طرح‌های مجلس است بود.

**آقای اسماعیلی -** طرح‌ها با لوایح فرق می‌کند.

**آقای مدرسی یزدی -** می‌دانم؛ می‌گویم که آقایان اعضا بیشتر در مورد آن قسمت، حرف داشتند.

**آقای اسماعیلی -** نه، ابتدا همین قسمت اول این بند را روشن کنیم. دوستان نسبت به این قسمت اولی هم اشکال داشتند. پس به نظر من عبارت «دفاع از لوایح قضایی» در بند (ب)، هیچ مشکلی ندارد و وزیر باید به مجلس برود و از لایحهی قضایی دفاع

کند؛ وظیفه‌اش این است. تازه از نگاه من این متن می‌گوید ولو خود وزیر موافق نباشد، اما باید برود و دفاع کند؛ من از این عبارت، این طوری برداشت می‌کنم. موضوع اظهار نظر در مورد طرح‌های مربوط به قوه قضائیه هم همین‌طور است. این یعنی وقتی نمایندگان مجلس یک طرحی به مجلس می‌دهند و این طرح در کمیسیون‌ها مطرح می‌شود، وزیر دادگستری باید برود و راجع به آن نظر بدهد. اگر رئیس قوه قضائیه نظری دارد، خب وزیر دادگستری رابط او است، پس باید به مجلس برود و نظر او را بگوید؛ اینکه معلوم است. اگر رئیس قوه قضائیه هم نظری ندارد، خب نظر خودش را می‌گوید. به نظر من از این جهت مشکلی ندارد؛ ضمن اینکه ما واقعاً باید وزیر دادگستری را از این حالت و از این وضعیت بی‌خاصیتی که واقعاً هیچ فایده‌ای ندارد، خارج کنیم. البته باید طبق قانون اساسی این کار را انجام دهیم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بسم الله الرحمن الرحيم. دفاع یکی از خصوصیات است که بین مجلس و قوه دیگری است که لایحه را فرستاده است. این از شئون این ارتباط است. چون در قانون اساسی گفته است که رابط قوه قضائیه با قوه مجریه و مقننه، وزیر دادگستری است. وزیر دادگستری تمام این شئون را دارد؛ چه علمی باشد، چه عملی باشد، چه اجرایی، همه‌اش مشمول آن [وظیفه و شأن رابط بودن] است. اینکه حالا ممکن است وزیر دادگستری از لحاظ نظری با لایحه قضایی مخالف باشد، خب مخالف باشد. بالاخره این خصوصیات است که مربوط به رابط بودن با قوه دیگر است و قانون اساسی گفته است که رابط بایستی این کارها را انجام بدهد. قانون اساسی رابط را هم مشخص کرده است که وزیر دادگستری است؛ بنابراین چه نظری باشد، چه عملی باشد و چه اجرایی باشد، همه‌ی اینها مشمول این شأن رابط بودن در قانون اساسی است. علاوه بر اینکه لایحه قضایی که به هیئت دولت می‌رود، ممکن است مسائلی در آن باشد که مربوط به بخش‌های اجرایی بشود. خود شورای نگهبان هم گفته است که در لایحه قضایی آن اموری که مربوط به بخش‌های اجرایی است، مربوط به دولت است و مربوط به رئیس قوه قضائیه نیست؛ مثل مسائل اجرایی، مسائل مالی و بودجه‌ای و امثال اینها. بالاخره به نظر من این قسمت از بند هیچ اشکالی ندارد؛ دفاع هم مثل بقیه‌ی کارها است. یکی از وظایف ارتباطی بین قوا، خود مسئله‌ی دفاع از لوایح قضایی است. این خودش یکی از وظایف

ارتباط و یکی از شئون ارتباط است. این وظیفه را هم قانون اساسی به رابط داده است. اگر بگوییم حق ندارد، پس چه کسی دفاع کند؟ اصلاً اگر از لایحه دفاع نشود که بد است و به ضرر قوهی قضائیه است. اگر فرد دیگری هم برود و دفاع کند که خلاف قانون اساسی می‌شود؛ چون به یک کس دیگر که چنین مسئولیتی ندارد، مسئولیت دفاع را داده‌ایم. اگر خود رئیس قوهی قضائیه هم بخواند به مجلس برود و از لایحهی قضایی دفاع کند، این هم خلاف شأن رئیس قوه است. این کار هم انجام نمی‌شود و تا به حال هیچ وقت هم نشده است که رئیس قوهی قضائیه بخواند خودش به مجلس برود و از لایحهی خودش در مقابل نمایندگان دفاع کند. پس نمی‌شود که لایحهی قضایی بی دفاع بماند و دفاع لغو بشود. بنابراین دفاع هم یکی از وظایف ارتباط و یکی از شئون ارتباط بین قوا است. به نظر من این اشکال بی خودی است.

**آقای یزدی -** اظهار نظر دربارهی طرح‌ها هم واقعاً از شئون وزیر دادگستری است؛ به این معنا که آن طرح، طرحی است که نمایندگان دربارهی دستگاه قضایی داده‌اند. مثلاً آقایان نمایندگان یک طرحی دربارهی قوهی قضائیه تنظیم کرده‌اند که مثلاً خوب است دستگاه قضایی چنین و چنان بکند. خب، چه کسی باید بگوید که این کار با وظایف دستگاه قضایی منافات دارد یا منافات ندارد یا مفادش مفید است یا مضر است؟ خب معلوم است که وزیر دادگستری می‌آید و در این باره نظر می‌دهد و می‌گوید این طرحی که آقایان نمایندگان داده‌اند، مفید است یا نیست. منظور از اظهار نظر این نیست که وزیر مستقلاً بیاید یک چیزی از پیش خودش بگوید. اظهار نظر دربارهی طرح‌ها، یعنی مناسب بودن یا نامناسب بودن، یعنی این طرح به درد قوهی قضائیه می‌خورد یا به درد قوهی قضائیه نمی‌خورد.

**آقای علیزاده -** نه، منظور این نیست.

**آقای یزدی -** این هم یک نوع دفاع از دستگاه قضایی است؛ بنابراین هر دو جمله، جملهی صحیحی است و هیچ ابهامی هم ندارد.

**آقای علیزاده -** اولاً دفاع از لوایح معنایش این نیست که وزیر دادگستری حتماً از نظرات رئیس قوهی قضائیه دفاع بکند؛ یعنی برود در مورد لوایح قضایی از نظر رئیس قوهی قضائیه دفاع کند. حالا بحث دفاع در مورد لوایح را کنار بگذاریم. اما در خصوص موضوع اظهار نظر در مورد طرح‌های مربوط به قوهی قضائیه، وزیر

دادگستری که نمی‌رود هر چه قوه‌ی قضائیه می‌گوید بگوید. نماینده‌ی مجلس همین الان این طرح را داده است و رئیس قوه این نظر را ندارد، اما وزیر دادگستری به مجلس می‌رود و می‌گوید که من این طرح را قبول دارم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** از جهت رابط‌بودنش نمی‌تواند چنین چیزی بگوید.

**آقای علیزاده -** نه، آنچه که شما می‌فرمایید در صورتی صحیح است که در ذیل این ماده [در تبصره‌ی ماده (۲)] نگفته باشد که نماینده‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه هم می‌تواند به مجلس بیاید و حرف‌های خودش را در مقابل حرف وزیر بزند. اگر منظور این است، پس این ذیل چیست؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** قانون گفته است که رئیس قوه‌ی قضائیه هر چه بخواهد بگوید، از طریق رابط بگوید.

**آقای علیزاده -** نه، ما حرفی نداریم؛ اما همه‌ی شما، یک زمانی رئیس قوه‌ی قضائیه بوده‌اید و این مطلب را قبول نداشته‌اید.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چرا؛ قبول داشتیم. بنده در زمانی که رئیس قوه‌ی قضائیه بودم،<sup>۱</sup> یک بار هم به مجلس نرفتم و همه‌ی کارها از طریق وزیر دادگستری انجام می‌شد.

**آقای علیزاده -** من همین‌جا خدمت شما می‌گویم که شما نمی‌رفتید، ولی وزیر دادگستری [از جانب خود] و معاونین شما هم [از جهت انعکاس نظرات شما] به مجلس می‌رفتند. الان ما نامه‌های آقایان [در خصوص اختلاف با وزیر دادگستری و حیطة‌ی وظایف آن] و تمام سوابق مربوطه را داریم.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** بله، من هم یادم می‌آید که در خصوص وزیر دادگستری، یک چیزی بود.

**آقای علیزاده -** الان شما آن عبارت بالا را با تبصره‌ی ذیل ماده با هم بخوانید؛ گفته است «اظهار نظر در مورد طرح‌های مربوط به قوه‌ی قضائیه». وقتی به وزیر می‌گویند اظهار نظر کن، معنایش این نیست که او برود و نظر رئیس قوه‌ی قضائیه را بگوید، بلکه یعنی وزیر دادگستری اظهار نظر کند و نظر خودش را بگوید. به نظرم ما باید بگوییم این ماده، ابهام دارد.

۱. سید محمود هاشمی شاهرودی، رئیس قوه‌ی قضائیه جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، بگویند ابهام دارد.

**آقای یزدی -** بگویند «اظهار نظر در مورد طرح‌های قوه‌ی قضائیه» ابهام دارد.

**آقای علیزاده -** ما می‌گوییم این «اظهار نظر» و این «دفاع» که در بند (ب) گفته شده است، ابهام دارد. من [از صحبت آقای ابراهیمیان] تعجب می‌کنم. جناب آقای دکتر ابراهیمیان، آقای وزیر دادگستری، رابط قوه‌ی قضائیه است به قوه‌ی مقننه؛ وزیر دادگستری که رابط قوه‌ی مجریه با قوه‌ی مقننه نیست.

**آقای ابراهیمیان -** شما از این حیث مؤید عرض من هستید. عرض من این است

...

**آقای علیزاده -** وزیر دادگستری اگر به مجلس رفت، نمی‌تواند که حتماً حرف قوه‌ی مجریه را در آنجا بزند. حرف قوه‌ی مجریه را که حتماً وزیر دادگستری نمی‌تواند به مجلس منعکس کند، مگر اینکه قانون به او بگوید.

**آقای هاشمی شاهرودی -** وزیر دادگستری، وزیر دولت است.

**آقای مدرسی یزدی -** اصل (۱۶۰) گفته است «وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد».

**آقای علیزاده -** این به قوه‌ی قضائیه برمی‌گردد.

**آقای مدرسی یزدی -** مگر آنکه قوه‌ی مجریه یک کاری با قوه‌ی قضائیه داشته

باشد.

**آقای علیزاده -** نه، من نسبت به آن که حرفی ندارم.

**آقای مدرسی یزدی -** این رابطه، دوطرفه است.

**آقای علیزاده -** نه، من [نسبت به انتقال پیام قوه‌ی مجریه به قوه‌ی قضائیه توسط وزیر دادگستری] که حرفی ندارم. من آن طرفش را می‌گویم؛ می‌گویم وزیر دادگستری، رابط قوه‌ی مجریه با مجلس نیست.

**آقای مدرسی یزدی -** عملاً هست دیگر.

**آقای علیزاده -** نه، قوه‌ی مجریه خودش رابط دارد؛ یعنی می‌فرماید وزیر

دادگستری باید به مجلس برود و در آنجا حرف قوه‌ی مجریه را بزند؟!

**آقای مدرسی یزدی -** نه.

**آقای هاشمی شاهرودی -** در مورد لوایح قضایی که می‌تواند.

**آقای علیزاده -** بله، دولت می‌تواند به او بگوید [که نظر ما را هم به مجلس منتقل کن]. اما قانون نمی‌تواند به او بگوید. دولت می‌تواند به وزیر دادگستری بگوید که از طرف من برو و این حرف را بزن. بنابراین اینکه شما الان در خصوص موضوع اظهار نظر در مورد طرح‌های مربوط به قوه قضائیه می‌گویید که وزیر دادگستری باید حرف رئیس جمهور و دولت را در مجلس بزند، کجا چنین چیزی نوشته شده است؟! کجا گفته‌اند که وزیر دادگستری باید حرف رئیس جمهور را در مجلس بگوید؟!

**آقای ابراهیمیان -** در اینجا دارند می‌گویند که باید بگوی.

**آقای علیزاده -** در مورد این قسمت، حداقلش این است که بگوییم اینجا اشکال دارد یا ابهام دارد.

**آقای ابراهیمیان -** عرض من هم همین است که این اظهار نظر در مورد طرح‌ها، ابهام دارد؛ چون به نظر می‌رسد که در مورد طرح‌ها، خود قانون اساسی مستقیماً [وظیفه و یا اختیاری] بر عهده قوه قضائیه نگذاشته است، ولی این موضوع در مفهوم رابطه نهفته است که وقتی یک قوه‌ای می‌خواهد با یک طرح، کاری را [به عهده قوه قضائیه بگذارد، باید وزیر دادگستری که رابط قوه قضائیه با مجلس است، از قوه قضائیه در مجلس دفاع کند].

**آقای یزدی -** چرا دیگر؛ این طرح مربوط به قوه قضائیه است دیگر.

**آقای ابراهیمیان -** بله، مثلاً اگر در قالب «طرح»، بخواهند تصرفی در قوه قضائیه بکنند.

**آقای یزدی -** گفته است «طرح‌های مربوط به قوه قضائیه».

**آقای علیزاده -** اما وزیر دادگستری باید حرف‌های قوه قضائیه را در مجلس بزند.

**آقای ابراهیمیان -** بله، وزیر دادگستری در مورد طرح‌های مربوط به قوه قضائیه باید حرف‌های قوه قضائیه را از آنها بگیرد و در مجلس بگوید. به نظرم باید از این موضوع، رفع ابهام کنند. عرض من این است که این موضوع ابهام دارد. من این موضوع را عرض کردم.

**آقای سوادکوهی -** در مورد بند (ب) که اشکال فرمودید و این امور را منحصر در ارتباط با وظیفه‌ی وزیر دانستید، به نظر من اگر این تبصره نبود، شاید محل ایراد و

اشکال واقع می‌شد؛ اما با وجود این تبصره، به نظرم هیچ ابهامی در ارتباط با این امر نیست.

### آقای علیزاده - چرا؟

**آقای سوادکوهی -** چون وزیر دادگستری مسائل مربوط به قوه قضائیه که مربوط به لوایح و دفاع از لوایح است و همین‌طور اظهار نظر در مورد طرح‌های مربوط به قوه قضائیه را انجام می‌دهد. این امر اگر در تبصره ماده (۲) نبود، شاید ایراد داشت، اما تبصره ماده (۲)، به صراحت به این مطلب تأکید کرده است و گفته است «اختیارات مندرج در این ماده مانع از اعمال وظایف و اختیارات قانونی رئیس قوه قضائیه و اظهار نظر و دفاع از لوایح و طرح‌های قضایی توسط نماینده رئیس قوه قضائیه نیست.»

**آقای علیزاده -** در همین مورد اشکال دارد.

**آقای ابراهیمیان -** بله، این اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** این اشکال دارد؛ چون وزیر دادگستری در آنجا رابط است.

**آقای مؤمن -** بله.

**آقای علیزاده -** این تبصره، اشکال را بیشتر کرده است.

**آقای سوادکوهی -** به نظر من این تبصره، از یک جهت دیگر ایراد را برطرف

می‌کند؛ چون رئیس قوه قضائیه با این تبصره، می‌تواند اختیاراتش را اعمال کند.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** نه، بحث بر سر این نیست.

**آقای علیزاده -** یعنی می‌فرمایید وزیر دادگستری می‌تواند نظر خودش را بگوید؟

**آقای مدرس‌ی یزدی -** ضمن این ماده، اختیارات وزیر دادگستری را توسعه داده

است.

**آقای سوادکوهی -** وزیر دادگستری کلیه مسائلی که قانون اساسی ذکر کرده

است را به عهده دارد؛ یعنی کلیه مسائل مربوط [به روابط قوه قضائیه با قوه

مجریه و قوه مقننه بر عهده او است].

**آقای علیزاده -** خوب، در حد رابط و ارتباط است.

**آقای سوادکوهی -** به نظرم عبارت «کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه

مجریه و قوه مقننه»، این عبارت را هم در برمی‌گیرد و مانع آن نیست.

**آقای علیزاده -** خب ما می‌گوییم که وزیر دادگستری باید برود و نظر قوه‌ی قضائیه را بگوید؛ چون معنای مرتبط و رابط این است.

**آقای سوادکوهی -** اساس این است که وزیر دادگستری باید نظر قوه‌ی قضائیه را بگوید، اما احياناً اگر قوه‌ی قضائیه متوجه این مطلب است که وزیر دادگستری آن‌طور که باید و شاید نسبت به دفاع از خواسته‌ی قوه‌ی قضائیه عمل نمی‌کند، نماینده‌اش را می‌فرستد و نماینده‌اش در مقام دفاع از قوه عمل می‌کند.

**آقای ابراهیمیان -** این اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** قانون که نمی‌تواند یک چنین اختیاری به وزیر دادگستری بدهد؛ به این جهت است که ما می‌گوییم قانون نمی‌تواند چنین چیزی بگوید.

**آقای سوادکوهی -** مگر اینکه شما بگویید این مسئله از اساس، محل اشکال است.

**آقای علیزاده -** خب بله، همین‌طور است.

**آقای سوادکوهی -** که این‌طور نیست.

**آقای جنتی -** آقای علیزاده، رأی بگیرید.

**آقای مدرسی یزدی -** ابهام بگیریم که شاید رأی بیاورد، وگرنه اشکال ندارد.

**آقای مؤمن -** اجازه بدهید.

**آقای جنتی -** ابهام ندارد که.

**آقای یزدی -** کجای عبارت ابهام دارد؟ ابهام یعنی ما نمی‌فهمیم که مصوبه چه می‌گوید. معنای ابهام این است.

**آقای رهپیک -** بله.

**آقای علیزاده -** ابهامش این است که ما می‌گوییم آیا این آقای رابط می‌تواند غیر از نظر قوه‌ی قضائیه هم چیز دیگری بگوید؟ همه‌ی ما داریم همین را می‌گوییم.

**آقای یزدی -** اظهار نظر درباره طرح‌های مربوط به قوه‌ی قضائیه، یعنی اینکه نظر قوه‌ی قضائیه را درباره‌ی این طرح‌ها بگوید.

**آقای مؤمن -** نه.

**آقای علیزاده -** نه، این را نمی‌گوید؛ می‌گوید «اظهار نظر»، نمی‌گوید «اعلام نظر».

قوه‌ی قضائیه».

**آقای یزدی -** یعنی واقعاً این عبارت را نمی‌فهمیم؟!



**آقای علیزاده -** حضرت آیت‌الله یزدی، این عبارت مصوبه نمی‌گوید «اعلام نظر قوه‌ی قضائیه»، بلکه می‌گوید «اظهار نظر خود وزیر دادگستری».

**آقای ابراهیمیان -** این اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** این قسمت بند (ب) ماده (۲)، اشکال دارد. آقایانی که می‌گویند حداقل این قسمت از بند (ب) ابهام دارد، نظر بدهند.

**آقای یزدی -** وزیر دادگستری درباره‌ی [طرح‌های مربوط به قوه‌ی قضائیه،] اظهار نظر می‌کند.

**آقای مؤمن -** حالا چرا باید به ابهام برسیم؟

**منشی جلسه -** شش رأی آورد.

**آقای جنتی -** ابهام ندارد.

**آقای علیزاده -** چرا؟

**آقای مؤمن -** یعنی می‌فرمایید وزیر دادگستری مستقلاً حق دارد که در خصوص طرح‌ها اظهار نظر کند؟ نه، معنای رابط بودن غیر از این است.

**آقای علیزاده -** آقای سلیمی، این قسمت که ابهام دارد.

**آقای جنتی -** وزیر دادگستری می‌خواهد نظرات قوه‌ی قضائیه را بیان کند.

**آقای علیزاده -** یعنی می‌تواند نظر خودش را بگوید یا نه؟ در پایین ماده (۲) دارد می‌گوید که می‌تواند. اصلاً اظهار نظر به همین معنا است. من می‌گویم با این عبارت، وزیر دادگستری می‌تواند [نظر خودش را هم بگوید].

**آقای سلیمی -** مجبور که نیست؛ خب رئیس قوه‌ی قضائیه کسی را [به عنوان وزیر دادگستری] معرفی کند که نظر او را بگوید.

**آقای علیزاده -** اگر قرار باشد که وزیر دادگستری هم وقتی به مجلس می‌رود، نظر خودش را بگوید، پس این چه رابطی است؟!

**آقای ابراهیمیان -** اطلاق و ظهور این عبارت این است که وزیر دادگستری نظر خودش را می‌گوید.

**آقای سلیمی -** وزیر دادگستری، «ظِلُّ السُّلْطَانِ» است. این حرف‌ها چیست که می‌زنید؟! او «ظِلُّ السُّلْطَانِ» است و چون «ظِلُّ السُّلْطَانِ» است، نظر سلطان را منعکس می‌کند.

**آقای مؤمن** - نه، نگفته است که «ظِلُّ السُّلْطَانِ» است.

**آقای سلیمی** - اصلاً وزیر، «ظِلُّ السُّلْطَانِ» است.

**آقای مؤمن** - اتفاقاً از تبصره استفاده می‌شود که وزیر دادگستری، «ظِلُّ السُّلْطَانِ»

نیست.

**آقای علیزاده** - بله، از تبصره که این مطلب، برداشت نمی‌شود.

**آقای هاشمی شاهرودی** - تبصره می‌خواهد بگوید که صلاحیت رئیس قوه‌ی

قضائیه محدود نمی‌شود.

**آقای مؤمن** - نه، این را نمی‌گوید.

**آقای علیزاده** - تعجب می‌کنم!

**آقای مدرسی یزدی** - بله، محدود نکرده است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این تبصره می‌گوید که با وجود وزیر دادگستری، باز هم

صلاحیت رئیس قوه‌ی قضائیه محدود نمی‌شود. در اینجا، رابط بماهو رابط کار خودش

را انجام داده و اظهار نظر کرده است.

**آقای علیزاده** - ما می‌گوییم که وزیر دادگستری رابط است و رابط نمی‌تواند

[مستقلاً اظهار نظر بکند].

**آقای مؤمن** - اگر رابط است که حرف قوه‌ی قضائیه را دارد منتقل می‌کند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - وزیر بماهو رابط اظهار نظر می‌کند. خود رابط باید اظهار

نظر کند. اگر این کار را نکند که به ضرر قوه‌ی قضائیه تمام می‌شود. وزیر باید برود و

اظهار نظر کند. اصلاً رابط را برای همین گذاشته‌اند که برود اظهار نظر کند و نظر

شخصی خودش را بگوید.

**آقای اسماعیلی** - در رأس ماده می‌گوید که وزیر دادگستری، رابط قوه‌ی قضائیه

است.

**آقای یزدی** - یعنی چه؟! عبارت به این واضحی را می‌خواهید مشکلش بکنید که

ممکن است این جور و آن جور باشد؟!]

**آقای اسماعیلی** - یک بار این اشکال را رأی گرفتیم و رأی نداشت.

**آقای جنتی** - نه، این اشکال رأی نداشت.

**آقای علیزاده** - چطور می‌فرمایید رأی ندارد؟! شش تا رأی دارد.

**آقای سلیمی -** آقای علیزاده، به زور می خواهید رأی بگیرید.

**آقای علیزاده -** نه، نمی خواهیم زوری رأی بگیریم. من واقعاً تعجب می کنم! از

این، رد شویم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خیلی مهم نیست.

**آقای علیزاده -** شما می فرمایید این ماده می گوید که وزیر دادگستری رابط است،

ولی می تواند نظر خودش را بگوید؟!]

**آقای شاهرودی -** معنای رابط، همین است.

**آقای علیزاده -** خوب همین را بگویید؛ چرا نمی گویند؟

**آقای مؤمن -** تبصره می گوید که [رئیس قوه قضائیه می تواند نماینده خود را

داشته باشد].

**آقای علیزاده -** اظهار نظر که به معنای بیان نظر رئیس قوه قضائیه نیست.

**آقای سلیمی -** اگر این بحث تمام شد، من در مورد این بند یک اشکال دیگری دارم.

**آقای علیزاده -** اشکال دیگر را بفرمایید.

**آقای سلیمی -** در ذیل بند (ب) آمده است که وزیر دادگستری «هماهنگی لازم

جهت پاسخگویی به کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی و همکاری جهت تحقیق

و تفحص مجلس شورای اسلامی در خصوص مسائل مربوط به قوه قضائیه» را هم

انجام دهد. هر چند این بند دنبال ایجاد حق تحقیق و تفحص مجلس از قوه قضائیه

نیست، ولی گذاشتن این جمله که در تحقیق و تفحص مجلس از قوه قضائیه، وزیر

دادگستری باید همکاری کند، در واقع مشروعیت بخشیدن به تحقیق و تفحص مجلس

در کلیه مسائل مربوط به قوه قضائیه است.

**آقای مدرسی یزدی -** نه، بعد آمده و استثنا کرده است.

**آقای سلیمی -** این عبارت در اینجا این ابهام را دارد که مثلاً در مورد فلان پرونده

هم می توان تحقیق و تفحص کرد و یا در مورد فلان نص هم می توان تحقیق و

تفحص کرد، آن وقت این تحقیق و تفحص تمام استقلال دستگاه قضایی را به هم

می ریزد و هیچ استقلالی برای او باقی نمی گذارد. علاوه بر این، این عبارت در

خصوص مسائل مربوط به قوه قضائیه اطلاق دارد. این عبارت در واقع دارد به

تحقیق و تفحص مجلس [در همه شئون قوه قضائیه] مشروعیت می بخشد. به نظر

من این اشکال در این بند هست که باید اصلاح کنند و به این سبک نباشد. لااقل منظور این عبارت روشن شود که منظورشان چیست و در مورد کدام قسمت‌ها می‌توانند تحقیق و تفحص کنند.

**آقای رهپیک -** گفته است که همکاری کند.

**آقای سلیمی -** بله، گفته است همکاری در اموری که مجلس می‌خواهد نسبت به آنها این اقدامات [= تحقیق و تفحص] را انجام بدهد. به هر حال من این اشکال را در این قسمت می‌بینم.

**آقای یزدی -** اینکه گفته می‌شود «مسائل مربوط به قوه قضائیه» به معنای پرونده‌هایی که در قوه قضائیه مطرح است و دعواهایی که وجود دارد اعم از حقوقی و کیفری و مدنی و خانوادگی نیست؛ منظور اینها نیست. مسائل قوه قضائیه یعنی نحوه استخدام، نحوه پرداخت، کیفیت اداره، کیفیت جذب، کیفیت اخراج نیرو، کارهای اداری و مدیریت قوه قضائیه؛ نه اینکه پرونده‌های مربوطه را بررسی کنند. اگر یک پرونده‌ای مورد اشکال است، اصلاً از مسائل قوه قضائیه نیست. مسائل قوه قضائیه یعنی چیزهایی که از وظایف قوه قضائیه است.

**آقای علیزاده -** البته خود قانون چیز دیگری می‌گوید؛ قانون این را نمی‌گوید.

**آقای یزدی -** مثلاً تحقیق و تفحص می‌کنند از اینکه چرا باید فلان قاضی را بیرون بکنند و به جای او یک آدم‌های دیگری را بیاورید. مجلس حق چنین تحقیق و تفحصی را دارد.

**آقای علیزاده -** چرا؛ ببینید ماده (۴) در مورد سؤال از وزیر دادگستری است؛ در آنجا دارد می‌گوید ...

**آقای مدرسی یزدی -** حالا به آن ماده هم می‌رسیم.

**آقای علیزاده -** نه، همین قرینه‌ای است بر اینکه در ماده (۲) هم تحقیق و تفحص شامل پرونده‌ها هم می‌شود. ماده (۴) می‌گوید: «وزیر دادگستری در قبال کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با سایر قوا و وظایف قانونی خود مانند سایر وزرا موظف است در برابر مجلس شورای اسلامی پاسخگو باشد. وزیر دادگستری موظف است به سؤالات نمایندگان مجلس در مورد مسائل مختلف مربوط به قوه قضائیه ... پاسخ دهد.»

**آقای یزدی** - «مسائل» را گفته است.

**آقای علیزاده** - بله، بند (ب) هم مثل همین است دیگر.

**آقای یزدی** - شامل پرونده‌ها نمی‌شود.

**آقای علیزاده** - چرا؛ در مواد بعدی مصوبه استثنا کرده و گفته است که شامل

پرونده‌های جاری قضایی نمی‌شود. خود اینها حتی پرونده‌ها را هم جزء مسائل مربوط به قوهی قضائیه می‌دانند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - مسائل قضایی شامل احکام قضایی نمی‌شود.

**آقای علیزاده** - خوب، اما خود این مصوبه دارد می‌گوید که شامل می‌شود.

**آقای هاشمی شاهرودی** - ورود به احکام قضایی را که به مجلس نمی‌دهند.

**آقای علیزاده** - یک وقتی می‌خواهیم بگویم ایراد ندارد، خوب ندارد؛ اما اگر

می‌خواهیم ماده را در نظر بگیریم، این «مسائل» که این در اینجا آمده است شامل همه‌ی آنها می‌شود.

**آقای یزدی** - یعنی می‌فرمایید شامل پرونده‌های قضایی هم می‌شود؟!

**آقای علیزاده** - بله، شامل تمام آنها می‌شود.

**آقای یزدی** - خوب، مثلاً پرونده‌های خانواده [را که نمی‌توان در اختیار کسی قرار

داد].

**آقای علیزاده** - در مورد سؤال، آنچه که از «مسائل قضایی» در این مصوبه استثنا

شده است، فقط پرونده‌های جاری است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - «مسائل»، غیر از احکام قضایی است.

**آقای جنتی** - آقای علیزاده مقید است که این مصوبه را خراب کند.

**آقای علیزاده** - من مقید نیستم که چنین کاری بکنم، اما من خودم به کمیسیون

قضایی رفته بودم که یک آقای از نمایندگان آمد و از وزیر دادگستری در مورد حصر

این آقایان سؤال داشت. آنها به وزیر دادگستری می‌گفتند که باید به مجلس بیاید و در

خصوص این موضوع جواب بدهد. آقای وزیر دادگستری هم تفسیر شورای نگهبان را

برد و گفت که من برای جواب دادن به این سؤالات، کاره‌ای نیستم.

**آقای هاشمی شاهرودی** - در مورد احکام قضایی بله، کاره‌ای نیست؛ چون حکم

قضایی [فقط در اختیار قاضی است و از شئون استقلال قضایی است].

**آقای علیزاده** - الآن با این مصوبه، فردا خواهند گفت که چرا فلان آقا را محکوم کردید، چرا فلان کس وضعش این طور است و امثال اینها.

**آقای هاشمی شاهرودی** - آنها حکم قضایی است.

**آقای یزدی** - اینها از مسائل قوهی قضائیه نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی** - آن حکم قضایی است و به افراد می‌گویند که شما حق ندارید در این امور دخالت کنید.

**آقای علیزاده** - خوب، شما الآن دارید اجازه می‌دهید.

**آقای هاشمی شاهرودی** - نه، ما اجازه نداده‌ایم.

**آقای سلیمی** - ماده (۵) هم همین است.

**آقای شبزنده‌دار** - پاراگراف دوم ماده (۴) را بخوانید؛ چون آقایان ظاهراً هنوز کاملاً متوجه موضوع نشده‌اند. پاراگراف دوم گفته است: «پرونده‌های جاری قضایی که سؤال پیرامون آنها استقلال قاضی را مخدوش و به عدالت قضایی لطمه وارد می‌کند و مسائل محرمانه مربوط به اشخاص مانند احوال شخصیه، از شمول این ماده خارج است.» پس تنها این موارد استثنا شده است.

**آقای علیزاده** - پس فقط در همین موارد به تحقیق و تفحص مجلس قائل نیستند.

**آقای مدرسی یزدی** - این استثنا، استثنای منقطع است؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، در خیلی از جاها استثنا را منقطع می‌کنند. می‌خواهد بگوید که این موارد را شامل نمی‌شود.

**آقای مدرسی یزدی** - استثنای منقطع واقعاً غیرعادی است؛ این استثنای متصل است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - می‌خواهد تأکید کند که شامل این موارد نیست؛ مثل این است که یک‌دفعه می‌گفت احکام قضایی مشمول این ماده نیست.

**آقای یزدی** - اگر بخواهند در این پرونده‌ها و احکام قضایی سؤال کنند، استقلال قاضی را از بین می‌برند؛ معنایش این است که مجلس اصلاً حق ندارد از قاضی و قوهی قضائیه بپرسد که مثلاً چند تا پرونده دارد و یا اصلاً پرونده‌هایت چیست. مجلس حق ندارد در این زمینه سؤال بکند. این را صریحاً دارد می‌گوید.

**آقای علیزاده** - واقعاً هم حق ندارند.

**آقای یزدی -** خب اینجا هم دارد همین را می‌گوید و نوشته است که حق ندارد. بنابراین نباید «مسائل»، شامل این موارد بشود.

**آقای علیزاده -** آن چیزی که در قانون اساسی آمده است فقط استقلال قاضی نیست. قانون اساسی ما استقلال قوه قضائیه را هم گفته است.<sup>۱</sup>

**آقای یزدی -** بله، استقلال قوه قضائیه هم هست.

**آقای علیزاده -** این مستقل از این است که قضاوتی که قاضی می‌کند باید مستقل باشد.

**آقای مدرسی یزدی -** ولی آقای علیزاده، این منافاتی ندارد؛ چون قوه مجریه هم مستقل است، ولی مجلس هم طبق قانون اساسی در همه‌ی امور حق وضع قانون و اظهار نظر در خصوص این قوه را دارد.

**آقای علیزاده -** بله، آن را که ما هم قبول داریم؛ اما در مورد تحقیق و تفحص، ما در همین زمان ریاست حضرت آیت‌الله شاهرودی در قوه قضائیه [این امر را شاهد بودیم].

**آقای هاشمی شاهرودی -** خب، شما اصلش را قبول کردید؛ اگر اصلش را قبول نمی‌کردید، خوب بود.

**آقای علیزاده -** این الآن قانون است دیگر.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، آنجا هم قانون شد دیگر.

**آقای علیزاده -** این مصوبه دارد قانون می‌شود که بر اساس آن مجلس می‌تواند از همه‌ی شئون قوه قضائیه تحقیق و تفحص بکند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** شما قبل‌تر هم گفتید که مجلس می‌تواند از قوه قضائیه تحقیق و تفحص کند.

**آقای علیزاده -** ولی ما گفتیم که شامل پرونده‌ها نمی‌شود.

**آقای مدرسی یزدی -** خب الآن هم می‌گوییم.

**آقای علیزاده -** خب بگویید.

**آقای جنتی -** خیلی خب، بحث کافی است؛ رأی بگیرید.

۱. اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ...»

**آقای مدرسی یزدی -** مجلس به صورت ماهوی نمی‌تواند در امور قوهی قضائیه دخالت کند.

**آقای سلیمی -** همین ذیل ماده (۴) که حاج‌آقای شب‌زنده‌دار قرائت فرمودند، گفته است: «پرونده‌های جاری قضایی که سؤال پیرامون آنها استقلال قاضی را مخدوش می‌کند»، این پرونده‌ها دو نوع می‌شود؛ یک نوع پرونده‌هایی است که سؤال از آنها استقلال قاضی را مخدوش می‌کند و نوع دوم، پرونده‌هایی است که سؤال از آنها استقلال قاضی را مخدوش نمی‌کند. در نوع دوم که استقلال قاضی را مخدوش نمی‌کند، می‌شود از آن سؤال کرد؛ یعنی می‌توان به آن پرونده ورود کرد.

**آقای یزدی -** هر سؤالی را می‌توانند بپرسند؟

**آقای مدرسی یزدی -** پرونده‌های جاری و غیرجاری، مختومه و غیرمختومه.

**آقای سلیمی -** در ذیل همین ماده، محرمانه و غیرمحرمانه هم آمده است. پرونده‌هایی که غیرمحرمانه است، مشکلی ندارد و مجلس می‌تواند به همه‌ی این پرونده‌ها وارد بشود و همه را بخواهد؛ اما پرونده‌هایی که محرمانه است، مفهوم مخالف این جمله می‌گوید که نمی‌تواند به آنها ورود کند.

**آقای یزدی -** یعنی نمی‌تواند وارد شود.

**آقای سلیمی -** بعد در ماده (۵) هم می‌گوید: «ماده ۵- مسئولان واحدهای مختلف قوه قضائیه موظفند به منظور پاسخگویی وزیر به سؤال‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اجرای مسئولیت‌های مندرج در این قانون، اطلاعات و مدارک لازم را در اختیار وزیر دادگستری قرار دهند.» عبارت «مسئولان واحدهای مختلف قوه قضائیه» یعنی همه‌ی امور مربوط به قوهی قضائیه را دوباره دارد به زبانی دیگر بیان می‌کند دیگر. مثلاً رئیس دادگستری فلان شهرستان جزء مسئولان واحدهای قوهی قضائیه است، رئیس مجتمع دادرسی فلان ناحیه تهران هم مشمول این کلیت قرار می‌گیرد و یا رئیس یک مجتمع دادگاهی از مجتمع‌های تهران به عنوان مسئولان قوهی قضائیه باید اطلاعات مربوط به پرونده‌ها را در اختیار وزیر قرار بدهد، چرا؟ چون نمایندگان می‌خواهند از وزیر دادگستری سؤال کنند. حالا ممکن است این پرونده‌ها محرمانه باشد و ممکن است نباشد؛ ممکن است استقلال قضات را زیر سؤال ببرد تا نبرد. به هر حال، باید اطلاعات این پرونده‌ها را به وزیر بدهند تا او بتواند به مجلس



جواب بدهد. این فتح باب به این شکل، از مواد قبل شروع شده است و مدام دارد به جلو می‌آید و به ترتیب ادامه پیدا می‌کند.

**آقای ره‌بیک -** ماده (۴) و (۵) اشکال دارد؛ منتها اشکالش این نیست. آن مواد اشکال بنیادین راجع به سؤال و تحقیق و تفحص دارند.

**آقای اسماعیلی -** لابد اشکالی که به ذهن آقایان می‌رسد این است که این بند دارد تحقیق و تفحص در مطلق امور قوهی قضائیه را مجاز می‌کند؛ اشکالش این است دیگر. می‌خواهیم به این اطلاق ایراد بگیریم، ولی شرط اساسی‌اش این است که این بند در مقام بیان این باشد که در کجا تحقیق و تفحص جایز است و کجا جایز نیست. اما این بند (ب) که این را نمی‌گوید. این بند می‌گوید که هر جا بخواهد تحقیق و تفحص صورت بگیرد، وزیر دادگستری هماهنگی‌های لازم را با این نمایندگان داشته باشد. اما در خصوص اینکه کجا تحقیق و تفحص جایز است و کجا جایز نیست، اصلاً این بند در مقام بیان نیست. ما قبلاً این موضوع را تفسیر کرده‌ایم و تفسیرمان هم درست است. همه هم می‌دانند که در امور قضایی نمی‌شود وارد شد و نمی‌شود استقلال قوهی قضائیه را خدشه‌دار کرد. این تحقیق و تفحص مربوط به همان بخشی است که آیت‌الله یزدی فرمودند؛ یعنی امور اداری و مالی و این چیزهایی که خودمان هم قبلاً اجازه داده‌ایم.<sup>۱</sup>

**آقای ابراهیمیان -** همان‌طور که قبلاً اجازه داده‌ایم.

**آقای اسماعیلی -** بله، این عبارت اطلاق ندارد و در مقام بیان این نیست که کجا

۱. شورای نگهبان تا کنون به صورت صریح، نظریه‌ی تفسیری در خصوص حدود صلاحیت مجلس در تحقیق و تفحص از قوهی قضائیه ارائه نکرده است، لیکن ضمن بررسی مصوبه‌ی مربوط به آیین‌نامه داخلی مجلس، با اعلام نظر در این خصوص، صلاحیت مجلس در تحقیق و تفحص از قوهی قضائیه را صرفاً در غیر «امور ماهیتی قضایی» و نیز «پرونده‌های جاری»، امکان‌پذیر دانسته است. در این خصوص، تبصره (۷) ماده (۲۱۴) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی [= ماده (۱۹۸) اصلاحی مورخ ۱۳۸۷/۹/۲۶ مجلس شورای اسلامی] مقرر می‌دارد: «تبصره ۷- تحقیق و تفحص مجلس شامل شورای نگهبان، مجلس خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام و پرونده‌های اجرایی مراجع قضایی و امور ماهیتی قضایی نمی‌شود و در مورد دستگاه‌هایی که زیر نظر مقام معظم رهبری هستند با اذن معظم‌له امکان تحقیق و تفحص توسط مجلس وجود دارد.» برای آگاهی کامل از محتوا و سیر مراحل تصویب این مصوبه در مجلس و بررسی آن در شورای نگهبان، بنگرید به پرونده‌ی این مصوبه در سامانه‌ی جامع نظرات شورای نگهبان، قابل دسترسی در نشانی زیر: [yon.ir/dWXn4](http://yon.ir/dWXn4)

می‌شود تحقیق و تفحص کرد و کجا نمی‌شود. چون تحقیق و تفحص احتیاج به تصویب مجلس دارد و به هر حال، این بند می‌گوید هر جا که امکان تحقیق و تفحص وجود دارد و مجلس تصویب می‌کند، خب وزیر دادگستری برود هماهنگی‌های لازم را با آنها انجام دهد.

**آقای علیزاده -** خیلی خب.

**آقای شب‌زنده‌دار -** این بند ابهامی ندارد.

**آقای شاهرودی -** نه، واقعاً ابهامی ندارد.

**آقای علیزاده -** بند بعدی را بفرمایید.

**منشی جلسه -** «پ- پیگیری کلیه امور راجع به بودجه، نیروی انسانی و مسائل اداری مربوط به قوه قضائیه در هیئت وزیران، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و دستگاه‌های اجرایی

ت- هماهنگی در امور بین‌الملل در خصوص تنظیم قراردادهای همکاری و معاضدت قضایی، استرداد مجرمان، انتقال محکومان و امضای اسناد و اجرای مفاد آنها با رعایت اصول قانون اساسی و نظر رئیس قوه قضائیه.»

**آقای علیزاده -** قبلاً که این مصوبه به صورت نصفه و نیمه برای ما آمده بود، ما به مفاد این بند (ت) ایراد گرفتیم و گفتیم که خلاف قانون اساسی است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چرا؟

**آقای علیزاده -** همین چند وقت پیش در مصوبه‌ی مربوط به قانون جرایم رایانه‌ای گفته بودند: «به منظور ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی در زمینه جرایم رایانه‌ای وزارت دادگستری موظف است با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اقدامات لازم را در زمینه تدوین لوایح و پیگیری امور مربوط جهت پیوستن ایران به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و معاهدات راجع به همکاری و معاضدت دوجانبه یا چندجانبه قضایی انجام دهد.»<sup>۱</sup> ما گفتیم که چون اختیارات وزیر دادگستری در قانون اساسی آمده است، از این مصوبه فهمیده می‌شود که این اختیارات برای وزیر

۱. ماده (۱۲۵) طرح آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.

دادگستری نیست.<sup>۱</sup> الآن ببینید در بند (ت) این مصوبه، تمام اسناد بین‌المللی قضایی که از امور اجرایی قوه قضائیه است و مربوط به رئیس قوه است را به وزیر دادگستری واگذار کرده است.

**آقای اسماعیلی -** وزیر دادگستری فقط هماهنگی می‌کند؛ یعنی این بند از مصوبه دارد می‌گوید با توجه به اصول قانون اساسی و نظر رئیس قوه قضائیه فقط ایشان هماهنگی این کارها را می‌کند.

**آقای رهپیک -** بین دولت و [قوه قضائیه هماهنگی می‌کند].

**آقای هاشمی شاهرودی -** آن هم تازه گفته که با رعایت اصول قانون اساسی و نظر رئیس قوه قضائیه باشد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** گفته است که با رعایت اصول قانون اساسی، اما این، از موارد ذکر شده در قانون اساسی نیست.

**آقای ابراهیمیان -** به نظر می‌رسد که آن عبارت «رعایت» به «رئیس قوه قضائیه» برمی‌گردد. اما آیا اصلاً نظر رئیس قوه قضائیه [در موافقتنامه‌های بین‌المللی] باید مورد توجه قرار بگیرد یا رعایت بشود؟ چون امضای موافقتنامه‌ها حتی اگر راجع به استرداد مجرمین باشد، با قوه مجریه و رئیس جمهور است؛ بنابراین، اگر نظر رئیس قوه قضائیه عطف به «رعایت» است، این بند اشکال دارد. جلب نظر رئیس قوه قضائیه برای همکاری خوب است، اما به نظر من رعایت نظر ایشان برای امضای موافقتنامه‌های همکاری بین‌المللی الزامی نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی -** شما بر عکس اشکال می‌کنید.

**آقای علیزاده -** چطور می‌گویید رعایت نظر ایشان لازم نیست؟ موافقتنامه‌های معاضدت‌های قضایی، هم‌اشاره مربوط به امور لوایح [قضایی] است. رعایت نظر رئیس قوه قضائیه که اشکال ندارد. شما در این موافقتنامه‌های قضایی دارید می‌گویید که

۱. بند (۲۷) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان در خصوص ماده (۱۲۵) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «۲۷- در ماده (۱۲۵)، از آنجا که وظایف وزیر دادگستری در قانون اساسی به نحو حصر تصریح گردیده است، انجام اقدامات مذکور در این ماده از سوی وزیر دادگستری، مغایر اصل (۱۶۰) قانون اساسی می‌باشد.»

چطوری از محکوم تحقیق بکنند، چطور مجرمان را استرداد بکنند و...، خب اینها کارهای قضایی است. این که از قدیم هم رسم بوده است که اصلاً این موافقتنامه‌ها را می‌آوردند و رئیس قوهی قضائیه تصویب می‌کرد و وزیر دادگستری امضا می‌کرد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - حالا این بند هم همین را گفته است.

**آقای سوادکوهی** - با توجه به اصل (۱۲۵)، این قسمت مربوط به امضای اسناد را محل اشکال می‌دانم؛ چون اصل (۱۲۵) گفته است: «امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی او است.»

**آقای علیزاده** - گفته است که امضای این موافقتنامه‌ها، [تصویب آنها را که نگفته

است].

**آقای سوادکوهی** - یعنی در این بند، ما داریم این اختیار را به وزیر دادگستری

منحصر می‌کنیم و این صلاحیت را از رئیس جمهور سلب می‌کنیم.

**آقای علیزاده** - نه.

**آقای ره‌پیک** - کار وزیر دادگستری در اینجا صرفاً هماهنگی است.

**آقای سوادکوهی** - دقت کنید. چون در این بند به «امضای اسناد» تصریح کرده

است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - «هماهنگی» در امضای اسناد را گفته است.

**آقای سوادکوهی** - نه، «هماهنگی» نگفته است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - چرا دیگر؛ بخوانید.

**آقای سوادکوهی** - «هماهنگی» در چه چیز؟ یک قسمتش را مستقل کرده است.

**آقای علیزاده** - بعد «همکاری» آمده است.

**آقای سوادکوهی** - (... و امضای اسناد و اجرای مفاد آنها)؛ امضای اسناد در ارتباط

با این مسائل را منحصر به وزیر دادگستری کرده است. به نظر می‌رسد آنچه که در قانون اساسی برای وزیر دادگستری آمده است، فقط در ارتباط با برخی مسائل خواسته است که این شخص رابط باشد.

**آقای علیزاده** - اگر امضای اسناد با وزیر دادگستری باشد، اشکال دارد.

**آقای سوادکوهی -** امضای اسناد در این بند گفته شده است و اشکال دارد. اینکه نوشته شده است و جلوی ما هست، هماهنگی در یک سری مسائل است و بعد، نهایتاً گفته است که فقط وزیر دادگستری اسناد را امضا کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چون انجام این کارها را «با رعایت اصول قانون اساسی» دانسته است، اشکالی ندارد؛ چون یکی اش همین موضوع امضا کردن اسناد است.

**آقای سوادکوهی -** خوب اینجا شما دارید وزیر دادگستری را ملزم می کنید.

**آقای هاشمی شاهرودی -** منظور این است که از رئیس جمهور هم سلب صلاحیت نمی کند.

**آقای سوادکوهی -** چرا؛ این بند دارد از رئیس جمهور سلب صلاحیت می کند. یعنی وزیر دادگستری را نمایندهی رئیس جمهور کرده اند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** دارد می گوید: «با رعایت اصول قانون اساسی».

**آقای سوادکوهی -** خوب این بند، قانون اساسی را رعایت نکرده است دیگر؛ چون قانون اساسی می گوید امضای این اسناد با رئیس جمهور یا نماینده قانونی او است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خوب این بند هم می گوید که با رعایت اصول قانون اساسی باشد.

**آقای سوادکوهی -** نه.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ذکر عبارت «رعایت»، معنایش این است که نمی خواهد از رئیس جمهور سلب صلاحیت بکند؛ چون اصل (۱۲۵) می گوید که امضای موافقتنامه های بین المللی با رئیس جمهور است.

**آقای سوادکوهی -** الآن در اینجا دارد این کار را منحصر به وزیر دادگستری می کند. این بند دارد آنچه که رئیس جمهور می تواند به انتخاب خودش، یک وزیری را برای این کار انتخاب کند محدود می کند.

**آقای علیزاده -** حضرت آیت الله شاهرودی، اگر این بند بنخواهد بگوید که نمایندهی رئیس جمهور فقط وزیر دادگستری باشد، اشکال دارد.

**آقای سوادکوهی -** بله، اشکال دارد؛ الآن این بند دارد این را می گوید.

**آقای علیزاده -** اگر امضا فقط با وزیر دادگستری باشد، اشکال دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، اشکالی ندارد.

**آقای سوادکوهی** - قانون اساسی رعایت نشده است؛ این رئیس جمهور است [که باید نماینده اش را انتخاب کند].

**آقای هاشمی شاهرودی** - امضای اسناد، با رعایت اصول قانون اساسی است.

**آقای علیزاده** - اگر [رئیس جمهور وزیر دادگستری را به عنوان نماینده اش معرفی نکرد،] ما این اختیار را به او [= وزیر دادگستری] نمی دهیم.

**آقای هاشمی شاهرودی** - خیلی خب، این بند یعنی اگر رئیس جمهور این اختیار را به وزیر دادگستری نداد، وزیر دادگستری اجازه ی این کار را ندارد، اما اگر این اختیار را به او داد، قبول داریم.

**آقای سوادکوهی** - نه خب، این بند دارد به رئیس جمهور تکلیف می کند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - [اگر رئیس جمهور به وزیر دادگستری چنین اختیاری نداد،] او نمی تواند این موافقتنامه ها را امضا کند؛ چون مصوبه می گوید که اصول قانون اساسی را رعایت کند.

**آقای سوادکوهی** - خود قانون دارد تصریح می کند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این بند دارد می گوید که باید اصل (۱۲۵) را رعایت کنند.

**آقای سوادکوهی** - این مصوبه، طرحی را آورده است که به رئیس جمهور تکلیف می کند که او چه کار کند؛ قطعاً اعطای اختیار به وزیر دادگستری برای امضا است.

**آقای رهپیک** - ظاهرش هماهنگی است.

**آقای سوادکوهی** - نه نیست؛ ظاهرش یک بحث دیگری می کند.

**آقای رهپیک** - هماهنگی در امور بین الملل در خصوص تنظیم قراردادها است.

**آقای علیزاده** - الآن امروز همه اش از این مصوبه، یک چیز دیگری می فهمیم. آن چیزی که خود مصوبه می گوید را نمی فهمیم و یک چیز دیگر که این مصوبه نمی گوید را می فهمیم!

**آقای ابراهیمیان** - اصل (۱۲۵)، امضای موافقتنامه ها بعد از تصویب مجلس را به عهده ی رئیس جمهور گذاشته است، درست است؟ من عرضم این است که ممکن است یک مصوبه ای در مجلس تصویب شود که به صورت لایحه باشد - که الآن هم همین طور است - ولی نظر رئیس قوه ی قضائیه در مجلس لحاظ نشود؛ چون مجلس

مختار است و ممکن است نظر ایشان را لحاظ بکند یا لحاظ نکند. پس حالا چرا در اینجا، در موقع امضا، این قید رعایت نظر رئیس قوهی قضائیه را گذاشته‌اند؟ ببینید، این بند گفته است که امضای اسناد و اجرای مفاد آنها با رعایت اصول قانون اساسی و نظر رئیس قوهی قضائیه انجام شود. خوب موقع امضا، اصلاً مجال رعایت نظر رئیس قوهی قضائیه فراهم نمی‌شود؛ یعنی اگر رئیس قوهی قضائیه پیام بدهد که آقای رئیس جمهور من نظرم این است، آیا رئیس جمهور در امضای مقاوله‌نامه‌ها و اسناد همکاری موظف است که نظر رئیس قوهی قضائیه را رعایت کند؟ جواب، منفی است. الآن این متن، بد نوشته شده است.

**آقای علیزاده -** بله، بد نوشته شده است؛ ولی ظاهر عبارات این نیست که آقایان می‌خواسته‌اند این را بگویند.

**آقای ابراهیمیان -** ما می‌دانیم که چه می‌خواهند بگویند ولی [در اینجا بحث قانونگذاری است].

**آقای علیزاده -** ما اگر بخواهیم ابهام بگیریم، نمی‌توانیم؛ ولی این عبارت که به تنظیم قراردادها و امثال اینها برمی‌گردد، اشکال دارد.

**آقای رهپیک -** [این عبارت ذیل بند (ت)،] به هم‌ماش برمی‌گردد.

**آقای علیزاده -** الآن به همه برمی‌گردد.

**آقای رهپیک -** باید به کل بندها برگردد، نه فقط به بند (ت).

**آقای مدرسی یزدی -** اگر قید «با رعایت اصول قانون اساسی» را نگفته بود، اشکال داشت، ولی با این قید، در حقیقت تفسیرش را به خود قانون اساسی ارجاع کرده است. ولی واقعاً خیلی بد نوشته‌اند، خیلی بد نوشته‌اند. یعنی باید این مصوبه را برگردانیم تا آن را اصلاح کنند.

**آقای علیزاده -** اگر می‌خواهید که بگوییم اشکال عبارتی دارد، همین را می‌گوییم.

**آقای ابراهیمیان -** به نظرم حداقل اشکال عبارتی بگیریم.

**آقای مدرسی یزدی -** بله، بنویسید که مقصود از این عبارت بند (ت) چیست؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** مبهم است.

**آقای مدرسی یزدی -** بگوییم که عبارت، برای رساندن مقصود کافی نیست.

**آقای جنتی -** اشکال عبارتی که جزء وظایف ما نیست؛ اگر می‌خواهید چیزی

بگویید، همان ابهام را بگیرید.

**آقای مدرسی یزدی** - همان ابهام می شود دیگر.

**منشی جلسه** - این ایراد، تذکر نیست؛ چون این عبارت واقعاً غلطانداز است. قانون

را که این طوری نمی نویسند.

**آقای علیزاده** - چه بگوییم؟ الآن هر فرمایشی دارید بگویید تا بنویسیم.

**آقای مدرسی یزدی** - به قول حاج آقا همان ابهام را بگیرید.

**آقای علیزاده** - آقایان به ابهام رأی می دهید؟

**آقای جنتی** - شما رأی بگیرید هر که بخواهد رأی می دهد.

**آقای سوادکوهی** - ما که اشکال داریم؛ حداقل این است که این بند، ابهام دارد.

**آقای علیزاده** - بگوییم که این عباراتی که در بند (ت) آمده است، مبهم است و

باید از آنها رفع ابهام کنید.

**آقای ؟** - [از چه جهت مبهم است؟]

**آقای علیزاده** - از این جهت مبهم است که از یک طرف می گوید امضای اسناد با

وزیر دادگستری است و رعایت نظر رئیس قوه قضائیه هم لازم است و از طرف

دیگر می گوید با رعایت اصول قانون اساسی باشد. اگر همان عبارت «با رعایت قانون

اساسی» باشد [که قانون اساسی در این باره چیز دیگری گفته است] و بعد هم اینکه

اینها که می خواهند نظر رئیس قوه قضائیه را بگیرند، باید قبل از تصویب و امضای

این اسناد بگیرند.

**آقای اسماعیلی** - الآن چطوری است؟ من در این خصوص یک توضیحی بدهم.

**آقای رهپیک** - الآن هم دارد می گوید در زمان تنظیم قرارداد نظر رئیس قوه را

بگیرند. اگر این عبارت آخر بند (ت)، عطف به عبارات اول بشود، یعنی وزیر

دادگستری از اول در تنظیم قراردادهای همکاری بین المللی با رعایت قانون اساسی و

نظر رئیس قوه قضائیه عمل کند.

**آقای علیزاده** - منظورشان همین است، ولی عبارت این نیست. باید بگوید که

همانگی در امور فلان و فلان و معاضدت قضایی، بعدش بگوید با رعایت نظر رئیس

قوه قضائیه. امضای اسناد و اجرای مفاد آنها را هم نمی داند چه باید بکنند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - امضای اسناد هم می شود با نظر رئیس قوه قضائیه



باشد؛ چون اگر رئیس قوهی قضائیه خودش نخواهد که موافقتنامه‌ای امضا شود، به رباط [= وزیر دادگستری] می‌گوید که تو امضا نکن؛ رئیس جمهور خودش امضا بکند و تبدیل به قانون بشود.

**آقای علیزاده -** ما حتماً این موضوع را می‌گوییم که وزیر دادگستری بالاستقلال حق امضا ندارد.

**آقای مدرسی یزدی -** خیلی خوب، می‌خواهد بگوید که وزیر دادگستری نظر رئیس قوهی قضائیه را بگیرد و مثلاً به آنجا ببرد.

**آقای علیزاده -** نه، امضا هم دارد آخر.

**آقای هاشمی شاهرودی -** اصل می‌گوید این جمله مستقل است؛ یعنی اینکه این جمله مستأنفه است.

**آقای رهپیک -** چرا مستأنفه است؟!

**آقای مدرسی یزدی -** نه، مقصود از این عبارت، هماهنگی در امضا است.

**آقای رهپیک -** بله، منظور هماهنگی در امضا است.

**آقای شاهرودی -** این جمله، یک جمله‌ی مستأنفه است.

**آقای هاشمی سوادکوهی -** اگر جمله‌ی مستأنفه است که دیگر هماهنگی نمی‌خواهد.

**آقای رهپیک -** چرا دیگر.

**آقای علیزاده -** امضا، چه هماهنگی می‌خواهد؟

**آقای رهپیک -** وزیر دادگستری باید بین رئیس جمهور و رئیس قوهی قضائیه هماهنگی بکند و بعد بروند قرارداد را امضا کنند.

**آقای علیزاده -** بعد از تصویب قرارداد، رئیس جمهور ملزم به امضای آن است.

**آقای مدرسی یزدی -** ملزم است.

**آقای علیزاده -** دیگر چه هماهنگی‌ای می‌خواهد؟ من واقعاً این را دارم می‌گویم، الان این عبارت می‌خواهد بگوید که وزیر دادگستری [خودش بالاستقلال] امضا کند.

**آقای رهپیک -** این دلیل نمی‌شود.

**آقای مدرسی یزدی -** ما که از عبارت، این را نمی‌فهمیم، ولی به آن ابهام می‌گیریم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** پس قید «با رعایت اصول قانون اساسی» حل شد.

**آقای علیزاده** - واقعاً ابهام دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - آقای علیزاده، آن کاری که بایستی وزیر دادگستری بکند و رئیس جمهور نکند، با قید «رعایت اصول قانون اساسی» حل شد. اخذ نظر رئیس قوه قضائیه هم معنایش این است که وزیر دادگستری به عنوان رابط، باید موافقت و نظر او را بگیرد و اگر موافقت نکرد، خود رئیس جمهور امضا می کند.

**آقای یزدی** - هماهنگی در امور بین الملل در خصوص تنظیم قرارداد و امضای اسناد و اجرای فلان و فلان؛ این کلمه «هماهنگی» به همه‌ی اینها می خورد.

**آقای علیزاده** - از کجا می فرمایید که به همه‌ی اینها می خورد؟

**آقای یزدی** - هر بار هم که شما می گوئید این بند ابهام دارد، ما نمی فهمیم. عبارت هم بد نوشته نشده و خیلی هم خوب نوشته شده است.

**آقای مدرسی یزدی** - نه، بد نوشته اند.

**آقای یزدی** - گفته اند هماهنگی در همه‌ی این امور بکند. هر بار شما می گوئید این بند ابهام دارد، ما نمی فهمیم.

**آقای علیزاده** - شما در «اصول» می فرمودید که آن کلمه «هماهنگی»، به همین اولی می خورد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - آن بحث استثنای متصل پس از چند عبارت بود. در اینجا که اولی و دومی ندارد. اینها همه یک جمله است.

**آقای علیزاده** - یعنی خودش امضا می کند. امضا که هماهنگی نمی خواهد. آیا می تواند خودش امضا بکند؟

**آقای یزدی** - مستقل نیست، هماهنگی در امضا است.

**آقای علیزاده** - این اصلاً حق امضا ندارد، آن وقت شما می گوئید امضا بکند؟

**آقای یزدی** - هماهنگی در امضا است؛ یعنی وزیر دادگستری مقدمات امضا را فراهم کند.

**آقای جنتی** - رأی بگیرید.

**آقای علیزاده** - این جمله که واقعاً غلط است. آقایانی که می گویند این عبارت، مبهم است، بفرمایند. اگر آقایان به ابهام این جمله رأی می دهند، اعلام رأی کنند.

**منشی جلسه** - شش رأی آورد. «تبصره - اختیارات مندرج در این ماده مانع از

اعمال و وظایف و اختیارات قانونی رئیس قوه قضائیه و اظهار نظر و دفاع از لوایح و طرح‌های قضایی توسط نماینده رئیس قوه قضائیه نیست.»

**آقای علیزاده** - از همین تبصره معلوم می‌شود که آن دفاع وزیر دادگستری در بالا [= بند (ب) ماده (۲)]، دفاع از نظر قوهی قضائیه نیست.

**آقای یزدی** - معلوم است که هر دو یکی است.

**آقای ابراهیمیان** - چون این امور داخل در مفهوم روابط هستند و قانون‌گذار مسئول رابطه را منحصرأً وزیر دادگستری گذاشته است و این تشریفات حضور در مجلس و اینها، امور تشریفاتی است، در اینجا نمی‌شود بگوییم [که رئیس قوهی قضائیه هم می‌تواند نمایندهی خودش را بفرستد]. وقتی قانون اساسی گفته است که رابط، وزیر دادگستری باشد، خب نمی‌توان گفت که رئیس قوهی قضائیه هم می‌تواند نمایندهی خودش را بفرستد. پس مسئولیت این وزیر چه می‌شود؟ در رابطه‌ی با همین انجام وظیفه‌ی روابط، می‌شود وزیر را استیضاح کرد. اگر قرار باشد این وزیر در انجام این وظیفه، یک شریک دیگر هم داشته باشد، مسئولیت وزیر دادگستری لوٹ می‌شود. اصلاً مراد قانون اساسی هم این نبوده است. حضور رئیس قوهی قضائیه و یا نمایندهی او، یعنی به مجلس تکلیف بکنیم که رئیس قوهی قضائیه هم حضور پیدا کند و در مورد لوایح و طرح‌ها حرف بزند و این خلاف اصل (۱۶۰) و انحصار وظایف وزیر دادگستری در این امور است. بله، در آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس یا در مقررات ما داریم که اگر مجلس در مورد موضوعی، توضیحی را ضروری بداند می‌تواند [از رئیس قوه و یا نماینده‌اش] دعوت کند، ولی نه اینکه ایجاد تکلیف کند. این تبصره گفته است که حکم ما در خصوص وظایف وزیر، نافی اختیارات رئیس قوهی قضائیه برای دفاع نیست. بنابراین، این تبصره تجویز کرده است که الآن رئیس قوهی قضائیه، دفتر و دستکی در مجلس داشته باشد.

**آقای علیزاده** - این مصوبه هم همان اختیارات قانونی را گفته است؛ اختیارات غیرقانونی را که نگفته است؛ یعنی اگر قانون و آیین‌نامه اجازه بدهد [چنین حکمی جاری است].

**آقای ابراهیمیان** - همین است دیگر، اعمال وظایف است. در این تبصره گفته‌اند: «و اظهار نظر و دفاع از لوایح»، حال آنکه اصلاً در زمینه‌ی دفاع از لوایح به قوهی

قضائیه چنین اجازه‌ای داده نمی‌شود؛ چون این کار در صلاحیت وزیر دادگستری است، نه رئیس قوه‌ی قضائیه.

**آقای علیزاده** - ببینید آقای دکتر، الان این یک چیزی شده است. در بالا [= بند (ب) ماده (۲)] گفتند که وزیر دادگستری از لوایح قضایی دفاع کند، اما این مانع دفاع رئیس قوه‌ی قضائیه که نمی‌شود. خوب او هم نباید از لوایح قضایی دفاع بکند، چه اشکالی دارد. حالا شما می‌گویید که نمی‌شود!

**آقای ابراهیمیان** - اگر شما یک کسی را به عنوان رابط می‌پذیرید، همان شخص باید این کار ارتباط را انجام دهد.

**آقای علیزاده** - ما که قبول داریم؛ من که خودم هم به بند (ب) اشکال داشتم.

**آقای ابراهیمیان** - آقای وزیر دادگستری در جلسه‌ی دوفوریتی همین طرح در مجلس مُدام اصرار می‌کرد که کدام وزیر است که در قانون اساسی دو سطر در موردش نوشته شده باشد، اما شما قانون عادی برایش نمی‌نویسید. من هم گفتم که آن دو سطر هم مثل «وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا»<sup>۱</sup> است. آن دو سطر هم فقط شما را رابط قرار داده است. حالا عرض من در اینجا این است که شما می‌خواهید همین نقش رابط را هم کم کنید! وزیر دادگستری که همین‌طوری هیچ‌کاره است، حالا یک وظیفه‌ی مهم دارد که آن ایجاد ارتباط است که آن را هم می‌گوییم یک نفر در کنار وزیر به مجلس می‌فرستیم. خوب، به نظر من این کار خلاف قانون اساسی است.

**آقای مؤمن** - ایرادی که ما گرفتیم و قبول نفرمودید، این بود که گفتیم دفاع از لوایح قضایی که در بند (ب) آمده است، یک دفاع مستقلی است که خود وزیر دادگستری [بر اساس دیدگاه خودش] انجام می‌دهد. اما آنجا فرمودید که نه، دفاع مستقل نیست و ایشان همان حرف‌های رئیس قوه‌ی قضائیه را می‌گوید و از آن حرف‌ها دفاع می‌کند.

**آقای علیزاده** - ما هم قبول نداشتیم.

**آقای مؤمن** - وزیر دادگستری این لایحه‌ی قضایی را به هیئت دولت می‌دهد و از هیئت دولت به مجلس می‌برد و در مجلس هم خودش از لایحه دفاع می‌کند. اگر این

۱. «وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا؛ و فرمان خدا، در هر حال انجام شدنی است.» (سوره‌ی نساء، آیه ۴۷)

دفاع، دفاع‌های رئیس قوه‌ی قضائیه است، پس چرا این تبصره دارد دفاع از لوایح را به صورت جداگانه به نماینده‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه می‌دهد؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** به خاطر اینکه رئیس قوه‌ی قضائیه از این طریق هم می‌تواند نظرش را بگوید.

**آقای مؤمن -** نه، آخر این‌طور نیست. وقتی شما آن را از وظایف وزیر دادگستری قرار دادید، [دیگر نمی‌توانید چنین چیزی بگویید].

**آقای علیزاده -** منتفع به انتفاع نیست.

**آقای مؤمن -** بند (ب) گفته است که «دفاع از لوایح قضایی در مجلس»، نه دفاع مستقل.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خب، ممکن است چون نماینده‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه بهتر دفاع می‌کند، رئیس قوه او را برای دفاع به مجلس می‌فرستد.

**آقای مؤمن -** نه، به بهبودن که نیست. این همان است و دفاع از لوایح قضایی یعنی وزیر به جای او [رئیس قوه‌ی قضائیه] است. اگر شما فرمودید که آن دفاع وزیر دادگستری، دفاعی است که از محتوای لایحه‌ی قضایی می‌کند، پس اگر وزیر دادگستری آن کار را نکرد، باید از او سؤال بشود و استیضاحش کرد که چرا این کار را نکرده است؛ نه اینکه رئیس قوه‌ی قضائیه خودش برود و این کار را بکند.

**آقای ابراهیمیان -** در اینجا اشکال وارد است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این اشکال آقای ابراهیمیان واقعاً وارد است.

**آقای علیزاده -** منتها به شرط اینکه در بالا [= بند (ب) ماده (۲)] بگوییم که وزیر دادگستری در دفاع از لوایح قضایی باید نظر رئیس قوه‌ی قضائیه را بگوید. اگر این شرط را قبول می‌کنید، ما بگوییم که این تبصره اشکال دارد؛ آن‌وقت ما هم این ایراد را تأیید می‌کنیم.

**آقای علیزاده -** اگر در بالا تصریح کنند که وزیر دادگستری باید نظر رئیس قوه‌ی قضائیه را بگوید، ما این ایراد را در تبصره تأیید می‌کنیم.

**آقای مؤمن -** بله.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چه بگوید چه نگوید، رئیس قوه‌ی قضائیه حق ندارد که نماینده بفرستد.

**آقای علیزاده -** چرا دیگر.

**آقای مؤمن -** همین دفاع را آن نماینده‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه [= وزیر دادگستری]

بکند.

**آقای علیزاده -** شما به این استدلال رأی ندادید و گفتید ایشان [= وزیر

دادگستری] خودش می‌رود و از لایحه‌ی قضایی [از دیدگاه خودش] دفاع می‌کند.

آقای سوادکوهی هم همین را می‌فرمودند.

**آقای اسماعیلی -** ما هم همین را می‌گوییم؛ [وزیر دادگستری در هنگام دفاع از

لوائح قضایی در مجلس] باید نظر رئیس قوه‌ی قضائیه را بگوید.

**آقای علیزاده -** آقایان می‌گویند ما همین را می‌گوییم، ولی به ایراد بند (ب) رأی

نمی‌دهند!

**آقای اسماعیلی -** ما می‌گوییم که ماده، همین را می‌گوید.

**آقای علیزاده -** نه، نمی‌گوید.

**آقای علیزاده -** با این عبارت پایین [= تبصره‌ی ماده (۲)] می‌فهمیم که [دفاع از

لوائح قضایی که در بند (ب) ماده (۲) به عنوان یکی از مسئولیت‌های وزیر دادگستری

ذکر شده است] ممکن است دفاع مد نظر قوه‌ی قضائیه نباشد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، ممکن است که خوب دفاع نکند.

**آقای سوادکوهی -** آخر این چه مسئولیتی است؟! پس وزیر دادگستری در چه چیز

حق و مسئولیت دارد؟!]

**آقای مؤمن -** آقای دکتر اسماعیلی، آن دفاع بالا [= مذکور در بند (ب) ماده (۲)]

چیست؟

**آقای سوادکوهی -** اگر وزیر دادگستری خودش نتواند دفاع بکند، پس چه

مسئولیتی دارد؟ این وزیر دادگستری در قبال آن کاری که باید انجام بدهد، مسئول

است؛ اگر به مجلس برود و فقط حرف‌ها و نظرات رئیس قوه‌ی قضائیه را بگوید که

مسئولیت نشد. به نظر من [حق دارد که نظرات خودش را بگوید].

**آقای علیزاده -** ما هم از اول همین را می‌گفتیم که اصلاً چنین چیزی نمی‌شود. ما

باید همین را هم می‌گفتیم که با این وضعیت، مجلس نمی‌تواند از وزیر دادگستری

سؤال کند. ما برای همین می‌گوییم؛ می‌گوییم وقتی که وزیر دادگستری حرف رئیس

قوهی قضائیه را بگوید، شما نمی‌توانید از او سؤال کنید.

**آقای سوادکوهی -** مجلس باید بتواند از وزیر سؤال کند.

**آقای سلیمی -** بسم الله الرحمن الرحيم. همین‌طور که آقای ابراهیمیان می‌فرمایند اصل (۱۶۰) گفته است که وزیر دادگستری کلیه‌ی مسائل مربوط به روابط قوهی قضائیه با قوهی مجریه و قوهی مقننه را بر عهده دارد. گفته است «کلیه‌ی مسائل»؛ یعنی همه‌ی مسائل مربوط به روابط [قوهی قضائیه با قوهی مجریه و قوهی مقننه را بر عهده دارد]. همه‌ی اینها را دارد دیگر؛ بنابراین، حضور نمایندگان دیگری از طرف رئیس قوهی قضائیه در مجلس، دیگر نمی‌تواند هیچ‌وجاهتی داشته باشد. اگر شورای نگهبان این را قبول کند، علاوه بر اینکه جایگاه وزیر را مشخص می‌کند، آن ایراد بالا هم خود به خود درست می‌شود و در مورد بند (ب) هم می‌گوییم این وزیری که به مجلس می‌رود و دفاع می‌کند، باید نظر رئیس قوهی قضائیه را بگوید.

**آقای علیزاده -** باید این را بگوییم که در عبارات بالا تصریح کنند تا ما در اینجا رأی بدهیم.

**آقای سلیمی -** این نکته را بگوییم؛ آن را هم بگوییم.

**آقای علیزاده -** بله، من می‌گویم در مورد بند (ب) ماده (۲) بگوییم که وزیر در دفاع و اظهار نظر، باید نظر رئیس قوهی قضائیه را بگوید و در مورد تبصره ماده (۲) هم بگوییم تعیین نماینده توسط رئیس قوهی قضائیه، خلاف قانون اساسی است.

**آقای سلیمی -** کس دیگری به غیر از وزیر دادگستری را نمی‌تواند به عنوان نماینده تعیین کند.

**آقای مؤمن -** بله، عیبی ندارد.

**آقای علیزاده -** اگر به تذکر بالا رأی می‌دهید، بفرمایید.

**آقای جنتی -** عیبی ندارد.

**آقای سوادکوهی -** من رأی می‌دهم.

**آقای علیزاده -** آقای دکتر اسماعیلی هم می‌گوید که [رأی می‌دهد].

**آقای هاشمی شاهرودی -** ما گفتیم اصلاً آن بند (ب)، همین معنا را دارد.

**آقای علیزاده -** اگر شما به آن ایراد بند (ب) رأی بدهید، من هم به این ایراد

تبصره رأی می‌دهم.

- آقای سلیمی** - شما به ایراد پایین رأی بدهید، ما هم به ایراد بالایی رأی می‌دهیم.
- آقای علیزاده** - به هر حال هر دو را با هم رأی می‌گیریم. هر کسی که این ایراد و آن ایراد را قبول دارد، رأی بدهد.
- منشی جلسه** - هشت رأی آورد.
- آقای علیزاده** - پس در مورد بند (ب) می‌گوییم وزیر دادگستری در دفاع و اظهار نظر باید نظر رئیس قوه‌ی قضائیه را بگوید.
- آقای هاشمی شاهرودی** - بله.
- آقای علیزاده** - رأی آورد. هر دو ایراد، هشت رأی آورد. البته ایراد بالا، نه تا رأی، ده تا رأی داشت.
- آقای اسماعیلی** - پس نهایتاً بین این دو ایراد جمع شد.
- آقای علیزاده** - پس در مورد بند (ب) این‌طور می‌گوییم که وزیر دادگستری به عنوان رابط، در دفاع و اظهار نظر باید نظر رئیس قوه‌ی قضائیه را بیان بکند. در مورد تبصره‌ی ماده (۲) هم می‌گوییم که چون قانون اساسی رابط را تعیین کرده است، این رابط میان قوه‌ی قضائیه با مجلس و دولت، حصری است ...
- آقای هاشمی شاهرودی** - بله، حصری است.
- آقای علیزاده** - ... مگر در جایی که خود مجلس بخواهد نظر قوه‌ی قضائیه را بشنود و قوه‌ی قضائیه هم موافق باشد. اگر این را قبول دارید، بگویید.
- آقای اسماعیلی** - این «مگر ...» دیگر لازم نیست.
- آقای علیزاده** - حالا ما این عبارت را خراب نکنیم، بگذارید این عبارت باشد.
- آقای اسماعیلی** - هست.
- آقای علیزاده** - ما داریم جلویش را می‌گیریم که اصلاً نمی‌تواند. اگر نمایندگان مجلس با توافق قوه‌ی قضائیه خواستند [نماینده‌ی دیگری از قوه‌ی قضائیه هم بیاید صحبت کند]، خوب چرا نتواند؟
- آقای سلیمی** - خوب، اصلاً وزیر دادگستری برای همین کار درست شده است دیگر.
- آقای مؤمن** - الآن حل شد.
- آقای ره‌پیک** - من هم رأی می‌دهم.



**آقای مؤمن** - ایراد بالا هم حل شد.

**آقای علیزاده** - بله.

**منشی جلسه** - پس تکلیف این قسمت اخیر [در خصوص تبصره‌ی ماده (۲)] را هم

مشخص کنید.

**آقای علیزاده** - آقایان قبول دارند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - آن استثنای مربوط به مسئله‌ی حضور نماینده‌ی قوه‌ی

قضائیه در مجلس به اینجا مربوط نیست، آن را رها کنید.

**آقای اسماعیلی** - بله، ما دیگر به آن ذیلش کاری نداشته باشیم.

**آقای علیزاده** - بگویید اصل این است که رابط، وزیر دادگستری است.

**منشی جلسه** - پس گفتند در تبصره‌ی ماده (۲)، چون قانون اساسی رابط را

مشخص کرده است، مغایر اصل (۱۶۰) است.

**آقای علیزاده** - بله، اطلاق واگذاری این اختیار به رئیس قوه‌ی قضائیه اشکال دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - اختیار تعیین نماینده‌ی دیگر.

**آقای علیزاده** - بله دیگر، اختیار تعیین نماینده‌ی دیگر به رئیس قوه‌ی قضائیه

اشکال دارد.<sup>۱</sup>

**آقای سوادکوهی** - این اصل (۱۶۰) کجا گفته است که وزیر دادگستری فقط باید

حرف رئیس قوه‌ی قضائیه را بزند؟

**آقای علیزاده** - آنجایی که می‌گوید وزیر دادگستری به عنوان رابط است.

**آقای اسماعیلی** - نه، ما می‌گوییم که حالا باید فقط حرف رئیس قوه را بزند.

**آقای سوادکوهی** - کجا گفته است که وزیر دادگستری به عنوان رابط فقط باید

حرف رئیس قوه‌ی قضائیه را بزند؟ از کجای اصل (۱۶۰) چنین مطلبی فهمیده

می‌شود؟

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۵۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان: «۲- در بند (ب) ماده (۲)، وزیر دادگستری در دفاع و اظهار نظر باید نظر رئیس قوه قضائیه را اعلام نماید و آلا مغایر اصل (۱۶۰) قانون اساسی است. همچنین در تبصره این ماده از آنجا که اصل (۱۶۰) قانون اساسی، وزیر دادگستری را به عنوان رابط مشخص کرده است، اطلاق اختیار رئیس قوه قضائیه در معرفی نماینده دیگر جهت اظهار نظر و دفاع از لوایح و طرح‌های قضایی، مغایر اصل مذکور می‌باشد.»

**آقای هاشمی شاهرودی -** اختیار است دیگر.

**آقای سوادکوهی -** ما داریم با این کار، بدعت جدیدی در سیستم مدیریتی کشور ایجاد می‌کنیم.

**آقای سلیمی -** وزیر دادگستری فقط رابط است.

**آقای سوادکوهی -** خب به عنوان رابط باشد؛ اما کجای این اصل گفته است که وزیر دادگستری فقط باید حرف رئیس قوه قضائیه را بزند؟! وزیر دادگستری حرف خودش را هم می‌تواند بزند.

**آقای علیزاده -** ببخشید، اگر من شما را مثلاً به عنوان نماینده‌ی خودم به خواستگاری بفرستم، باید حرف من را بگویید یا حرف خودتان را بگویید؟

**آقای سوادکوهی -** اینجا که بحث خواستگاری نیست؛ این بحث استقلال قوه قضائیه است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این بحث که دیگر تمام شد. این، مربوط به صدر ماده بود که بحث کردیم و تمام شد.

**آقای علیزاده -** بله، این بحث تمام شد و رأی آورد.

**منشی جلسه -** «ماده ۳- آن بخش از برنامه‌های قوه قضائیه و نیازهای مالی این قوه و سایر اموری که منوط به تصویب هیئت وزیران است، پس از تأیید رئیس قوه قضائیه از طریق وزیر دادگستری به هیئت دولت ارائه می‌شود.»

**آقای مؤمن -** این هم، همان رابطه‌ی بین قوه قضائیه و قوه مجریه است.

**آقای شاهرودی -** بله، این درست است.

**آقای علیزاده -** در مورد ماده (۳) حرفی ندارید؟

**آقای ره‌پیک -** به این موضوع تأیید رئیس قوه قضائیه و تصویب هیئت وزیران به صورت توأمان، قبلاً ایراد می‌گرفتید؛ چگونه هر دو باید تأیید و تصویب کنند؟

**آقای مؤمن -** نه.

**آقای هاشمی شاهرودی -** در مورد نیازهای مالی قوه قضائیه است.

**آقای ره‌پیک -** برنامه‌های قوه قضائیه را هم گفته و بعد هم گفته است: «پس از تأیید رئیس قوه قضائیه ...»

**آقای هاشمی شاهرودی -** پس هیئت دولت باید تصویب کند.

**آقای عزیزاده -** رئیس قوهی قضائیه باید بخواهد [و سپس هیئت دولت آن را بررسی و تصویب کند]؛ اینکه معلوم است که نیازهای مالی قوه را خود رئیس قوه باید تأیید کند.

**آقای رهپیک -** برنامه‌های قوهی قضائیه را هم گفته است.

**آقای مدرس یزدی -** خب گفته است این برنامه‌ها منوط به تصویب هیئت وزیران است، چه اشکالی دارد؟

**آقای عزیزاده -** رئیس قوهی قضائیه باید برنامه‌های قوه را بدهد؛ اینکه اشکالی ندارد.

**منشی جلسه -** «ماده ۴- وزیر دادگستری در قبال کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با سایر قوا و وظایف قانونی خود مانند سایر وزرا موظف است در برابر مجلس شورای اسلامی پاسخگو باشد. وزیر دادگستری موظف است به سؤالات نمایندگان مجلس در مورد مسائل مختلف مربوط به قوه قضائیه پس از کسب اطلاع و با رعایت استقلال قضات پاسخ دهد.

پرونده‌های جاری قضایی که سؤال پیرامون آنها استقلال قاضی را مخدوش و به عدالت قضایی لطمه وارد می‌کند و مسائل محرمانه مربوط به اشخاص مانند احوال شخصیه از شمول این ماده خارج است.»

**آقای سوادکوهی -** این ماده، اشکال دارد.

**آقای عزیزاده -** این ماده گفته است که وزیر دادگستری در مورد «مسائل مربوط به قوهی قضائیه» باید به مجلس جواب بدهد؛ شورا در این زمینه، نظر تفسیری دارد.<sup>۱</sup> وزیر دادگستری در مورد مسائل مختلف قوهی قضائیه، فقط نسبت به آنچه که مربوط به

۱. نظریه‌ی تفسیری شماره ۴۲۱ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۱ شورای نگهبان: «وظیفه وزیر دادگستری برقراری رابطه بین قوه قضائیه با قوه مجریه و مقننه است و عهده‌دار مسئولیت این وظیفه و وظایف مشترک با هیئت وزیران می‌باشد و در امور تشکیلاتی دادگستری مانند اداره امور مالی، کارگزینی، خدمات و پزشکی قانونی وظیفه و مسئولیتی ندارد و این امور به عهده شورای عالی قضایی می‌باشد.» همچنین شورای نگهبان در نظریه‌ی تفسیری شماره ۹۰۷۵ مورخ ۱۳۶۲/۴/۱۶ در این خصوص می‌افزاید: «در رابطه با سؤال نماینده مجلس شورای اسلامی از وزیر که در اصل (۸۸) قانون اساسی مصرح است وزیر دادگستری نیز در حدود وظایفی که در اصل (۱۶۰) قانون اساسی برای او مقرر شده است مسئول می‌باشد و علی‌هذا در رابطه با مسئولیت‌های قوه قضائیه، وزیر دادگستری مسئول نخواهد بود...»

وظیفه‌ی ارتباط بین قوه‌ی قضائیه با سایر قوا است باید به مجلس پاسخ بدهد؛ در مورد اموری غیر از روابط قوه‌ی قضائیه با دیگر قوا، چه مسئولیتی دارد که به مجلس بگوید؟

**آقای رهپیک -** بله، این ایراد دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** گفته است: «وزیر دادگستری در قبال کلیه مسائل مربوط

به روابط قوه قضائیه با سایر قوا ...»

**آقای علیزاده -** بله، عبارت ابتدایی ماده (۴) در خصوص پاسخگویی وزیر

دادگستری به مجلس درست است. آقایان اعضا به این قسمت، ایرادی ندارند.

**آقای مؤمن -** در همان عبارت ابتدایی، بعدش هم گفته است «و وظایف قانونی

خود مانند سایر وزرا».

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، گفته است «... و وظایف قانونی خود».

**آقای رهپیک -** بله، قسمت اول این ماده، اشکالی ندارد.

**آقای علیزاده -** بله، اول ماده اشکالی ندارد.

**آقای رهپیک -** جمله‌ی بعدی ایراد دارد که گفته است: «وزیر دادگستری موظف

است به سؤالات نمایندگان در مورد مسائل مختلف مربوط به قوه قضائیه پس از کسب اطلاع و با رعایت استقلال قضات پاسخ دهد.»

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، من جمله‌ی بالای ماده را می‌گویم؛ آنچه که در صدر

ماده گفته است، نه چیز دیگر.

**آقای رهپیک -** نه، آن که جدا بود.

**آقای علیزاده -** نه، آن جمله‌ی اول تمام شد؛ جمله‌ی دوم هم که یک چیز دیگری است.

**آقای ابراهیمیان -** منظورش این است که [در چهارچوب وظایفش پاسخگو است].

**آقای علیزاده -** جمله‌ی دوم ماده گفته است: «وزیر دادگستری موظف است به

سؤالات نمایندگان مجلس در مورد مسائل مختلف مربوط به قوه قضائیه ... پاسخ بدهد.» این جمله، اشکال دارد.

**آقای رهپیک -** بله، این جمله اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** اطلاق این عبارت اشکال دارد.

**آقای مدرسی یزدی -** در اینجا که عبارت، اطلاق ندارد.

**آقای رهپیک -** نه ببینید، بعد گفته است که در این خصوص باید به سؤالات

نمایندگان پاسخ دهد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - چون این عبارت در ذیل صدر ماده آمده است، مربوط به همان عبارت صدر ماده است.

**آقای علیزاده** - نه، این طور نیست. صدر ماده یک چیز است و این عبارت هم یک چیز دیگری است. صدر ماده مربوط مسائل مربوط به روابط قوهی قضائیه با سایر قوا است.

**آقای ابراهیمیان** - خیلی از آقایان نماینده در جلسهی مجلس می گفتند که همهی این مصوبه فقط به خاطر این جمله است که می گوید: «وزیر دادگستری موظف است به سؤالات نمایندگان ... پاسخ بدهد.»

**آقای علیزاده** - بله، همین است.

**آقای ابراهیمیان** - همهی این مصوبه به خاطر همین دو سطر و نیم است؛ بقیه اش تکرار قانون اساسی است. در واقع بیشتر به خاطر همین، این مصوبه را تصویب کرده اند.

**آقای علیزاده** - درست است؛ همین موضوع اشکال دارد و خلاف قانون اساسی است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - می دانم، ولی من می گویم آنجا که گفته است «پاسخگو» باشد، یعنی نسبت به این وظایفش پاسخگو است.

**آقای علیزاده** - نه، جملهی بالایی یک چیز دیگری است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - گفته است که پاسخگو باشد و پاسخگویی به این گونه است [که در جملهی دوم این ماده، آمده است].

**آقای علیزاده** - اگر این طور است، پس جملهی دوم را حذف کنند.

**آقای رهپیک** - یک نکته ای هم من اضافه بکنم. آیا نمایندگان مجلس نسبت به قوهی قضائیه می توانند در مجلس سؤال مطرح کنند؟

**آقای علیزاده** - بله، آیا اصلاً حق سؤال دارند؟ ما در مورد همین موضوع، بحث داریم.

**آقای رهپیک** - بر اساس قانون اساسی، مجلس نسبت به قوهی مجریه می تواند سؤال و استیضاح و تحقیق و تفحص و... مطرح کند<sup>۱</sup> و نسبت به مسائل قوهی قضائیه

۱. اصول (۷۶)، (۸۸) و (۸۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به ترتیب در خصوص حق تحقیق و تفحص مجلس از تمام امور کشور، حق سؤال نمایندگان مجلس از رئیس جمهور و هر یک از وزرا و در نهایت، حق استیضاح رئیس جمهور یا هر یک از وزیران توسط مجلس شورای اسلامی است.

هم یک بحث تحقیق و تفحص داریم که البته با شرایطی همراه است و یک بحث اصل (۹۰) را هم داریم که آن هم در هنگامی است که کسی شکایتی از طرز کار قوه‌ی قضائیه داشت، باید به مجلس بفرستد و آنجا به این امر رسیدگی شود.<sup>۱</sup>

**آقای مدرسی یزدی -** به نحو سؤالی است.

**آقای رهپیک -** نه، فرقی نمی‌کند؛ این اصل (۹۰) بیشتر جنبه‌ی نظارتی دارد. خوب آیا خارج از اصول قانون اساسی، می‌شود نسبت به قوه قضائیه نظارت کرد؟

**آقای علیزاده -** نه.

**آقای رهپیک -** در قانون اساسی [در خصوص نظارت مجلس بر قوه‌ی قضائیه] فقط در دو مورد گفته شده است: تحقیق و تفحص و اصل (۹۰).

**آقای علیزاده -** نمایندگان نمی‌توانند [در مورد مسائل مختلف قوه‌ی قضائیه از قوه‌ی قضائیه] سؤال بکنند.

**آقای رهپیک -** اما حالا فرضاً اگر هر نماینده‌ای بتواند راجع به مسائل قوه‌ی قضائیه سؤال کند، آیا وزیر دادگستری که رابط قوه‌ی قضائیه با سایر قوا است، چنین وظیفه‌ای دارد که بیاید و به این سؤال پاسخ بدهد؟

**آقای علیزاده -** نخیر، در این مورد قبلاً شورا تفسیر ارائه کرده است.

**آقای رهپیک -** واقعاً این طور که نیست.

**آقای علیزاده -** بله.

**آقای رهپیک -** در حدود قانون اساسی، در دو مورد حق نظارت بر قوه‌ی قضائیه از سوی مجلس وجود دارد که نمایندگان باید از همان دو طریق عمل کنند. اگر این گونه باشد که هر روز یک نماینده بخواهد از وزیر دادگستری سؤال کند و بگوید که چرا فلان‌جا در قوه‌ی قضائیه این طور شد و این طور نشد، [که درست نیست]. شما گفتید که وزیر دادگستری رابط است دیگر؛ خوب آیا واقعاً وظیفه‌ی رابط این است که نسبت

۱. اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.»

به مسائل قوهی قضائیه هم پاسخگو باشد؟ وزیر دادگستری، رابط میان قوا است در حدود قانون اساسی.

**آقای جنتی** - رابط است، یعنی اینکه باید پیام مجلس را به قوهی قضائیه برساند؟! یعنی مثلاً اگر نمایندگان مجلس می‌خواهند مطلبی را به قوهی قضائیه منتقل کنند، مثلاً می‌خواهند بپرسند چرا فلان آقا را از قوهی قضائیه برکنار کرده‌اید، به این رابط می‌گویند که تو که رابطی پیام ما را برسان؟! چه حرفی می‌زنید شما!

**آقای علیزاده** - ما اصل تفکیک قوا را داریم. اگر در قانون اساسی نمی‌گفت، [شاید می‌توانستید این را بگویید]. اما حالا اگر قانون اساسی گفته است که نماینده‌ی مجلس حق دارد از وزیر سؤال کند، ما همین‌جا در شورای نگهبان گفته‌ایم که نمایندگان از غیر وزیر، حق سؤال ندارند.<sup>۱</sup> چندین جا هم این را گفته‌ایم؛ سوابق و اسناد را ببینید. حتی حق سؤال از رئیس جمهور هم تحت شرایطی به نمایندگان داده شده است؛ یعنی نصاب خاصی از نمایندگان باید جمع بشوند تا بتوانند از رئیس جمهور سؤال کنند، اما در مورد قوهی قضائیه ما بارها نظر داده‌ایم که نمی‌توانند سؤال مطرح کنند. حتی در زمان شورای عالی قضایی هم این را گفتیم. من نمی‌دانم این سوابق الآن کجاست. اعضای شورای عالی قضایی گفتند آیا وقتی که سؤالی در مجلس از قوهی قضائیه مطرح می‌شود، یکی از اعضای شورای عالی قضایی بیاید جواب بدهد، ما گفتیم که مجلس حق سؤال از قوهی قضائیه را ندارد، همان‌طوری که دولت حق ندارد از مجلس سؤال بکند. یعنی اینکه مجلس می‌تواند از وزیر سؤال بکند، به خاطر این است که این موضوع در قانون اساسی آمده است. بنابراین ما قبلاً بارها به درستی این را گفته‌ایم که نمایندگان مجلس، حق سؤال از غیر وزیر را ندارند.

**آقای مدرس‌ی یزدی** - البته مقصود در این ماده این است که واژه‌ی «نمایندگان» را بردارند و به جایش واژه‌ی «مجلس» را بگذارند.

**آقای علیزاده** - نه، مجلس هم نمی‌تواند سؤال کند.

**آقای مدرس‌ی یزدی** - چرا؟

۱. به عنوان نمونه، شورای نگهبان در نظریه‌ی تفسیری شماره ۳۳۹۱ مورخ ۱۳۶۴/۲/۲۵ در خصوص امکان سؤال از نخست‌وزیر بر اساس اصل (۸۸) قانون اساسی می‌گوید: «به موجب اصل مذکور [= اصل (۸۸)]، نمایندگان فقط حق سؤال از وزیر مسئول را دارند.»

**آقای علیزاده -** مجلس چه سؤالی می‌تواند از قوهی قضائیه بکند؟ مجلس نسبت به دولت می‌تواند استیضاح بکند، نماینده هم می‌تواند سؤال بکند. نمایندگان به دولت هم باید رأی اعتماد بدهند، اما در مورد قوهی قضائیه مجلس هیچ اختیاری ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، منظورشان بحث تحقیق و تفحص است.

**آقای علیزاده -** تحقیق و تفحص، یک امر دیگری است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** در تحقیق و تفحص، باید اول مجلس آن را تصویب کند.

**آقای مدرسی یزدی -** عیبی ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** عبارت این ماده مطلق است؛ یعنی نمایندگان

همین‌جوری می‌خواهند در خصوص مسائل مختلف قوهی قضائیه سؤال کنند.

**آقای مدرسی یزدی -** نه.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چرا؛ اینجا هم می‌خواهند مثل همان صلاحیتی که در

خصوص سؤال از دولت دارند، داشته باشند؛ با اینکه حتی در مورد دولت هم به طور مطلق نمی‌توانند سؤال کنند، اما این عبارت مطلق است و غیر از آن چیزی است که در خصوص دولت وجود دارد.

**آقای علیزاده -** آن وقت، مگر می‌تواند از دولت سؤال کند؟

**آقای مدرسی یزدی -** ما می‌گوییم مجلس با تصویب طرح تحقیق و تفحص، که

می‌تواند در خصوص موضوعی از قوهی قضائیه سؤال بکند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خب، اگر طرح تحقیق و تفحص را تصویب کردند،

سؤال کنند.

**آقای مدرسی یزدی -** نه، در تحقیق و تفحص، مجلس خودش بماهو مجلس

می‌تواند سؤال بکند و مشکلی ندارد.

**آقای مؤمن -** نه.

**آقای مدرسی یزدی -** مجلس می‌تواند به جهت تفحص از قوهی قضائیه این کار را

بکند [= سؤال پرسد]. مجلس باید تفحص کند و مقدمه‌ی تفحص هم سؤال است.

**آقای علیزاده -** مقدمه‌ی تحقیق و تفحص متضمن چه سؤالی است؟

**آقای ره‌پیک -** نه، این موضوع [= سؤال از مسائل مختلف قوهی قضائیه] غیر از

تحقیق و تفحص است. تحقیق و تفحص یک فرآیندی دارد که از درخواست



نمایندگان شروع می شود و بعد، موضوعش به تصویب مجلس می رسد و...

**آقای هاشمی شاهرودی -** تشریفات خودش را دارد.

**آقای مدرسی یزدی -** سؤال هم همین طوری است.

**آقای رهپیک -** نه، این تحقیق و تفحص نیست؛ سؤال است.

**آقای مدرسی یزدی -** مثل تفحص است دیگر.

**آقای علیزاده -** در قانون اساسی نسبت به بعضی، هم امکان طرح سؤال را گفته

است و هم امکان انجام تحقیق و تفحص را گفته است. برای رئیس جمهور سؤال را

هم گفته است؛ اما نسبت به اینجا [= قوه قضائیه]، امکان طرح سؤال را نگفته است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این اشکال وارد است.

**آقای مدرسی یزدی -** قبول دارم که «نمایندگان» نمی توانند از قوه قضائیه سؤال

کنند، اما چرا «مجلس» نتواند سؤال کند؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** چون این موضوعی غیر از تحقیق و تفحص است؛ این

سؤال ابتدایی است.

**آقای مدرسی یزدی -** یعنی از تحقیق و تفحص مهم تر است؟ این سؤال کردن،

خودش یک نوع تفحص است؛ مصداقی از تفحص است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، تحقیق و تفحص یک چیز دیگری است.

**آقای مدرسی یزدی -** خب، مانعی ندارد.

**آقای سوادکوهی -** اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** حضرات آقایانی که اطلاق جمله ی دوم ماده (۴) را خلاف قانون

اساسی می دانند رأی بدهند. آقایانی که معتقدند [پاسخگویی وزیر دادگستری به

سؤالات نمایندگان در خصوص مسائل مختلف مربوط به قوه قضائیه، اشکال دارد؛]

چون به مسائلی غیر از روابط قوه قضائیه با سایر قوا مربوط می شود و این موضوع،

به وزیر دادگستری ربطی ندارد، رأی بدهند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله.

**آقای جنتی -** خب رأی آورد.

**آقای علیزاده -** اطلاق این عبارت اشکال دارد. عموم عبارت «مسائل مختلف

مربوط به قوه قضائیه» چون شامل مسائل غیر از ارتباط قوه قضائیه و سایر قوا هم

می شود، اشکال دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** لفظ جمع که «عموم» ندارد؛ «اطلاق» دارد. مسائل مختلف به معنای عموم است.

**آقای علیزاده -** بنویسید که نمایندگان مجلس در مورد قوهی قضائیه، حق سؤال ندارند.

**آقای ابراهیمیان -** در مورد خود روابط قوهی قضائیه با سایر قوا که در دو سطر اول ماده (۴) آمده است و گفته است که وزیر دادگستری باید در مورد مسائل مربوط به روابط قوهی قضائیه با سایر قوا پاسخگو باشد، در این مورد که نمایندگان می‌توانند از وزیر دادگستری سؤال کنند و یا او را استیضاح کنند. بنابراین وزیر در این موارد، باید هم سؤالات نمایندگان را جواب بدهد و هم می‌تواند او را از این جهت، استیضاح کنند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، فقط از همین مسائل می‌توانند سؤال و استیضاح بکنند.

**آقای ابراهیمیان -** از اینجا به بعد دیگر به او مرتبط نمی‌شود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، از جمله‌ی دوم به بعد، مسئولیت وزیر مطلق بیان شده است.

**آقای ابراهیمیان -** ما نباید بگوییم که اطلاق و عموم جمله‌ی دوم اشکال دارد؛ چون اصلاً خود این عبارت، همه‌اش اشکال دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه دیگر؛ اطلاقش اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** عموم عبارت ایراد دارد.

**آقای شاهرودی -** یا عمومش ایراد دارد.

**آقای ابراهیمیان -** یعنی می‌خواهید بگویید این جمله‌ی دوم، ناظر بر آن فرد اول از این عموم است که قبلاً آن را در جمله‌ی اول گفته است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، یعنی اگر جمله‌ی دوم بنخواهد آن جمله‌ی اول را تکرار کند، اشکالی ندارد.

**آقای سوادکوهی -** من اول می‌خواستم یک ایرادی نسبت به این مصوبه مطرح کنم و آن اینکه آیا واقعاً طرح و تصویب این طرح، فوریت داشت یا خیر؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** خوب حالا که فوریت آن در مجلس رأی آورده است؛ ما چه کار کنیم؟

**آقای سوادکوهی -** بله، اما حالا به نظر من مطلب بعدی که ما باید به آن توجه داشته باشیم، توجه به هدف مقنن در تصویب این طرح و کمک به حل مشکل مجلس است. اصل (۱۶۰) می‌خواسته است که روابط قوه‌ی قضائیه با دو قوه‌ی مجریه و مقننه را حل بکند، اما محل ایراد من اصل (۱۳۷) است. به نظر من این قسمت اول ماده (۴) که گفته است «وزیر دادگستری در قبال کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با سایر قوا و وظایف قانونی خود مانند سایر وزرا...»، وزیر دادگستری را فقط در برابر مجلس شورای اسلامی موظف به پاسخگویی کرده است، در حالی که طبق اصل (۱۳۷)، وزرا در برابر رئیس جمهور هم موظف به پاسخگویی هستند.<sup>۱</sup> یعنی به نظر می‌رسد این غفلت را می‌شود، اشکال گرفت.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این ماده، که پاسخگویی وزیر در برابر رئیس جمهور را نفی نمی‌کند.

**آقای سوادکوهی -** نه، نفی نمی‌کند؛ ولی اینجا چون باز تأکید روی این امر است، به نظر من جا داشت مسائل را دوطرفه نگاه می‌کردند؛ یعنی رئیس جمهور هم بتواند از وزیر دادگستری نسبت به وظایفش سؤال بکند. یعنی منظورم این است که باید بر این امر هم تأکید می‌شد، همان‌طوری که در مورد مجلس دارد تأکید می‌کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه.

**آقای سوادکوهی -** در این مصوبه، ما این تأکید را از جهت ارتباط وزیر دادگستری با دولت و قوه‌ی مجریه نمی‌بینیم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خب، نمی‌خواهد چنین مطلبی را بگوید؛ [یعنی در مقام بیان آن نیست].

**آقای سوادکوهی -** این مصوبه که فقط برای مجلس نیست. به نظر من این مصوبه برای دولت هم است. خود دولت هم در مسائل مختلف، مکرر اعلام کرده است که چرا وزیر دادگستری در ارتباط با روابط خود با قوه‌ی قضائیه آن‌طور که باید، وظایفش را انجام نمی‌دهد. به نظر من جا داشت که در این مصوبه هم یک تأکیدی بر این

---

۱. اصل یکصد و سی و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، مسئول اعمال دیگران نیز هست.»

موضوع می‌شد. حالا این ایرادی است که به نظر من وجود دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - دولت اگر می‌خواهد، لایحه‌ای در این زمینه به مجلس ببرد و این موضوع را در لایحه‌اش درست بکند.

**آقای سوادکوهی** - چطور لایحه به مجلس ببرد؟ چطور وزیر دادگستری را پاسخگو کنیم؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - طبق قانون اساسی.

**آقای سوادکوهی** - به نظر من در اینجا، جا داشت که یک تأکیدی بر این امر می‌شد.

**آقای علیزاده** - خب، اگر وزیر دادگستری پاسخگو نبود، رئیس جمهور می‌تواند عزلش کند.

**آقای رهپیک** - طبق قانون اساسی، رئیس جمهور از او سؤال می‌کند.

**آقای علیزاده** - حضرات آقایان، این قسمت اخیر ماده (۴) که خیلی اشکال دارد. در مورد پرونده‌های جاری و اینها اصلاً نمایندگان از هیچ موردی از پرونده‌ها نمی‌توانند سؤال بکنند.

**آقای سلیمی** - این قسمت را با ماده (۵) ایراد بگیرید.

**آقای رهپیک** - اصلاً کل اشکال ما به ماده (۴)، همین است دیگر.

**آقای هاشمی شاهرودی** - نه دیگر، آن ایرادی که به اطلاق جمله‌ی دوم ماده (۴) گرفتیم، این ایراد پارگراف دوم را هم در برمی‌گیرد.

**آقای رهپیک** - این ایراد مربوط به ذیل ماده (۴) است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - همان اشکال مربوط به اطلاق، همه‌ی این ایرادات را در برمی‌گیرد؛ شامل ذیل ماده هم می‌شود.

**آقای علیزاده** - ما می‌گوییم قسمت اخیر ماده (۴) هم همان اشکال را دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، تمام شد؛ ملحق به همان اشکال است.

**آقای رهپیک** - بله.<sup>۱</sup>

۱. بند (۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۵۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان: «۳- در ماده (۴)، عموم عبارت «مسائل مختلف مربوط به قوه قضائیه» چون شامل موارد مربوط به غیر روابط قوه قضائیه با سایر قوا نیز می‌شود، مغایر اصل (۱۶۰) قانون اساسی می‌باشد. در ضمن قسمت اخیر این ماده نیز واجد همین ایراد است.»

**آقای عزیزاده -** «ماده ۵- مسئولان واحدهای مختلف قوه قضائیه موظفند به منظور پاسخگویی وزیر به سؤال‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اجرای مسئولیت‌های مندرج در این قانون، اطلاعات و مدارک لازم را در اختیار وزیر دادگستری قرار دهند.»

**آقای مؤمن -** این ماده هم ایراد دارد.

**آقای عزیزاده -** اطلاق این ماده اشکال دارد.

**آقای شاهرودی -** اگر ایراد ماده (۴) درست شود، ایراد این ماده هم درست می‌شود.

**آقای ره‌پیک -** نه، این ماده دو تا اشکال دارد؛ یکی اشکال قبلی در مورد اطلاق حکم این ماده است.

**آقای عزیزاده -** این ایراد مبنیاً بر اشکال قبلی است.

**آقای ره‌پیک -** بله، اگر آن ایراد قبلی را برطرف کردند، این هم اصلاح می‌شود.

**آقای عزیزاده -** همین را بگوییم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** همین ایراد اولی [= ایراد ماده (۴)] را بگویید درست کنند. ایراد ماده (۵) هم مبنیاً بر ایراد قبلی است.

**آقای ره‌پیک -** حالا فرض می‌کنیم این ایراد ماده (۵)، با اصلاح ماده (۴) به یک نحوی درست شد. اما ایراد دوم ماده (۵) این است که گفته است مسئولان واحدهای مختلف قوه قضائیه موظفند به وزیر دادگستری اطلاعات بدهند! آیا موظفند که این کار را بکنند؟ وقتی تشکیلات دادگستری و قوه قضائیه، در اختیار رئیس قوه قضائیه است [چگونه مسئولان مختلف قوه قضائیه، چنین وظیفه‌ای دارند؟] در اینجا باید یک قیدی بزنند. حالا فرض کنید که این اشکال هم درست شد و پاسخگویی مسئولان واحدهای قوه قضائیه را مقید به موارد خاصی کردند ...

**آقای هاشمی شاهرودی -** مقید به اموری می‌شود که مربوط به وظیفه‌ی رابط بودن وزیر است.

**آقای ره‌پیک -** خب آیا در اینجا هم می‌توانیم مسئولان قوه قضائیه وظیفه دارند که به وزیر پاسخ بدهند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله دیگر؛ سؤال مربوط به حیطه‌ی مسئولیت وزیر است دیگر.

**آقای جنتی -** اگر آن اشکال قبلی درست شود، این اشکال هم خود به خود درست

می‌شود.

**آقای شاهرودی -** ایراد قبلی درست شود، این ایراد هم خود به خود درست

می‌شود.

**آقای رهپیک -** نه، این اشکال که مربوط به بحث رابطه نیست.

**آقای علیزاده -** بگویم که عموم این ماده، مبنیاً بر ایراد ماده (۴)، اشکال دارد.

**آقای جنتی -** ایراد جدیدی نمی‌خواهد بگیرید؛ ماده‌ی قبلی را درست می‌کنند دیگر.

**آقای علیزاده -** چرا، لازم است؛ چون ممکن است ایراد آن ماده (۴) را درست

نکنند و آن را به مجمع تشخیص مصلحت بفرستند.

**آقای ابراهیمیان -** آنجا در جلسه‌ی مجلس از او پاسخ می‌خواهند و او هم باید

اطلاعات داشته باشد دیگر.

**آقای رهپیک -** یعنی می‌فرمایید این پاسخگویی مسئولان قوه قضائیه به وزیر، از

لوازم رابط بودن وزیر است؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله دیگر، این مسئولیت را قانون اساسی به وزیر داده

است. یعنی حالا که این رابطه‌ی میان سه قوه، مسئولیت وزیر دادگستری است، آقایان

مسئولان قوه‌ی قضائیه هم به مسئولیت خودشان عمل کنند، تا به قانون اساسی عمل

بشود.

**آقای رهپیک -** مگر الآن وزیر دادگستری می‌تواند از رؤسای دادگستری‌ها و دیگر

مسئولان قوه‌ی قضائیه اطلاعات بخواهد؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** در زمینه‌ی تشکیلات قوه‌ی قضائیه می‌تواند.

**آقای رهپیک -** باشد، در همان امور مربوط به تشکیلات قوه‌ی قضائیه، آیا وزیر

دادگستری از نظر تشکیلاتی می‌تواند به مسئولان دستگاه قضایی دستور بدهد و آنها را

موظف کند؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** این اطلاعات را برای دخالت در دستگاه قضایی که

نمی‌خواهد، بلکه این اطلاعات را می‌خواهد که به مجلس برود و دفاع کند.

**آقای مدرسی یزدی -** موضوع تشکیلات قوه‌ی قضائیه که اصلاً مربوط به وزیر

نیست.

**آقای علیزاده -** بله.

**آقای مدرس یزدی -** نوشته که در اموری که مربوط به خودش است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، می خواهد در مورد تشکیلات قوه قضائیه به مجلس

جواب بدهد.

**آقای مدرس یزدی -** می دانم.

**آقای رهپیک -** این ماده می گوید که مسئولان قوه قضائیه موظفند [اطلاعات و

مدارک را در اختیار وزیر قرار بدهند].

**آقای علیزاده -** اطلاعات و مدارکی که مربوط به همان ارتباط قوا است، اشکالی

ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** چرا؟

**آقای علیزاده -** الآن در همین شورای نگهبان، اگر به بنده بگویند که شما ملزم

هستید آنچه که مربوط به ارتباط شورای نگهبان با مجلس است را جواب بدهید، چه

اشکالی دارد؟

**آقای ابراهیمیان -** قانون اساسی رئیس قوه قضائیه را رئیس امور اداری و قضایی

این قوه کرده است.<sup>۱</sup>

**آقای هاشمی شاهرودی -** عیبی ندارد، خب وزیر دادگستری را هم رابط میان قوا

قرار داده است.

**آقای ابراهیمیان -** شما دارید به زیردست رئیس قوه قضائیه می گوید که مستقلاً

تکالیفی در مقابل دیگران داری. گفتیم که این چه اشکالی دارد دیگر.

**آقای مدرس یزدی -** ایراد قبلی که اصلاح بشود، این ایراد هم درست می شود.

**آقای سوادکوهی -** بله، درست می شود.

**آقای رهپیک -** نه، ایراد قبلی در مورد مسائل مربوط به رابطه قوه قضائیه با سایر

قوا است؛ اما این ایراد مربوط به تشکیلات قوه قضائیه است.

۱. اصل یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «به منظور انجام مسئولیت های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می نماید که عالی ترین مقام قوه قضائیه است.»

**آقای مدرسی یزدی** - این مسئولیت وزیر هم در حدود رابطه است، نه بیشتر.  
**آقای علیزاده** - اینکه مسئولان قوهی قضائیه در خصوص سؤال از تشکیلات قوهی قضائیه، از حیث همان وظیفهی ارتباطی که وزیر دادگستری دارد، بیایند و به وزیر جواب بدهند، چه اشکالی دارد؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، جواب بدهند؛ اشکالی ندارد.

**آقای مدرسی یزدی** - این را هم بنویسید.

**منشی جلسه** - «تبصره - مواردی که رئیس قوه قضائیه بر اساس اختیارات مندرج در اصل یکصد و پنجاه و ششم (۱۵۶) قانون اساسی ارائه اسناد و اطلاعات مربوط به قوه قضائیه را ناقض استقلال قضایی و یا بر خلاف مصالح نظام تشخیص دهد، از شمول این ماده خارج است.»

**آقای مدرسی یزدی** - این تبصره هم اشکال دارد.

**آقای علیزاده** - این تبصره هم مبنیاً بر ایراد قبلی، اشکال دارد.

**آقای مدرسی یزدی** - اصلاً نباید این موارد به تشخیص رئیس قوهی قضائیه باشد. باید بنویسند اولاً رئیس قوهی قضائیه باید اطلاعات را در حیطهی وظایف خودش بدهد؛ ثانیاً اگر فی الواقع معلوم باشد که ناقض استقلال قضایی است ولو خود رئیس قوهی قضائیه هم تشخیص ندهد، باز هم ناقض است.

**آقای علیزاده** - پس چه کسی باید تشخیص بدهد؟

**آقای رهپیک** - چه کسی باید تشخیص بدهد؟ این طور که نمی شود.

**آقای علیزاده** - همان ایراد، مبنیاً در اینجا هم هست.

**آقای مؤمن** - اگر ایراد قبلی درست بشود، [این ایراد هم درست می شود].

**آقای علیزاده** - ما همان ایراد را مبنیاً در اینجا هم جاری می دانیم.

**آقای شاهرودی** - بله.

**آقای علیزاده** - اگر آقایان ایرادی دارند، همان را بگویند.

**آقای رهپیک** - در اینجا «مبنیاً» معنی اش چه می شود؟

**آقای علیزاده** - «مبنیاً» به این معنی است که در اموری که حتی در مورد ارتباط میان قوا و صلاحیت وزیر دادگستری است، اگر موضوعی جنبهی محرمانه دارد و چیزی است که نباید بگویند و بر خلاف مصالح عامه است، رئیس قوهی قضائیه



مخالفت می کند و می گوید نه، [این اطلاعات و مدارک را به وزیر دادگستری ندهید].

**آقای مدرسی یزدی -** در آنجاهایی که چنین وضعیتی وجود داشته باشد، دیگر تشخیص رئیس قوهی قضائیه را نمی خواهد؛ همین که آن شخص مسئول تشخیص بدهد کافی است.

**آقای علیزاده -** خوب چه کسی تشخیص بدهد؟

**آقای مدرسی یزدی -** وزیر هم خودش متوجه این مسائل است.

**آقای علیزاده -** وزیر که می گوید اطلاعات و اسناد و مدارک را به من بدهید. در اینجاها اگر به وزیر گفتند که این اطلاعات و اسناد و مدارک، محرمانه است، وزیر می آید به رئیس قوهی قضائیه می گوید که من می دانم که اینها محرمانه است یا می دانم که انتشار آنها ناقض فلان چیز است، پس شما خلاف بودن انتشار این اطلاعات و اسناد و مدارک را بگویید.

**آقای مدرسی یزدی -** نه، چرا به رئیس قوهی قضائیه بگویید؟ لازم نیست. چرا پای

رئیس قوه را وسط می کشید؟

**آقای علیزاده -** خود وزیر که نمی تواند بگوید که این اسناد و اطلاعات، محرمانه

است؛ چون او فقط رابط است.

**آقای مدرسی یزدی -** وقتی که یک وزیری می تواند بفهمد که چه چیزی محرمانه

و یا غیرمحرمانه است، دیگر رئیس قوهی قضائیه که نباید این را بگوید. اصلاً چرا باید برود از رئیس قوهی قضائیه بپرسد؟

**آقای علیزاده -** وزیر، رابط است.

**آقای مدرسی یزدی -** باشد، وقتی روی اطلاعات و مدارک، نوشته شده محرمانه

است، مشخص است.

**آقای رهپیک -** اصل این حکم، ایراد دارد.

**آقای سوادکوهی -** بله، اصلش ایراد دارد.

**آقای مدرسی یزدی -** خوب، اینجا چرا باید حتماً به تشخیص رئیس قوهی قضائیه

باشد؟ به نظر من که این تبصره اصلاً بی خودی است؛ چون هر جا که خود وزیر هم ببیند انتشار اطلاعات یا اسناد و مدارکی را ناقض استقلال قوا و خلاف نظام تشخیص دهد، کافی است.

**آقای ابراهیمیان -** من می‌خواستم یک سؤالی از محضرتان بپرسم؛ چون ممکن است در مقام محاجّه و پاسخگویی در مجلس، من یک مقدار به این پاسخ شما نیاز داشته باشم. من یک خلّجانی در ذهنم هست و آن این است که این بحث مربوط به سؤال از وزیر دادگستری راجع به مسائل قوهی قضائیه، یک وقت سؤالی است که به معنای مسئولیت سیاسی وزیر است که اگر جواب ندهد، مجلس می‌تواند استیضاحش کند؛ خوب اگر منظور این باشد، من هم قبول دارم که نمی‌شود از او اطلاعات خواست و سؤال کرد؛ اما آیا نمی‌شود یک مبنا و مأخذ دیگری، مثل همکاری قوا یا مثل مقدمه‌ی واجب یا لوازم وظایف دیگر - مثل اشاره‌ای که حاج‌آقای مدرسی به مسئله‌ی تحقیق و تفحص کردند- برای اینجا در نظر بگیریم. چون یک‌دفعه که نمی‌گوییم بسم‌الله، تحقیق و تفحص بشود. این کار یک مقدماتی لازم دارد. اگر یکی از آن مقدمات، سؤال - از نوع کسب اطلاعات و نه به کار انداختن مسئولیت سیاسی وزیر- باشد، چه ایرادی دارد؟

**آقای علیزاده -** نمی‌توانند این کار را بکنند.

**آقای ابراهیمیان -** در این زمینه هم، ما همگی با هم باید نظر بدهیم و بگوییم نمی‌توانند در اینجا چنین کاری بکنند. عرض من این است.

**آقای علیزاده -** ما تعارف که نداریم که بگوییم اینها من باب مقدمه‌ی واجب یا غیره می‌توانند سؤال بکنند. اگر قانوناً می‌توانند سؤال بکنند، خوب سؤال کنند؛ ولی اگر نمی‌توانند، نکنند.

**آقای ابراهیمیان -** راجع به مسئله‌ی روابط بین قوا، یک وقت است شما می‌گویید که در مورد رابطه قوهی قضائیه با سایر قوا چند تا اصل قانون اساسی داریم؛ یکی از آنها این اصل است که گفته است قوهی قضائیه لایحه‌ی قضایی بدهد و یکی دیگر این است که گفته است نظرات خودش را راجع به طرح‌های قضایی بگوید. تنها رابطه‌ای که قانون اساسی مستقلاً به آن اشاره کرده است، این دو مورد است و رابطه‌ی دیگری بین قوهی قضائیه و قوهی مقننه نداریم. حالا عرض من این است که آیا نمی‌شود از خود واژه‌ی «رابطه»، تفسیر موسّع‌تری کرد؟ نمی‌شود بگوییم «رابطه»، یعنی هر آنچه که برای انجام وظایف این دو قوه لازم و ضروری است. مثلاً می‌خواهیم در مورد طرحی تصمیم بگیریم، اما می‌خواهیم بدانیم که وضعیت فعلی آمارهای قضایی، تعداد قضاات،

مسائل استخدامی به چه نحوی است. آیا حتماً باید طرح تحقیق و تفحص بگذرانیم؟ آیا نمی‌شود قبل از تحقیق و تفحص، من اطلاعاتی از قوه قضائیه مطالبه کنم؟ من یک ذره در مورد این موضوع تردید دارم. خواستم اگر پاسخی دارید کسب اطلاع کنم.

**آقای علیزاده -** معنای «سؤال» این نیست که شما می‌فرمایید؛ کسب اطلاعات غیر از سؤال است.

**آقای مدرسی یزدی -** خب چه فرقی می‌کند؛ سؤال بشود.

**آقای علیزاده -** بله، سؤال این است که من نماینده یک سؤالی دارم و جناب وزیر باید برای پاسخ به آن به مجلس بیاید و در تریبون مجلس جواب سؤال من را بدهد؛ سؤال به این معنا است. من خواهش می‌کنم بعد از اینکه از مبحثی گذشتیم، دیگر به آن برنگردیم.

**آقای مدرسی یزدی -** در اینجا مقصود از سؤال، سؤال نماینده‌ی مجلس نیست؛ مقصود سؤال مجلس است. خود مجلس بماهو مجلس می‌تواند از قوه قضائیه سؤال کند؛ اینکه مشکلی ندارد.

**آقای علیزاده -** نمی‌تواند؛ مجلس بماهو مجلس نمی‌تواند از هیچ‌کس سؤال بکند.

**آقای مدرسی یزدی -** مجلس از همه می‌تواند سؤال بکند؛ چون مقدمه‌ی خیلی از کارهایش طرح سؤال است.

**آقای علیزاده -** سؤال فقط در همان حدی که قانون اساسی اجازه داده است، می‌تواند مطرح بشود. قانون اساسی به نماینده اجازه داده است که از دولت سؤال بکند.<sup>۱</sup>

**منشی جلسه -** «ماده ۶- رئیس قوه قضائیه می‌تواند امور مالی، اداری و استخدامی غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. تفویض اختیارات مذکور باعث سلب اختیارات رئیس قوه نسبت به آن امور نمی‌باشد و وزیر دادگستری هماهنگی لازم را با ایشان به عمل می‌آورد.»

**آقای اسماعیلی -** این ماده که مشکلی ندارد.

۱. بند (۴) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۵۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان: «۴- ماده (۵) و تبصره آن، مبنی بر ایراد معموله در ماده (۴)، اشکال دارند.»

**آقای رهپیک -** اگر این ماده بخواید که همان مفاد ذیل اصل (۱۶۰) را بگویید، در آنجا امور مالی و اداری به صورت مطلق برای قضا و غیرقضا آمده است و فقط اختیارات استخدامی را برای غیرقضا گفته است.<sup>۱</sup> این ماده ظاهراً می‌خواهد همان مفاد اصل (۱۶۰) را بگوید، منتها عبارت را خوب ننوشته‌اند؛ باید این‌طور بنویسند: «امور مالی، اداری و استخدامی غیرقضا».

**آقای هاشمی شاهرودی -** در قانون اساسی، امور استخدامی مختص به غیرقضا شده است.

**آقای رهپیک -** بله، در اصل (۱۶۰) مخصوص به غیرقضا است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** در اینجا هم همین است.

**آقای رهپیک -** نه، الآن در این ماده گفته است: «امور مالی، اداری و استخدامی غیرقضا...»؛ همه را عطف کرده است.

**آقای مدرسی یزدی -** حالا این مهم نیست؛ نمی‌شود به این ماده اشکال قانون اساسی گرفت.

**آقای رهپیک -** نه، اگر می‌خواهند همان اختیارات مذکور در اصل (۱۶۰) را به وزیر دادگستری بدهند، در متن اصل (۱۶۰)، عبارت «و نیز» آمده است؛ یعنی گفته است: «... اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیرقضا...».

**آقای مدرسی یزدی -** ربطی ندارد؛ نمی‌خواهند که به طور کامل مثل قانون اساسی بنویسند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** باید یک عبارت «و نیز» هم در این ماده بیاورند؛ باید بگویند «... و نیز اختیارات استخدامی غیرقضا...»

**آقای رهپیک -** این مصوبه اگر به این صورت تصویب شود، بعداً می‌گویند که حکم مسئله در مورد قضا فرق می‌کند؛ چون در اینجا فقط در مورد غیر قضا گفته است.

۱. ذیل اصل یکصد و شصتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «... رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیرقضا را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت، وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود.»

**آقای ابراهیمیان -** این ماده، یک اشکال دیگری دارد؛ این ماده، از رئیس قوه قضائیه سلب اختیار می‌کند.

**آقای عزیزاده -** [آقای هاشمی شاهرودی،] الآن چه فرمودید؟

**آقای رهپیک -** فرمودند یک عبارت «و نیز» بگذارند تا مثل اصل (۱۶۰) بشود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، بگویند «... و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات ...»

**آقای رهپیک -** چون اصل (۱۶۰) گفته است که رئیس قوه قضائیه می‌تواند کل امور مالی و اداری قوه را به وزیر دادگستری واگذار کند و نیز می‌تواند امور استخدامی غیرقضات را به او واگذار کند؛ یعنی فقط امور استخدامی، منحصر به غیرقضات شده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این قید «غیرقضات» در این ماده، ممکن است به هر سه [= امور مالی، اداری و استخدامی] برگردد؛ یعنی اینجا هم همان بحثی پیش می‌آید که با آقای یزدی [در خصوص مرجع ضمیر یا قید] کردید.

**آقای عزیزاده -** اصل (۱۶۰) چه می‌گوید؛ می‌گوید: «رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری ...»

**آقای رهپیک -** «... و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات ...»

**آقای هاشمی شاهرودی -** «... و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات ...»

**آقای رهپیک -** یعنی در اصل (۱۶۰)، فقط امور استخدامی غیرقضات را جدا کرده است.

**آقای شاهرودی -** فقط برای امور استخدامی، قید غیرقضات آمده است. پس در اینجا هم باید عبارت «و نیز ...» بگذارند.

**آقای رهپیک -** اگر مقصودشان این است، باید یک عبارت «و نیز» بگذارند.

**آقای شاهرودی -** این ماده، عبارت «و نیز» می‌خواهد.

**آقای عزیزاده -** اگر مقصود این ماده، بیان اختیارات ذیل اصل (۱۶۰) است، باید قبل از کلمه استخدامی، کلمه «و نیز» اضافه شود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** قطعاً مقصود این است. قید غیرقضات، مخصوص به امور استخدامی است.

**آقای سوادکوهی -** «و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات ...»

**آقای علیزاده -** بله، «و نیز اختیارات...»<sup>۱</sup>

**آقای مدرس یزدی -** [یک اشکالی هم آقای ابراهیمیان نسبت به این ماده (۶) مطرح کردند که] اگر همان باشد که من در ذهنم است، خود ایشان این اشکال را بگویند و اگر آن نیست، من آن اشکال را می‌گویم.

**آقای ابراهیمیان -** بله، مفهوم تفویض «اختیارات تام» با اینکه خود رئیس قوه قضائیه بتواند وزیر دادگستری را همراهی بکند، اشکال قانون اساسی دارد. در اصل (۱۶۰) قانون اساسی می‌گوید که رئیس قوه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری قوه را به وزیر دادگستری تفویض کند. خوب، ما از این عبارت می‌توانیم چند جور استفاده بکنیم؛ ممکن است کسی بگوید که «اختیارات تام» در اینجا مفهومی ندارد، خوب در این صورت، ما هم به این مسئله کاری نداریم و بنابراین می‌شود گفت که رئیس قوه قضائیه می‌تواند یک قسمتی از این اختیارات را به وزیر واگذار کند؛ ولی [به نظر می‌رسد که این برداشت صحیح نباشد؛ چون در ادامه‌ی اصل (۱۶۰) می‌گوید] آنچه که تفویض شده است، وزیر را در مقام بالاترین مقام اجرایی قرار می‌دهد و وظایف و اختیاراتی مثل بقیه وزرا پیدا می‌کند و چه بسا می‌شود گفت که مجلس می‌تواند وزیر دادگستری را استیضاح بکند.

**آقای مدرس یزدی -** نه، اصلاً.

**آقای ابراهیمیان -** خوب اگر قرار باشد وزیر دادگستری مثل بقیه‌ی وزیران، در این موارد سؤال و جواب و استیضاح بشود، دیگر نباید شریکی داشته باشد؛ چون «لَفْسَدَتَا»؛ اگر شریک دیگری داشته باشد، کار خراب می‌شود.

**آقای علیزاده -** چه شریکی داشته باشد؟

**آقای رهپیک -** این ربطی به عبارت «تام» ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** چرا؛ اصل (۱۶۰) می‌گوید که رئیس قوه می‌تواند «اختیارات تام» را تفویض کند؛ مثل سلب اختیارات در همان لحظه و همین الآن است که سلب می‌شود، نه اینکه بعداً سلب بشود. لذا به نظر من، این ماده اشکال دارد.

۱. بند (۵) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۵۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان: «۵- در ماده (۶)، ظاهراً مقصود بیان اختیارات مزبور در ذیل اصل (۱۶۰) قانون اساسی است؛ لذا باید قبل از واژه «استخدامی»، عبارت «نیز اختیارات» اضافه شود.»

**آقای مدرسی یزدی -** نه، این عبارت ماده (۶) یک چیز دیگری دارد می گوید. این ماده می گوید که اگر رئیس قوه قضائیه بخشی از اختیاراتش را به وزیر دادگستری داد، مشکلی ندارد و در این صورت، بخش دیگر را خودش متصدی می شود. آقای ابراهیمیان می گویند که اگر رئیس قوه قضائیه تمام اختیارات را به وزیر دادگستری داد، دیگر خودش نمی تواند در آن امور تفویضی اقدام و دخالتی بکند.

**آقای ابراهیمیان -** بله، نمی تواند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چرا؟

**آقای ابراهیمیان -** چون قانون اساسی این را نمی خواهد.

**آقای مدرسی یزدی -** این ماده، خلاف قانون اساسی نیست.

**آقای علیزاده -** این وزیر از رئیس قوه قضائیه نسبت به مورد تفویض شده، صلاحیت می گیرد.

**آقای مدرسی یزدی -** نه، ذیل اصل (۱۶۰) را بخوانید؛ گفته است: «رئیس قوه قضائیه می تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالی ترین مقام اجرایی پیش بینی می شود.» یعنی در صورت واگذاری، دیگر رئیس قوه قضائیه این اختیارات را از خودش سلب می کند و وزیر دادگستری متصدی آن امور می شود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، تصدی نیست.

**آقای مدرسی یزدی -** یعنی رئیس قوه قضائیه با این تفویض، دیگر این اختیارات را از خودش سلب کرد.

**آقای علیزاده -** منظور، آن مقدار از اختیاراتی است که تفویض می شود. یعنی وزیر دادگستری در خصوص همان وظایفی که به او محول شده و انجام می دهد، مسئول است.

**آقای ابراهیمیان -** این مسئله ای که شما می فرمایید با حرف ما فرق می کند. اگر رئیس قوه قضائیه در هنگام تفویض این اختیارات بگوید که وزیر، قبل از انجام این امور باید از او هم اجازه بگیرد، چطور؟

**آقای علیزاده -** تفویض یعنی اینکه دیگر آن آقای رئیس، نمی تواند خودش آن

کارهای تفویض شده را انجام بدهد.

**آقای ابراهیمیان -** بله، آن وقت نمی‌شود.

**آقای رهپیک -** اصل اختیارات مربوط به رئیس قوه‌ی قضائیه است.

**آقای مدرسی یزدی -** بله، ولی بعد از تفویض اختیارات، دیگر خودش نمی‌تواند

همان کارها را انجام دهد.

**آقای رهپیک -** خب، رئیس قوه می‌تواند مثل عقد وکالت، این اختیارات خود را

تفویض کند؛ اینکه به معنای انتقال اختیار نیست.

**آقای مدرسی یزدی -** نه، در اینجا که موضوع وکالت مطرح نیست.

**آقای ابراهیمیان -** بله، اینجا مثل وکالت نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی -** واگذاری اختیارات که به معنای انتقال منصب نیست.

**آقای مدرسی یزدی -** چرا؛ قانون اساسی این کار را اجازه داده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، این‌گونه نیست.

**آقای ابراهیمیان -** چرا؛ نظر قانون اساسی این است.

**آقای مدرسی یزدی -** ذیل اصل (۱۶۰) را ببینید.

**آقای هاشمی شاهرودی -** موضوع ذیل این اصل، امکان واگذاری اختیارات و

وظایف نسبت به دیگران است؛ نه اینکه یعنی اگر این اختیارات را به وزیر بدهند، این

وزیر، رئیس قوه بشود!

**آقای مدرسی یزدی -** ذیل اصل (۱۶۰)، یعنی اینکه در صورت واگذاری این

اختیارات به وزیر دادگستری، وزیر دادگستری هم مثل وزیر راه و وزرای دیگر

می‌شود؛ یعنی همان طور که رئیس جمهور نمی‌تواند نسبت به [اختیارات و تکالیف

وزرا دخالت کند، رئیس قوه‌ی قضائیه هم در حیطه‌ی امور تفویضی، دیگر نمی‌تواند

در کار وزیر دادگستری دخالت کند].

**آقای علیزاده -** این حرف، فقط در آن مواردی که تفویض اختیار صورت گرفته

است، صحیح است و بقیه‌ی موارد را شامل نمی‌شود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله.

**آقای رهپیک -** اجازه بدهید من مثالی بزنم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** اگر مثلاً وزیر، یک کسی را در جایی استخدام کرد ...



**آقای مدرسی یزدی -** خب اگر وزیر کسی را در جایی استخدام کرد، آیا رئیس قوه‌ی قضائیه می‌تواند او را بازخواست کند؟! این طور که نمی‌شود.

**آقای ره‌پیک -** آن را نمی‌تواند؛ یعنی آنچه را که رئیس قوه‌ی قضائیه تفویضش را امضا کرد، دیگر نمی‌تواند خودش در آن ورود کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، تمام شد.

**آقای علیزاده -** ظاهراً این موضوع، رأی ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** این ماده، اشکال دارد.

**آقای مدرسی یزدی -** اجازه بدهید موضوع، روشن بشود.

**آقای علیزاده -** مثل روز روشن است. شما می‌فرمایید که رئیس قوه وقتی این امور را به وزیر دادگستری تفویض کرد، دیگر خودش اختیاری ندارد؛ خودش می‌شود مثل [یک انسانی که هیچ‌کاره است].

**آقای ابراهیمیان -** بله، تمام شد دیگر.

**آقای مدرسی یزدی -** بله، در این موارد رئیس قوه‌ی قضائیه می‌تواند او را از این سیمت عزل کند.

**آقای علیزاده -** نه، ما می‌گوییم این طور نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، واقعاً معنای اصل (۱۶۰) این نیست.

**آقای علیزاده -** ذیل اصل (۱۶۰) هم این را نگفته است.

**آقای ابراهیمیان -** از سال‌های پیش در مورد مفهوم این تفویض، بحث‌های زیادی مطرح بوده است. خود مرکز تحقیقات شورای نگهبان هم قبلاً در این مورد گزارشی ارائه داده است.

**آقای مدرسی یزدی -** نمی‌شود بگوییم که ذیل اصل (۱۶۰) یعنی اینکه وزیر دادگستری در امور تفویض شده به او، مسئول است و رئیس قوه‌ی قضائیه هم مسئول است!

**آقای هاشمی شاهرودی -** رئیس قوه در اینجا مثل موکل است.

**آقای ابراهیمیان -** در مورد موضوع «تفویض»، چند نظریه وجود دارد.

**آقای ره‌پیک -** فرض کنید الان رئیس قوه می‌آید اختیارات مالی‌اش را به وزیر دادگستری تفویض می‌کند و به وزیر می‌گوید که تو اسناد مالی را امضا کن. [در این

صورت، اگر بگوییم که خود رئیس قوهی قضائیه همچنان همان اختیارات تفویضی به وزیر را دارد، که معنا ندارد؛<sup>۱۶۰</sup> خب این چهار تا چک را هم خودش امضا بکند.

**آقای مدرسی یزدی -** بله، نمی‌شود که بعد از این واگذاری اختیار، باز هم خود رئیس قوه، اسناد مالی را امضا کند.

**آقای علیزاده -** خب چه عیبی دارد؟

**آقای ابراهیمیان -** نه، در این صورت، دیگر رئیس قوه نباید بتواند این کار را بکند؛ چون ما یک سند تفویض داریم که می‌گوید من اختیارات اداری و مالی را به شما تفویض کردم. مجلس هم خبردار می‌شود و از این به بعد، تکلیف مجلس طبق اصل (۱۶۰) معلوم است دیگر؛ یعنی می‌توانند وزیر را بیاورند و از او در زمینه‌ی این اختیارات سؤال بکنند و امثال اینها.

**آقای علیزاده -** اما مواردی که وزیر انجام نداد، چه می‌شود؟

**آقای ابراهیمیان -** نه، این‌گونه نمی‌شود.

**آقای علیزاده -** چرا نمی‌شود؟!

**آقای ابراهیمیان -** اگر رئیس قوه بگوید که امور اداری را به وزیر دادگستری محول کرده‌ام، اما مثلاً ابلاغ فلان آدم منحرف را من امضا می‌کنم و بقیه را تو امضا کن، یعنی یکی را وزیر امضا کند و یکی را رئیس قوه امضا کند، در این صورت دیگر استیضاح و مسئولیت سیاسی در مقابل مجلس و بالاترین مقام اجرایی بودن وزیر دادگستری که در اصل (۱۶۰) گفته شده، معنا ندارد. در اینجا اصلاً تفویض به معنای وکالت، مراد نیست.

**آقای علیزاده -** خب، این را که فرمودید.

**آقای سلیمی -** بسم الله الرحمن الرحیم. اصل (۱۶۰) این‌طور می‌گوید: «رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود.» خب وقتی رئیس قوه این اختیارات را به وزیر تفویض می‌کند، هم می‌خواهد اختیاراتش را تفویض کند و هم می‌خواهد که خودش دخالت کند؟! اینکه مدیریت نمی‌شود.

**آقای علیزاده -** چرا نمی شود؟

**آقای سلیمی -** چون این کار در واقع، یا تفویض است یا عدم تفویض است؛ اگر تفویض است که دیگر نباید خودش انجام بدهد. در اصل (۱۶۰) می گوید اگر رئیس قوه ی قضائیه اختیاراتش را به وزیر دادگستری تفویض کرد، مجلس می تواند نسبت به این اختیارات تفویض شده مثل سایر وزرا از این وزیر هم سؤال بکند.

**آقای علیزاده -** نسبت به آنچه که وزیر انجام داده است دیگر.

**آقای سلیمی -** قاعده ایجاب می کرد در ذیل همین ماده (۱۶۰)، آقایان این نکته را می آوردند که حالا که این امور تفویض شده است، مجلس می تواند از وزیر دادگستری مثل سایر وزرا نسبت به این امور تفویض شده سؤال کند؛ نه اینکه بگویند این، نافی اختیارات خود رئیس قوه ی قضائیه نیست. این در واقع عدول کردن از آن چیزی است که در اصل (۱۶۰) آمده است و گذاشتن یک چیزی است که با نفس تفویض نمی سازد.

**آقای علیزاده -** نه، عدول نیست.

**آقای ابراهیمیان -** علت آن [= حکم مقرر در ذیل ماده (۱۶۰)] همین بوده است [که از مفاد اصل (۱۶۰) عدول کنند].

**آقای سلیمی -** روی این اصل به نظر می رسد اینکه ما بگوییم رئیس قوه هم می تواند اختیاراتش را تفویض بکند و هم تفویض نکند، صحیح نیست. بنابراین وقتی رئیس قوه این امور را تفویض کرد، دیگر اختیاری نسبت به آن ندارد.

**آقای اسماعیلی -** عرض من این است که وقتی کسی اختیار خودش را به دیگری تفویض می کند، این قشنگ نیست که خودش هم دوباره آن کار را انجام بدهد؛ حالا این یک حرف دیگری است و ما با این حرف کاری نداریم. اما از نظر حقوقی هم تفویض به معنای انتقال اختیارات نیست.

**آقای ابراهیمیان -** در اینجا به معنای انتقال اختیارات است.

**آقای اسماعیلی -** نه، اصلاً نیست؛ تفویض به معنای انتقال اختیارات نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی -** در هیچ جا به معنای انتقال اختیارات نیست.

**آقای یزدی -** [بله، کسی که کاری را به دیگری واگذار می کند که] خودش را مسلوب الاختیار نکرده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله.

**آقای اسماعیلی -** هیچ تفویضی موجب سلب اختیار نیست. معنای حقوقی تفویض، آن‌گونه که من می‌فهمم این است. اینجا هم مثل این است که می‌گوییم مقام رهبری می‌تواند اختیارات خودش را در بعضی از امور به دیگران تفویض کند که می‌کند ...

**آقای مدرسی یزدی -** این دلیل نمی‌شود.

**آقای اسماعیلی -** اتفاقاً به همان دلیل، دارم عرض می‌کنم که [در اینجا هم تفویض اختیار به معنای سلب اختیار نیست].

**آقای یزدی -** بله، معنایش همین است دیگر.

**آقای اسماعیلی -** اگر الآن مقام رهبری اختیارات خودش را در فلان نیرو به کسی تفویض کند، آیا شما می‌فرمایید که خودش دیگر نمی‌تواند کاری انجام بدهد؟

**آقای ابراهیمیان -** [کسی که کاری را به دیگری تفویض می‌کند، هر موقع که بخواهد] می‌تواند همه‌ی امور تفویض شده را استرجاع<sup>۱</sup> کند.

**آقای رهپیک -** بله، در معنای تفویض اصل بر این است، مگر اینکه معلوم بشود که با تفویض، اختیارات از تفویض‌کننده سلب شده است؛ مثل وکالت، در وکالت هم اگر اختیار را از موکل سلب کردند، دیگر موکل اختیاری ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** خب در اینجا هم سلب شده است؛ در ذیل اصل (۱۶۰) همین را گفته است.

**آقای علیزاده -** اصلاً این اختیارات از رئیس قوه‌ی قضائیه قابل سلب نیست؛ اینها را که نمی‌توانند از رئیس قوه‌ی قضائیه سلب کنند.

**آقای ابراهیمیان -** اتفاقاً این امر در اینجا کاملاً قابل تصور است؛ چون رئیس قوه‌ی قضائیه می‌تواند هر وقت که بخواهد، هر آنچه را که تفویض کرده است، پس بگیرد.

**آقای علیزاده -** حضرات آقایان، مطالبتان را فرمودید. ببینید، اگر همه‌ی ما در کوچه و خیابان‌ها راه بیفتیم یا به ادارات برویم و از افراد بپرسیم این اختیارات رئیس اداره را که وزیر به او تفویض می‌کند، آیا خود وزیر هم می‌تواند یک مورد از آن موارد تفویضی را انجام بدهد یا نه، همه‌ی افراد از پایین تا بالا و از مستخدم تا آن رأس اداره می‌گویند، بله.

۱. «استرجاع» در لغت، به معنای «رجوع کردن» و «طلب بازگشت کردن» آمده است. فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه‌ی «استرجاع».

**آقای ابراهیمیان -** نه، این حرف شما به شرطی درست بود که این ذیل اصل (۱۶۰) را نداشتیم.

**آقای علیزاده -** یعنی شما می فرمایید اگر وزیری، کاری را به کسی تفویض کرد، و آن شخص آن کار را انجام داد، این وزیر دیگر مسئول نیست؟!

**آقای ابراهیمیان -** این تفویض در اصل (۱۶۰)، یک تفویض ویژه است.

**آقای علیزاده -** حضرات آقایانی که این قسمت اخیر ماده (۶) را خلاف قسمت اخیر اصل (۱۶۰) می دانند، رأی بدهند.

**آقای ابراهیمیان -** اجازه بدهید من یک نکته ای عرض بکنم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خب حالا شما دو نفر به این اشکال، رأی بدهید.

**آقای مدرس یزدی -** ما رأی می دهیم.

**منشی جلسه -** دو نفر به این ایراد رأی دادند و با حاج آقای مدرس، سه نفر شدند.

«ماده ۷- رئیس قوه قضائیه می تواند گزارش سوء عملکرد وزیر دادگستری را

جهت اتخاذ تصمیم مقتضی به رئیس جمهور ارائه کند.»

**آقای علیزاده -** چه اتخاذ تصمیمی؟ این یعنی چه؟ «اتخاذ تصمیم مقتضی»

چیست؟ برای ما بگویند این عبارت یعنی چه، تا ببینیم منظورشان چیست.

**آقای هاشمی شاهرودی -** مبهم است.

**آقای ابراهیمیان -** یعنی مثلاً اتخاذ تصمیم جهت عزل وزیر. یعنی اگر رئیس قوه ی

قضائیه خواست که وزیر دادگستری را عزل کند [موضوع را جهت اتخاذ تصمیم

مقتضی به رئیس جمهور اعلام می کند]؛ چون خود رئیس قوه ی قضائیه که نمی تواند

مستقیماً وزیر دادگستری را عزل کند.

**آقای علیزاده -** من اتفاقاً نظرم بر این است که بعد از اینکه رئیس قوه ی قضائیه،

افرادی را برای وزارت دادگستری به رئیس جمهور پیشنهاد داد و رئیس جمهور از

میان آنها یک نفر را انتخاب کرد، رئیس جمهور خودش به تنهایی می تواند او را عزل

بکند.

**آقای ابراهیمیان -** رئیس قوه ی قضائیه حدوداً اختیار معرفی وزیر دادگستری را

دارد، ولی بقائاً که اختیاری ندارد. بعد از انتخاب وزیر دادگستری، دیگر ادامه ی فعالیت

وزیر با رئیس جمهور است. رئیس قوه ی قضائیه، فقط در معرفی وزیر دادگستری

اختیار دارد، اما بعد از آن دیگر اختیاری ندارد و فقط رئیس جمهور است که می تواند او را عزل کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ماده (۷) که قیدی نزده است؛ اطلاقش آن را هم در برمی گیرد.

**آقای ابراهیمیان -** وقتی وزیر انتخاب شد، فقط رئیس جمهور می تواند او را عزل بکند.  
**آقای رهپیک -** ماده (۷)، عبارت بی فایده ای است.

**آقای اسماعیلی -** حالا عیبی هم ندارد. **آقای ابراهیمیان -** این کار [= ارائه] گزارش سوء عملکرد وزیر دادگستری به رئیس جمهور را به عهده ی چه کسی گذاشته اند؟

**آقای مدرسی یزدی -** قانوناً و حتماً باید بر عهده ی خود وزیر باشد؛ چون رابط قوه ی مجریه و قضائیه و مقننه، وزیر دادگستری است و باید گزارش این سوء مدیریت را هم خودش ببرد.

**آقای شاهرودی -** خب ببرد؛ اشکالی ندارد. نامه اش را می برد.  
**آقای علیزاده -** بله، نامه ی رئیس قوه ی قضائیه را می برد و به رئیس جمهور می رساند.

**آقای مدرسی یزدی -** خودش می برد و خودش هم دفاع می کند!  
**منشی جلسه -** «ماده ۸- آیین نامه اجرایی این قانون در مواردی که نیاز باشد توسط وزارت دادگستری تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.»  
**آقای علیزاده -** مثل اینکه آقای دکتر اسماعیلی در خصوص ماده (۸)، اشکالی دارند.  
**آقای اسماعیلی -** من راجع به اطلاق ماده (۸) ایرادی به نظرم می رسد؛ چون اصولاً آیین نامه ها باید توسط قوه مجریه تصویب شود.  
**آقای هاشمی شاهرودی -** بله.

**آقای اسماعیلی -** ما استثنائاً [در مورد آیین نامه های قضایی گفتیم که رئیس قوه ی قضائیه آنها را تصویب می کند] و درست هم بود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، آیین نامه های مربوط به لوایح قضایی را گفتیم.  
**آقای اسماعیلی -** لذا این ماده باید بگوید این آیین نامه ها «حسب مورد» [به تصویب رئیس قوه ی قضائیه یا هیئت وزیران می رسد].

**آقای هاشمی شاهرودی** - آیین نامه های اینجا که قضایی نیست؛ اداری است.

**آقای رهپیک** - باید بگویند که در مواردی که نیاز باشد.

**آقای اسماعیلی** - نه، در مواردی که این قانون نیاز به آیین نامه داشته باشد [آیین نامه های

آن حسب مورد به تصویب رئیس قوه قضائیه یا هیئت وزیران می رسد].

**آقای هاشمی شاهرودی** - اصلاً آیین نامه های این قانون که قضایی نیست؛ اداری

است. اصل این موضوع [= واگذاری مسئولیت تصویب آیین نامه های این قانون به

رئیس قوه قضائیه] اشکال دارد.

**آقای عزیزاده** - بعضی از موارد این آیین نامه ها، قضایی است. ما باید همان که آقای

دکتر اسماعیلی گفتند را بگویم.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، «حسب مورد».

**آقای عزیزاده** - یک ایراد دومی هم این ماده دارد و آن اینکه، اگر وزیر دادگستری

این آیین نامه ها را تهیه نکرد، آیا رئیس قوه قضائیه نمی تواند این آیین نامه ها را

خودش تصویب کند؟

**آقای ابراهیمیان** - نه دیگر.

**آقای اسماعیلی** - نه، این ماده، دارد می گوید که وزیر دادگستری، فقط آیین نامه ها

را تهیه بکند.

**آقای مؤمن** - خوب همین؛ گفته است باید وزیر دادگستری آنها را تهیه بکند.

**آقای عزیزاده** - یعنی اگر رئیس قوه قضائیه ضرورت دانست، خودش نمی تواند

آیین نامه ای تهیه و تصویب کند؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - چرا؛ اگر قضایی باشد، او هم می تواند. همان «حسب

مورد» خوب است؛ همان را اضافه کنند.

**آقای مؤمن** - خوب با این عبارت، درست می شود؟ اگر حسب مورد تهیه نکرد، چه

می شود؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - چه کسی تهیه نکرد؟

**آقای مؤمن** - وزیر.

**آقای عزیزاده** - وزیر دادگستری.

**آقای هاشمی شاهرودی** - خوب در این صورت، این قانون بدون آیین نامه می ماند.

**آقای مؤمن -** یعنی می‌فرمایید خود رئیس قوه‌ی قضائیه نمی‌تواند تهیه کند؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، اگر قضایی نباشد، نمی‌تواند.

**آقای علیزاده -** نه، حتی اگر قضایی هم باشد، نمی‌تواند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خب، این مصوبه که قضایی نیست؛ در این مصوبه

مسائل جزا و قضا مطرح نیست.

**آقای علیزاده -** ما این را بگوییم؛ بگوییم که حکم ماده (۸) باید «حسب مورد»

باشد.

**آقای اسماعیلی -** ما بگوییم آیین‌نامه‌های اجرایی این مصوبه در مواردی که قضایی

باشد ...

**آقای هاشمی شاهرودی -** با رئیس قوه‌ی قضائیه است.

**آقای علیزاده -** بله، در این موارد با رئیس قوه‌ی قضائیه است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، بگوییم آنجایی که آیین‌نامه مربوط به امور قضایی

است، با رئیس قوه‌ی قضائیه است. این خوب است.

**آقای مؤمن -** نه، ماده (۸) گفته است که همه‌ی این آیین‌نامه‌ها را کلاً باید وزیر

تهیه بکند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** در مورد امور قضایی، از طریق رئیس قوه این کار را بکند.

**آقای مؤمن -** خب همین؛ [ماده (۸) که این را نگفته است].

**آقای علیزاده -** این‌گونه بنویسید: «آیین‌نامه‌هایی که جنبه‌ی قضایی دارد، وزیر

دادگستری باید با نظر رئیس قوه‌ی قضائیه آنها را تهیه کند.»

**آقای هاشمی شاهرودی -** آیین‌نامه‌های این قانون در مواردی که جنبه‌ی قضایی

دارد، باید به تصویب رئیس قوه‌ی قضائیه برسد.

**آقای سلیمی -** تهیه‌ی آیین‌نامه در این موارد چه می‌شود؟

**آقای مؤمن -** اگر تهیه‌ی آیین‌نامه توسط وزیر دادگستری، به صورت «باید» باشد،

یعنی اینکه بگویند آیین‌نامه‌های قضایی را هم «باید وزیر تهیه بکند»، خوب است.

**آقای ابراهیمیان -** این نوع قانون‌گذاری، مصداق سوء اداره است. این ابهام دارد؛

این نوع قانون‌گذاری خیلی بد است. منظور این ماده معلوم است. ما باید این مصوبه را

توصیف بکنیم. آیین‌نامه یا قضایی است یا قضایی نیست، و با آن چیزهایی که ما



عرض کردیم، این مصوبه قضایی نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بر اساس آنچه که در این ماده آمده، خودش دارد می‌گوید قضایی است.

**آقای عزیزاده** - بله، قضایی است.

**آقای ابراهیمیان** - قضایی نیست.

**آقای عزیزاده** - اطلاق ماده (۸) که می‌گوید تصویب همه‌ی موارد آیین‌نامه‌ها با رئیس قوه‌ی قضائیه باشد، در آن مواردی که آیین‌نامه جنبه‌ی غیرقضایی دارد، اشکال دارد. این اشکال اول این ماده است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، این اشکال دارد.

**آقای عزیزاده** - دومین اشکال این ماده این است که در مواردی که رئیس قوه‌ی قضائیه تصویب آیین‌نامه‌ای را ضرورت می‌داند، حتی اگر وزیر هم تهیه نکرد، خب خودش می‌تواند آن را تهیه و تصویب بکند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - ایشان [= آقای مؤمن] می‌گوید باید وزیر [الزام داشته باشد که] تهیه کند.

**آقای مؤمن** - بله، باید تهیه کند.

**آقای عزیزاده** - بله، یعنی می‌فرمایید باید وزیر ملزم باشد که به تشخیص رئیس قوه‌ی قضائیه، آیین‌نامه‌ی قضایی را هم تهیه بکند و بعد، رئیس قوه، اگر خواست آن را تغییر دهد و تصویب کند.<sup>۱</sup>

**آقای شاهرودی** - بله.<sup>۲</sup>

۱. بند (۶) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۵۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان: «۶- در ماده (۸)، اطلاق این ماده در خصوص آیین‌نامه‌های این قانون که جنبه قضایی داشته باشد، اشکال دارد. در ضمن وزیر دادگستری در صورتی که رئیس قوه قضائیه تهیه آیین‌نامه را لازم بداند، مکلف به تهیه آن است.»

۲. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۵۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۲۴/۵۸۱۸۲ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۷، طرح دوفوریتی نحوه اجرای قسمتی از اصل یکصد و شصتم (۱۶۰) قانون اساسی مصوب جلسه مورخ بیست و پنجم آبان‌ماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- در ماده (۱)، از آنجا که بر اساس اصل (۱۶۰) قانون اساسی، وزیر دادگستری باید از میان کسانی

→

انتخاب شود که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند، محدود کردن به انتخاب از میان حقوقدانان، مغایر اصل مذکور شناخته شد.

۲- در بند (ب) ماده (۲)، وزیر دادگستری در دفاع و اظهار نظر باید نظر رئیس قوه قضائیه اعلام نماید و آلا مغایر اصل (۱۶۰) قانون اساسی است. همچنین در تبصره این ماده از آنجا که اصل (۱۶۰) قانون اساسی، وزیر دادگستری را به عنوان رابط مشخص کرده است، اطلاق اختیار رئیس قوه قضائیه در معرفی نماینده دیگر جهت اظهار نظر و دفاع از لوایح و طرح‌های قضایی، مغایر اصل مذکور می‌باشد.

۳- در ماده (۴)، عموم عبارت «مسائل مختلف مربوط به قوه قضائیه» چون شامل موارد مربوط به غیر روابط قوه قضائیه با سایر قوا نیز می‌شود، مغایر اصل (۱۶۰) قانون اساسی می‌باشد. در ضمن قسمت اخیر این ماده نیز واجد همین ایراد است.

۴- ماده (۵) و تبصره آن، مبنیاً بر ایراد معموله در ماده (۴)، اشکال دارند.

۵- در ماده (۶)، ظاهراً مقصود بیان اختیارات مزبور در ذیل اصل (۱۶۰) قانون اساسی است؛ لذا باید قبل از واژه «استخدامی»، عبارت «نیز اختیارات» اضافه شود.

۶- در ماده (۸)، اطلاق این ماده در خصوص آیین‌نامه‌های این قانون که جنبه قضایی داشته باشد، اشکال دارد. در ضمن وزیر دادگستری در صورتی که رئیس قوه قضائیه تهیه آیین‌نامه را لازم بداند، مکلف به تهیه آن است.»

## طرح الزام سازمان تأمین اجتماعی به برقراری مستمری بازنشستگان مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶ بر اساس دو سال آخر بیمه‌پردازی سنوات ارفاقی آنان

منشی جلسه - «طرح یک‌فوریتی الزام سازمان تأمین اجتماعی به برقراری مستمری بازنشستگان مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶ بر اساس دو سال آخر بیمه‌پردازی سنوات ارفاقی آنان»<sup>۱</sup>  
ماده واحده - سازمان تأمین اجتماعی موظف است نسبت به برقراری حقوق بازنشستگان پیش از موعد مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت (مصوب ۱۳۸۶/۶/۵)<sup>۲</sup> بر اساس دو سال آخر بیمه‌پردازی سنوات ارفاقی، از تاریخ

---

۱. طرح الزام سازمان تأمین اجتماعی به برقراری مستمری بازنشستگان مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶ بر اساس دو سال آخر بیمه‌پردازی سنوات ارفاقی آنان، با قید دو فوریت به مجلس تقدیم شد که پس از تصویب یک فوریت رسیدگی به آن در مجلس، سرانجام در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۱۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳/۵۵۸۵۰ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۰ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، نظر خود مبنی بر مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۵۸۵ مورخ ۹۳/۸/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. ماده واحده قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت، مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود از تاریخ تصویب این قانون ظرف مدت سه سال، کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی را که حداقل بیست و پنج سال سابقه خدمت قابل قبول داشته باشند با حداکثر پنج سال سنوات ارفاقی بدون شرط سنی در صورت تقاضای کارکنان و موافقت دستگاه متبوع خود بازنشسته نماید. پاداش پایان خدمت این قبیل کارکنان براساس سی سال پرداخت خواهد شد. حداقل سنوات قابل قبول برای استفاده بانوان شاغل از این حکم بیست سال بوده و حداکثر سنوات ارفاقی آنان پنج سال خواهد بود. پاداش پایان خدمت این قبیل کارکنان بر اساس سنوات خدمت قابل قبول آنان محاسبه و پرداخت خواهد شد.»

تبصره ۱ - دستگاه‌های اجرایی مشمول این قانون مکلفند بار مالی ناشی از اجراء این قانون در سال ۱۳۸۶ را از محل اعتبارات سال جاری خود پرداخت نمایند. اعتبار مورد نیاز برای سال‌های آتی در قوانین بودجه سنواتی کل کشور پیش‌بینی و تأمین خواهد شد.

تبصره ۲ - سهم صندوق‌های بازنشستگی بابت پرداخت حقوق بازنشستگی و نیز کسور بازنشستگی و یا

بازنشستگی آنان اقدام کند؛ به نحوی که در شرایط برابر، پرداختی به این اشخاص از بازنشستگانی که همزمان با آنان با سی سال بیمه پردازی بازنشسته شده‌اند، بیشتر نگردد. بار مالی این قانون از محل وجوه دریافتی موضوع تبصره (۱) و (۲) قانون مذکور تأمین می‌شود.»

**آقای علیزاده -** اگر یادتان باشد یک قانونی تصویب شد که می‌گفت آنهایی که سابقه‌ی خدمتشان به (۳۰) سال نرسیده است، به شرط اینکه سابقه‌شان از (۲۵) سال بالاتر باشد، دستگاه‌های اجرایی می‌توانند اینها را با (۵) سال ارفاق بازنشسته کنند و حق بیمه‌ی این سنوات ارفاقی و اینها را هم خود دستگاه‌ها پرداخت کنند. برخی دستگاه‌های دولتی آمدند و تعدادی از کارمندان مشمولشان را بازنشسته کردند. دولت و همه‌ی دستگاه‌ها و بیمه و اینها در خصوص اینهایی که با حکم این قانون بازنشسته شدند، این نکته را فهمیدند که آن (۲) سالی که [قانون‌گذار به عنوان مبنای محاسبه‌ی مستمری] تعیین کرده است، (۲) سالی است که این کارمندان شاغل بودند<sup>۱</sup> و لذا مستمری را باید بر مبنای حق بیمه‌ی پرداختی در این (۲) سال بدهیم، نه (۲) سال آخری که در صورت (۳۰) سال خدمت، باید مبنای قرار می‌گرفت و محاسبه می‌شد؛ چون این کارمندان اصلاً در این سال‌ها [= سنوات (۲۹) و (۳۰)] خدمت نکرده‌اند. بر همین اساس، دستگاه‌های اجرایی آمدند و این قانون را اجرا کردند و [حق بیمه‌ی سنوات ارفاقی این عده از کارمندان بازنشسته‌شده‌ی پیش از موعد را] پرداخت کردند؛

→

حق بیمه سهم مستخدم و کارفرما نسبت به سنوات ارفاقی از محل اعتبارات تبصره (۱) تأمین و به صندوق‌های مذکور پرداخت خواهد شد.

تبصره ۳- ...»

۱. تبصره‌ی ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی، اصلاحی ۱۳۷۱/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی در خصوص نحوه‌ی محاسبه مستمری بازنشستگی تعیین تکلیف کرده است. این ماده و تبصره‌ی آن مقرر می‌دارد: «ماده ۷۷- میزان مستمری بازنشستگی عبارت است از یک سی‌ام متوسط مزد یا حقوق بیمه‌شده ضرب در سنوات پرداخت حق بیمه مشروط بر آنکه از (۳۵/۳۰) سی و پنج، سی‌ام متوسط مزد یا حقوق تجاوز ننماید.

تبصره- متوسط مزد یا حقوق برای محاسبه مستمری بازنشستگی عبارت است از مجموع مزد یا حقوق بیمه‌شده که بر اساس آن حق بیمه پرداخت گردیده، ظرف آخرین دو سال پرداخت حق بیمه تقسیم بر بیست و چهار.»

یکی (۲۸) سال سابقه‌ی کار داشت، (۲) سال حق بیمه‌ی ارفاقی برایش پرداخت شد. این حق بیمه را دولت یا دستگاه اجرایی متبوع کارمند برایش پرداخت کردند. یکی (۲۷) سال سابقه‌ی کار داشت، (۳) سال حق بیمه‌اش پرداخت شد؛ یکی هم مثلاً (۲۵) سال سابقه‌ی کار داشت، (۵) سال حق بیمه‌اش پرداخت شد. حضرت آیت‌الله شاهرودی [= رئیس وقت قوه‌ی قضائیه] که اصلاً با بازنشستگی پیش از موعد در قوه‌ی قضائیه موافقت نکرد؛ چون قانون به دستگاه‌های اجرایی در این زمینه اختیار داده بود. مجلس یک‌بار یک مصوبه‌ی تفسیری [در خصوص تبصره‌ی ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی]<sup>۱</sup> آورد و گفت معنای قانون [= تبصره‌ی ماده (۷۷) در خصوص میانگین بیمه‌پردازی (۲) سال آخر] این است که بعد از اینکه دستگاه‌های اجرایی آمدند و حق بیمه‌ی سنوات ارفاقی بازنشستگان پیش از موعد را پرداخت کردند، شما باید (۲) سال آخر بیمه‌پردازی را مبنا قرار دهید. یعنی گفتند وقتی که دولت آمده و برای این بازنشستگان پیش از موعد، حق بیمه‌ی سنوات ارفاقی را پرداخت کرده است، شما باید بباید اینها را (۳۰) سال خدمت فرض کنید [و میانگین بیمه‌پردازی (۲) سال آخر آنها، یعنی سال‌های (۲۹) و (۳۰) را مبنا قرار دهید]. ما [در هنگام بررسی این استفساریه در شورای نگهبان] گفتیم که این مصوبه، تفسیر قانون نیست، بلکه تقنین است.<sup>۲</sup> حالا مجلس این مصوبه‌ی فعلی را آورده و این موضوع را تقنین

۱. طرح استفساریه تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی، مصوب ۱۳۹۲/۷/۱۴ مجلس شورای اسلامی: «موضوع استفساریه: با اینکه حقوق و حق بیمه سنوات ارفاقی بازنشستگان پیش از موعد مذکور به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شده است، آیا مستمری بازنشستگان موضوع ذیل ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی باید بر اساس میانگین بیمه‌پردازی دو سال آخر (سال ۲۹ و ۳۰) محاسبه گردد یا خیر؟ نظر مجلس: بلی، باید بر اساس میانگین دو سال آخر محاسبه شود.»

۲. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۹۵ مورخ ۱۳۹۲/۸/۵ شورای نگهبان در خصوص طرح استفساریه تبصره‌ی ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۹۲/۷/۱۴: «عطف به نامه شماره ۳۱۳/۴۴۶۴۶ مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۱ و پیرو نامه شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۷۹ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱، طرح استفساریه تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی مصوب جلسه مورخ چهاردهم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۸/۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- با توجه به نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان از اصل (۷۳) قانون اساسی، طرح فوق‌الذکر تفسیر نیست، بلکه قانون‌گذاری است؛ لذا مغایر اصل مذکور شناخته شد.»

کرده است. بار مالی اش را هم می‌خواهد از همان‌جایی که در قانون بازنشستگی پیش از موعد تعیین شده، تأمین کند. حالا آقایان اعضا نظرشان در این مورد هر چه که هست بفرمایند. تأمین اجتماعی و دستگاه‌های مربوطه می‌گویند این مصوبه بار مالی دارد؛ چون می‌گویند با توجه به این مصوبه، دستگاه‌های اجرایی فعلاً چیزی اضافه پرداخت نکرده‌اند.

**آقای ره‌پیک -** بسم الله الرحمن الرحيم. در اینکه یک تعدادی از بازنشستگان پیش از موعد که می‌گویند رقمشان حدود (۴۰۰۰۰) نفر است، درخواستی دارند و می‌خواهند حقوقشان افزایش پیدا کند و مشکلاتی دارند بحثی نیست. یک تعدادی از این بازنشستگان پیش از موعد، به نظرم در حدود سه چهار هزار نفر، [به خاطر برداشت‌هایی که در مقام اجرا از این قانون شد] به دیوان عدالت اداری رفتند و شکایت کردند. شعب دیوان عدالت اداری هم در بسیاری از موارد به نفع اینها رأی داد؛ یعنی در هر موردی [رأی جداگانه صادر کرد]. بعد، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری یک رأی وحدت رویه صادر کرد و کل این رأی‌ها را ابطال کرد و گفت مأخذ حقوق اینها، (۲) سال مربوط به سنوات (۲۴) و (۲۵) است.<sup>۱</sup>

۱. رأی شماره (۶۷۴) هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع «تعیین مستمری بازنشستگی ناشی از قانون بازنشستگی پیش از موعد با لحاظ دو سال آخر سنوات واقعی خدمت مستخدم»، مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری: «... نظر به اینکه مطابق ماده (۹) قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب سال ۱۳۷۹، مبنای حقوق بازنشستگی یا وظیفه مستخدمان مشمول عبارت است از معدل تمامی حقوق و مزایای دریافتی آنان در ۲ سال آخر خدمت که ملاک کسور بازنشستگی است و در ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی میزان مستمری بازنشستگی تابعی از متوسط مزد یا حقوق شناخته شده است و به موجب بند (۵) ماده (۲) قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴ مزد یا حقوق، عبارت است از هرگونه وجه یا مزایای نقدی و غیرنقدی مستمر که در مقابل کار به بیمه‌شده داده می‌شود و در ایامی که سنوات ارفاقی در اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۷/۵ اعطا شده است، حقوق اشتغال پرداخت نمی‌شود تا مبنای تعیین میزان مستمری قرار گیرد و از طرفی به موجب قانون اخیرالذکر صرفاً به سنوات خدمت انجام‌شده مستخدم حداکثر پنج سال اضافه می‌شود که در میزان مستمری مورد محاسبه قرار می‌گیرد و تأثیری در تعیین میانگین دستمزد دو سال آخر خدمت ندارد، بنابراین دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۰۹۰۵۲۰۰۴۴۱-۱۳۹۰/۱۰/۲۸ شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری مبنی بر رد شکایت در حدی که متضمن این معنی است و مستمری بازنشستگی را با لحاظ دو سال آخر سنوات واقعی خدمت مستخدم، مورد حکم قرار داده است، صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص داده

**آقای هاشمی شاهرودی** - نه اینکه حقوقشان بر مبنای (۳۰) سال پرداخت شود.

**آقای رهبر** - بله، گفتند مستمری این بازنشستگان نباید بر مبنای (۳۰) سال خدمت پرداخت شود. استنادشان هم این است که قانون آمده اجازه داده و گفته است اگر کسی (۲۵) سال خدمت کرد، اگر دستگاه اجرایی بیاورد حق بیمه‌ی سنوات ارفاقی او را پرداخت بکند و آن حقوقی که باید در (۵) سال به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت بشود را پرداخت بکند، این فرد می‌تواند بازنشسته بشود. خوب حالا مقصود از اینکه این کارمندان زودتر بازنشسته بشوند چیست؟ در این خصوص، آن جلسه<sup>۱</sup> هم من یک توضیحاتی را عرض کردم. اینها یک بحث حقوق دارند؛ یعنی سقف میزان حقوق بازنشسته چقدر است و اینکه این میزان، بر اساس چه چیزی محاسبه می‌شود؟ یک بحث دیگری دارند که می‌گویند طبق قاعده‌ی کلی هر کسی هر مقدار کار بکند، [به همان مقدار، حقوق بازنشستگی می‌گیرد]. بر این اساس، چون سنوات بازنشستگی اصلی (۳۰) سال است، [کسی که پس از (۳۰) سال خدمت، بازنشسته می‌شود] به تعداد روزهای ماه، یعنی (۳۰) روز حقوق می‌گیرد. هر کسی هم که کمتر از این مقدار کار بکند، هر میزان کار بکند، حقوق بازنشستگی‌اش بر اساس میزان سنواتش به روز تعیین می‌شود؛ یعنی اگر (۲۵) سال خدمت کرده باشد حقوق (۲۵) روز به او داده می‌شود؛ اگر (۲۴) سال [خدمت کرده باشد، حقوق (۲۴) روز به او داده می‌شود و به همین ترتیب]. بعد، قانون<sup>۲</sup> آمد گفت کسانی که (۲۵) سال خدمت کرده‌اند نمی‌توانند بازنشسته بشوند، بلکه باید (۳۰) سال خدمت کنند، ولی اگر بخواهند زودتر از موعد بازنشسته بشوند، باید آن حق بیمه و کسورات و بازنشستگی و فلان را بدهند تا ما بازنشسته‌شان کنیم. منتها مأخذ محاسبه‌ی حقوق این بازنشستگان پیش از موعد چیست؟ حقوق مستمری‌شان را که (۳۰) روز [و به صورت کامل] می‌دهیم؛ چون آن

→

می‌شود. این رأی به استناد بند (۲) ماده (۱۹) و ماده (۴۲) قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.»

۱. مُراد، جلسه‌ی بررسی طرح استفساریه تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۹۲/۷/۱۴ مجلس، در شورای نگهبان است که در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱ برگزار شده است.

۲. ماده واحده قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ مجلس شورای اسلامی.

را [با پرداخت حق بیمه و کسورات و...] پر کرده‌اند؛ اما میزان حقوق مستمری بازنشستگی‌شان را بر اساس (۲) سال آخر خدمتشان، یعنی سنوات (۲۴) و (۲۵) که حقوق گرفته‌اند محاسبه می‌کنیم. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری هم این نکته را فهمیده است. حالا مجلس می‌گوید که سازمان تأمین اجتماعی [حقوق این بازنشستگان را بر اساس دو سال آخر بیمه‌پردازی ارفاقی، یعنی سنوات (۲۹) و (۳۰) محاسبه کند]. اینکه این مصوبه بار مالی دارد هم یقینی است؛ چون خود مجلس نوشته است بار مالی این مصوبه را از فلان جا [= از محل وجوه دریافتی موضوع تبصره (۱) و (۲) قانون بازنشستگی پیش از موعد] تأمین کنید. منبع تعبیه‌شده در تبصره (۱) و (۲) آن قانون هم تا الآن منبع تأمین بودجه‌ی حقوق مستمری بازنشستگان پیش از موعد، با محاسبه‌ی این مستمری بر اساس سنوات (۲۴) و (۲۵) بوده است. اما الآن مجلس می‌گوید شما بیابید از همان منبعی که محل تأمین بودجه‌ی پرداخت حقوق این بازنشستگان بر اساس سنوات (۲۴) و (۲۵) بوده است، برای پرداخت حقوق این افراد بر اساس سنوات (۲۹) و (۳۰) استفاده کنید. خب مشخص است که [با این نحو محاسبه] بار مالی پرداخت‌های سازمان تأمین اجتماعی به این بازنشستگان افزایش پیدا می‌کند. این مصوبه به میزان افزایش مستمری برای (۴۰.۰۰۰) نفر، بار مالی دارد. حالا استدلال نمایندگان موافق این مصوبه که بعضی از آنها برای دفاع از این مصوبه به اینجا هم آمده بودند، این است که می‌گفتند آن موقع که قانون بازنشستگی پیش از موعد در سال (۱۳۸۶) تصویب شده، منابعی که به سازمان تأمین اجتماعی برای سنوات ارفاقی پرداخت شده است، برای حقوق (۳۰) روز هم بوده است. حالا این استدلال دیگر واقعاً قابل احراز نیست. آنها می‌گویند ما آن موقع حساب کردیم که سازمان تأمین اجتماعی از هر کسی چقدر گرفته است. من به آنها گفتم حالا آن محاسبات را که الآن نمی‌توان مبنای قرار داد. به هر حال، آنچه که الآن روشن است، این است که این مصوبه بار مالی دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، مجلس ایراد بار مالی را حل نکرده است.

**آقای رهپیک -** تبصره (۱) و (۲) هم که آن موقع تصویب شده است.

**آقای علیزاده -** مگر این مصوبه تنها مربوط به سازمان تأمین اجتماعی است؟

**آقای رهپیک -** بله، پرداخت حقوق بر اساس (۲۴) و (۲۵) روز بوده است. الآن



مجلس می‌گوید شما حقوق بازنشستگی را بر اساس سنوات (۲۹) و (۳۰) از همین محل تبصره (۱) و (۲) حساب کنید و این منبع مالی کافی است. سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید این کافی نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی -** پس اشکال بار مالی رفع نشده است.

**آقای علیزاده -** محل تبصره (۱) و (۲) محدودیت دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، محدودیت دارد.

**آقای ابراهیمیان -** بسم الله الرحمن الرحيم. این نکته‌ای که آقای دکتر ره‌پیک اشاره کردند مهم است. مجلس می‌گوید آن مبلغی که اول محاسبه شده [و به سازمان تأمین اجتماعی بابت سنوات ارفاقی داده شده است]، با احتساب حق کارفرما و ... به اندازه‌ای بوده است که اگر آن مقدار پول را همین طوری هم به ما می‌دادند، اساساً این مشکل ما [= کسری حقوق بازنشستگان پیش از موعد نسبت به بازنشستگان سی سال خدمت] حل می‌شد.

**آقای مدرسی یزدی -** [خب این محاسبه را باید در مصوبه] می‌نوشتند.

**آقای ابراهیمیان -** نه، مجلس می‌گوید در آن محاسبات اولیه، [همه‌ی اینها لحاظ شده است].

**آقای علیزاده -** مگر معنای تأمین اجتماعی این است که هرچه که پول می‌گیرد باید بدهد؟!

**آقای ابراهیمیان -** نه، مجلس می‌گوید سازمان تأمین اجتماعی به نحوی پول گرفته است که همان موقع، این ظرفیت پرداخت [حقوق بازنشستگی بر اساس سنوات (۲۹) و (۳۰) در حقوق پرداختی] هم بوده است. این نیاز به بررسی دارد. من عرض این است.

**آقای ره‌پیک -** نه. طبق اصل (۷۵) قانون اساسی، روشن است که هزینه‌ی این مصوبه، هزینه‌ی جدید است [و باید محل تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد].

**آقای ابراهیمیان -** بازنشسته‌ها هم [ممکن است متضرر گردند].

**آقای ره‌پیک -** [طبق اصل (۷۵) قانون اساسی] بایست محل جدیدی برای تأمین هزینه‌های جدید تعیین بشود.

**آقای ابراهیمیان -** این موضوع [= کفاف وجوه دریافتی موضوع تبصره (۱) و (۲)

قانون بازنشستگی پیش از موعد، برای پرداخت حقوق بازنشستگان بر اساس سنوات (۲۹) و (۳۰) باید بررسی بشود.

**آقای رهپیک -** الآن محل جدیدی برای تأمین هزینه‌ها تعیین نشده است؛ تأمین هزینه‌های این مصوبه، همان منابع ذکر شده در تبصره‌های (۱) و (۲) قبلی است.

**آقای اسماعیلی -** درست است.

**آقای رهپیک -** اگر مجلس می‌گفت که محل تأمین هزینه‌های جدید این مصوبه در منابع ذکر شده در تبصره (۱) است که مثلاً هنوز از آن استفاده نشده است ...

**آقای هاشمی شاهرودی -** این یک حرفی بود.

**آقای رهپیک -** ... آن یک حرفی بود؛ ولی الآن می‌گویند همان تبصره‌ای که قبلاً آن سنوات خدمت و غیره را از آن داده‌ایم، دوباره از همان محل پرداخت کنید. لذا باید یک منبع جدیدی برای تأمین هزینه‌های جدید تعیین بشود.

**آقای مؤمن -** این تبصره (۲) ماده واحده [قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت، مصوب ۱۳۸۶/۶/۵] را بخوانید. ذیل تبصره (۲) یک جمله‌ای آمده است که شاید قضیه را حل بکند.

**آقای ابراهیمیان -** این دو تا تبصره را که قبلاً پذیرفته‌ایم.

**آقای علیزاده -** «تبصره ۲- سهم صندوق‌های بازنشستگی بابت پرداخت حقوق بازنشستگی و نیز کسور بازنشستگی و یا حق بیمه سهم مستخدم و کارفرما نسبت به سنوات ارفاقی از محل اعتبارات تبصره (۱) تأمین و به صندوق‌های مذکور پرداخت خواهد شد.»

**آقای اسماعیلی -** خود تبصره (۱) چیست؟

**آقای علیزاده -** «تبصره ۱- دستگاه‌های اجرایی مشمول این قانون مکلفند بار مالی ناشی از اجراء این قانون در سال ۱۳۸۶ را از محل اعتبارات سال جاری خود پرداخت نمایند. اعتبار مورد نیاز برای سال‌های آتی در قوانین بودجه سنواتی کل کشور پیش‌بینی و تأمین خواهد شد.» حضرات آقایان، این تبصره، قانونی است که الآن دارد اجرا می‌شود. الآن مجلس دارد یک چیزی را بر این تبصره اضافه می‌کند؛ چون این تبصره (۱) گفته است بار اجرای ناشی از اجراء «این قانون» ...؛ «این قانون» یعنی قانون آن سال.

**آقای هاشمی شاهرودی - بله.**

**آقای علیزاده -** ما که تفسیر مجلس [در خصوص تبصره‌ی ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی را] نپذیرفتیم. اگر آن استفساریه، درست بود باید آن تفسیر مجلس را می‌پذیرفتیم و می‌گفتیم آن برداشت از قانون، تفسیر است. ولی در مورد آن استفساریه گفتیم به موجب اصل (۷۳) قانون اساسی، تفسیر نیست و تقنین است. خوب حالا وقتی همان موضوع را به صورت تقنین آورده‌اند، سازمان تأمین اجتماعی حق دارد که می‌گوید این بار مالی از این محل سابق، قابل تأمین نیست. مجلس باید بار مالی جدید را با تعیین منبع مالی جدید تأمین بکند. ما آن زمان گفتیم که این مصوبه، تفسیر نیست. ما که نباید یک وقت تعارفات بکنیم. ببینید؛ آنچه که به عنوان منبع در آن قانون [= قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت] آمده است، برای تأمین آن قانونی بوده که الان مُجرا است.

**آقای مؤمن - البته در سال (۸۶).**

**آقای علیزاده -** بله، در سال (۸۶) اجرا شده است.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** آن منابع برای تأمین بار مالی آن قانون، کافی بوده است.

**آقای علیزاده -** ما آن تفسیر [= طرح استفساریه تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۹۲/۷/۱۴] را قبول نکردیم؛ گفتیم تقنین است. تقنین یعنی علاوه بر مفاد این قانون، دارد یک چیز جدیدی می‌گوید. بنابراین، این مصوبه‌ی فعلی هم بار مالی دارد. آقایان، حرفشان صحیح است.

**آقای سلیمی -** بسم الله الرحمن الرحیم. در قانون قبلی [= قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۶/۵] نگفته‌اند که شما (۲) سال آخر کاری را مبنا قرار بدهید ...

**آقای علیزاده -** آن موضوع [= مبنا قرار گرفتن سنوات (۲۹) و (۳۰)] را در تفسیر این قانون گفتند.

**آقای سلیمی -** این موضوع را در قانون [= قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۶/۵] نگفته‌اند؛ قانون این را نمی‌گوید. اگر صراحت قانون همین بود که (۲) سال آخر مبنا است، می‌پذیرفتیم. حالا (۲) سال آخر، سنوات (۲۴) و (۲۵) نیست؛ ممکن است طرف (۲۸) سال خدمت کرده و بازنشسته شده است

و فقط (۲) سال به او ارفاق کرده باشند.

**آقای علیزاده -** بله، سنوات ارفاقی آن فرد هم (۲) سال است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** آن قانون، (۳۰) سال را هم [به عنوان مبنای محاسبه‌ی

سنوات] نمی‌گوید.

**آقای سلیمی -** می‌خواهم همین را عرض کنم.

**آقای علیزاده -** آن قانون هم (۲) سال گفته است؛ بیشتر که نگفته است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله.

**آقای سلیمی -** آن قانون آمد گفت کسانی که زیر (۳۰) سال خدمت کرده‌اند، اگر

درخواستشان بازنشستگی است و مدیر مربوطه هم با بازنشستگی موافق است، به مقدار کمتر از (۳۰) سالشان را تا (۳۰) سال به آنها ارفاق کنید ...

**آقای علیزاده -** آقای سلیمی، این برمی‌گردد به تفسیر قانون.

**آقای سلیمی -** ... آن قانون گفت تا (۳۰) سال را به آنها ارفاق کنید و به عنوان

(۳۰) سال بازنشسته کنید. خود این واحدهایی که موافقت می‌کنند که اینها بازنشسته بشوند باید هزینه و بار مالی آن را هم از این جهت، خودشان تأمین کنند؛ یعنی در واقع هر اداره‌ای که موافقت کرده است یک کارمند، ده کارمند، صد کارمند بازنشسته بشود بار مالی بازنشسته شدن اینها را هم خودش تقبل کرده است. سازمان تأمین اجتماعی پول‌ها را از دستگاه‌ها گرفته است [و حالا چنین تفسیری از قانون ارائه می‌کند]. در کجای آن قانون گفته بود که شما مبنای محاسبه‌ی حقوق را (۲۵) سال در نظر بگیر؟ گفته بود (۵) سال به این کارمند ارفاق کن. چرا (۵) سال ارفاق را بگوییم فقط (۵) سال در حقوق ارفاق کن؟ چرا (۵) سال را در حقوق بازنشستگی ارفاق نکنیم؟ شما (۵) سال یا (۲) یا (۳) سال زیر (۳۰) سال را می‌خواهی به این آدم ارفاق کنی. این کار ارفاق است؛ منت است. وقتی به کسی امتنان می‌کنیم، منت می‌گذاریم، ارفاق می‌کنیم، معنایش این نیست که بخواهیم [به اندازه (۲) سال آخر خدمت به او حقوق مستمری بدهیم].

**آقای علیزاده -** یک ارفاق که به آنها کرده‌ایم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** [سازمان تأمین اجتماعی] مثل حقوق امروز را به آنها

بدهد.

**آقای سلیمی -** نخیر، [سازمان تأمین اجتماعی باید] ضرر و زیان به آنها بدهد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** مثل حقوق دیروز را بدهد؛ اما چرا می‌گویی حقوق آن

روز را بدهد؟!

**آقای سلیمی -** در این (۳۰) روز که ما می‌خواهیم به آنها حقوق بدهیم، اگر بر

مبنای سنوات (۲) سال آخر خدمت می‌خواستیم به آنها حقوق بدهیم، هیچ‌کسی برای

این کار داوطلب نمی‌شد. الان این بازنشستگان، به ضررشان شده است.

**آقای علیزاده -** نه.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این‌طور نیست.

**آقای سلیمی -** اگر آنها آن روز تقاضای بازنشستگی کرده‌اند، به این نیت آمدند که

سندوق بازنشستگی به ما به اندازه‌ی (۳۰) سال حقوق می‌پردازد.

**آقای مدرسی یزدی -** چنین چیزی را که اعلام نکرده‌اند.

**آقای سلیمی -** اصلاً بنا بر پرداخت حقوق بر همین مبنای بود؛ قانون هم همین است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چنین چیزی در قانون نبوده است.

**آقای ره‌پیک -** نه.

**آقای علیزاده -** اگر قانون این را می‌گفت باید تفسیر مجلس [نسبت به تبصره‌ی

ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی] را می‌پذیرفتیم.

**آقای سلیمی -** خب شما آن تفسیر را نپذیرفتید.

**آقای علیزاده -** دولت هم مخالف این تفسیر بود.

**آقای ره‌پیک -** آقای سلیمی، قانون تأمین اجتماعی دو تا ماده<sup>۱</sup> دارد که سازمان

۱. ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی، مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ مجلس شورای ملی: «ماده ۷۶- مشمولین این

قانون در صورت حائز بودن شرایط زیر حق استفاده از مستمری بازنشستگی را خواهند داشت. ۱-

حداقل ده سال حق بیمه مقرر را قبل از تاریخ تقاضای بازنشستگی پرداخته باشند. ۲- سن مرد به

شصت سال تمام و سن زن به پنجاه و پنج سال تمام رسیده باشد.»

ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی، اصلاحی ۱۳۷۱/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷۷- میزان

مستمری بازنشستگی عبارت است از یک سی‌ام متوسط مزد یا حقوق بیمه‌شده ضرب در سنوات

پرداخت حق بیمه مشروط بر آنکه از (۳۵/۳۰) سی و پنج، سی‌ام متوسط مزد یا حقوق تجاوز ننماید.

تبصره- متوسط مزد یا حقوق برای محاسبه مستمری بازنشستگی عبارت است از مجموع مزد یا حقوق

بیمه‌شده که بر اساس آن حق بیمه پرداخت گردیده، ظرف آخرین دو سال پرداخت حق بیمه تقسیم بر

بیست و چهار.»

تأمین اجتماعی بر اساس آن دارد عمل می‌کند. تبصره‌ی ماده (۷۷) گفته مجموع مزد یا حقوق بیمه‌شده بر اساس (۲) سال آخر مزد و حقوق دریافت شده، محاسبه می‌گردد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** وجوه سنوات ارفاقی دریافت شده [و بر اساس قانون، حقوق مستمری این بازنشستگان] داده شده است.

**آقای رهپیک -** ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی که الآن دارند به آن عمل می‌کنند این است.

**آقای سلیمی -** خب، سازمان تأمین اجتماعی آمد تا (۳۰) سال از اینهایی که بازنشسته شدند حق بیمه دریافت کرد.

**آقای علیزاده -** سازمان تأمین اجتماعی هزینه‌ها را درخواست نکرد.

**آقای سلیمی -** سازمان تأمین اجتماعی آمد تا (۳۰) سال حقوق و مزایای اینهایی را که زیر (۳۰) سال بودند، از دستگاه‌هایشان دریافت کرد. این وجوه را گرفت و اینها را بازنشسته کرد.

**آقای رهپیک -** نه، حقوق (۳۰) سال دریافت نکرده است.

**آقای علیزاده -** دستگاه‌های دولتی حقوق و مزایای اینها را داد.

**آقای سلیمی -** آقای رهپیک، قانون آمد افراد زیر (۳۰) سال خدمت را (۳۰) سال خدمت برایش فرض کرد.

**آقای رهپیک -** در چه چیزی؟ به چه حیثی؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** به حیث اینکه حقوق (۳۰) روز را به آنها بدهد.

**آقای سلیمی -** به حیث اینکه سازمان تأمین اجتماعی هزینه‌های (۳۰) سال را از این واحدهای تابعه بگیرد و اینها را با (۳۰) سال با همه مزایایش بازنشسته کند. چرا این‌طوری تفسیر می‌کنید؟! معنای آن قانون همین است. سازمان تأمین اجتماعی با همه‌ی آنچه که به آنها تعلق می‌گرفت، آنها را بازنشسته کرد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این تفسیری است که شما از قانون دارید.

**آقای سلیمی -** هزینه‌های بازنشستگی بر اساس (۳۰) سال را هم گرفت. حالا که هزینه‌ها را گرفته، نمی‌خواهد بر اساس (۳۰) سال حقوق بدهد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** شورای نگهبان این تفسیر را رد کرد.

**آقای سوادکوهی -** بله.

**آقای سلیمی -** حالا سازمان تأمین اجتماعی نمی خواهد به مردم حقوق بر اساس (۳۰) سال بدهد. من معتقدم [که تفسیر صحیح قانون همین است]. آن وقت هم که آقایان [= اعضای شورای نگهبان] تفسیر این قانون [= استفساریه ی تبصره ی ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی] را رد کردند، من مخالف رد تفسیر بودم. من می گفتم این تفسیر صحیح است. الآن هم می گویم این مصوبه هیچ بار مالی ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خیلی خوب.

**آقای سلیمی -** حالا این مصوبه می گوید پول هایی که قبلاً تأمین اجتماعی گرفته است و باید می داده، بدهد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نمی دانیم پول دریافتی چقدر است. یعنی چه؟

**آقای سلیمی -** حالا این مصوبه می گوید همان پول هایی که سازمان تأمین اجتماعی باید را از اول می داده و نداده است، باید بدهد. باز هم می گوید بر اساس زمان بازنشستگی حقوق بدهد، نه بر اساس امروز. سازمان تأمین اجتماعی باید حقوق بازنشستگان پیش از موعد را بر اساس قیمت آن روز محاسبه و پرداخت کند، با این شرط که حقوق آنها از حقوق بازنشستگان (۳۰) سال تمام خدمت کرده بالاتر نرود. متأسفانه آن وقت این طور محاسبه نکردند و حقوق اینها را ندادند. الآن اینها حقوق مکتسبه دارند. الآن ما اگر بگوییم حقوق مکتسبه ی این افرادی که بازنشسته شده اند را ندهند، این تضييع حقوق مردم است. ما به چه عنوان حقوق مردم را تضييع بکنیم؟! باید نگذاریم حقوق مردم تضييع بشود. پولش را هم سازمان تأمین اجتماعی باید بدهد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** پس حالا شما در اصل این موضوع ایراد دارید.

**آقای علیزاده -** حرف شما راجع به تفسیر، غلط است.

**آقای مؤمن -** آنچه که من می خواهم عرض کنم، این است که خود تبصره (۱) نسبت به این سال های آتی، تعیین تکلیف کرده است: «تبصره ۱- دستگاه های اجرایی مشمول این قانون مکلفند بار مالی ناشی از اجراء این قانون در سال ۱۳۸۶ را از محل اعتبارات سال جاری خود پرداخت نمایند.» خوب، این قسمت که ایرادی ندارد. «اعتبار مورد نیاز برای سال های آتی ...» عبارت «برای سال های آتی» یعنی بعد از سال (۸۶)، هر چقدر که مدت زمان اجرای این قانون است «... برای سال های آتی در قوانین بودجه سنواتی کل کشور پیش بینی و تأمین خواهد شد.»

**آقای هاشمی شاهرودی - بله.**

**آقای مؤمن -** ما اعضای شورای نگهبان ممکن بود به این تبصره (۱) ایراد وارد کنیم و به مجلس بگوییم اینکه شما گفتید بار مالی سال‌های آتی در قوانین بودجه تعیین می‌شود، این تأمین بار مالی نیست؛ این بر گردن دولت گذاشتن بار مالی این مصوبه است که در سال آینده خود دولت هزینه‌های آن را در بودجه بیاورد. یعنی به مفاد اصل (۷۵) قانون اساسی عمل نشده است؛ تبصره (۱) خلاف اصل (۷۵) است. ولی شما [در هر صورت] این تبصره را قبول کردید [و آن را تأیید کردید].

**آقای علیزاده -** ما این حرف را نزدیم.

**آقای مؤمن -** اجازه بدهید؛ تبصره (۱) گفته است: «اعتبار مورد نیاز». اعتبار مورد نیاز یعنی اعتبار اضافه.

**آقای مدرسی یزدی -** اعتبار مورد نیاز به نحوی که بوده است.**آقای علیزاده -** یعنی این اعتبار، وجود داشته است.**آقای مؤمن -** گفته است: «اعتبار مورد نیاز برای سال‌های آتی».

**آقای هاشمی شاهرودی -** [منظور از سال‌های آتی] (۲) سال آخری است که دریافت شده است نه بیشتر.

**آقای مؤمن -** نه، سال‌های آتی یعنی غیر از سال (۸۶).**آقای هاشمی شاهرودی -** درست است، ولی ...

**آقای مؤمن -** دستگاه‌های دولتی اعتبار مورد نیاز برای اجرای این قانون در سال (۸۶) را از پولی که در آن سال دارند می‌دهند؛ در سال‌های آتی را هم [باید از بودجه‌ی سال‌های بعدشان بدهند].

**آقای علیزاده -** این «سال‌های آتی» فقط مربوط به (۳) سال دوره‌ی اجرای این قانون است. این سال‌های آتی تا روز قیامت که نیست. تبصره (۱) گفته است به دستگاه‌های دولتی تا (۳) سال اجازه می‌دهیم که بتوانند ظرف (۳) سال، قانون بازنشستگی پیش از موعد را در مورد کارمندان مشمولشان اجرا کنند.

**آقای هاشمی شاهرودی - بله.**

**آقای علیزاده -** برای پرداخت هزینه‌های اجرای این قانون، دستگاه‌های دولتی بیایند این پول را از بودجه‌شان بردارند و در راستای اجرای این قانون پرداخت کنند.



**آقای مدرسی یزدی - بله.**

**آقای عزیزاده -** اعتبار مورد نیاز امسال [= سال (۱۳۸۶)] را که برای بازنشسته کردن مشمولان لازم است، از بودجه‌ی امسال دستگاه بدهند؛ اعتبار مورد نیاز یک سال بعد را، از بودجه‌ی سال بعد دستگاه بدهند و اعتبار مورد نیاز سه سال دیگر را هم از بودجه‌ی سه سال آینده‌ی دستگاه بدهند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چقدر بدهند؟

**آقای مؤمن -** در همان بودجه‌ی سال‌های آتی مشخص می‌شود.

**آقای عزیزاده -** بله، این اعتبار در بودجه‌ی سالانه‌ی دستگاه‌ها پیش‌بینی می‌شود.

**آقای رهپیک -** منظور این تبصره اصلاً آن مطلب نیست؛ منظور این یک چیز دیگری است.

**آقای مؤمن -** اعتبار مورد نیاز برای اجرای این قانون در قوانین بودجه پیش‌بینی می‌شود.

**آقای عزیزاده -** ما مفاد این تبصره را قبول داریم. اما این تبصره، فقط مربوط به سه سال [مدت زمان اجرای این قانون] است؛ نه اینکه بیایند تا قیام قیامت این اعتبار را بالا ببرند و پایین بیاورند.

**آقای رهپیک -** حقوق بازنشستگان را که دستگاه اجرایی نمی‌دهد؛ صندوق بازنشستگی حقوق بازنشستگی را می‌دهد. پس منظور این تبصره از تأمین اعتبار برای دستگاه اجرایی چیست؟ منظور این است که اگر دستگاه اجرایی یک‌وقتی بخواهد کارمندی را پیش از موعد بازنشسته کند، باید یک پول قلمبه‌ای به سازمان تأمین اجتماعی بدهد؛ (۱۰۰) میلیون، (۱۵۰) میلیون باید بدهد، خوب، دستگاه اجرایی چنین پولی را ندارد. تبصره (۱) می‌گوید مثلاً اگر تو می‌خواهی سال دیگر (۱۰) نفر را پیش از موعد بازنشسته کنی، باید در بودجه‌ات بار مالی این را ببینی تا هزینه‌ی سنوات ارفاقی را بتوانی بدهی. لذا منظور این تبصره از «اعتبارات»، اصلاً حقوق بازنشستگی نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی - بله.**

**آقای رهپیک -** حقوق را صندوق بازنشستگی باید بدهد. تبصره (۱) می‌گوید اگر مثلاً تو به (۱۰) نفر می‌خواهی بازنشستگی پیش از موعد بدهی، باید یک میلیارد و پانصد میلیون تومان در بودجه‌ات پیش‌بینی کنی تا بتوانی هزینه‌های سنوات ارفاقی (۱۰) نفر را برای (۵) سال پرداخت کنی.

**آقای عزیزاده -** بله و دستگاه اجرایی قبلاً این هزینه‌ها را داده است.

**آقای ره‌پیک -** بنابراین این تبصره، اصلاً ربطی به حقوق بازنشستگی ندارد. دستگاه اجرایی اصلاً حقوق بازنشستگی پرداخت نمی‌کند. مقصود از «اعتبارات» در تبصره (۱)، این اعتبارات است.

**آقای عزیزاده -** بله.

**آقای ره‌پیک -** در مورد حقوق و مستمری بازنشستگی، این قانون [= قانون بازنشستگی پیش از موعد] می‌گوید بعد از اینکه دستگاه اجرایی سهم بیمه‌ی سنوات ارفاقی را به سازمان تأمین اجتماعی داد، سازمان تأمین اجتماعی باید حقوق بازنشستگی این بازنشستگان پیش از موعد را پرداخت کند. خب حالا سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید من مبنای محاسبه‌ی مستمری این بازنشستگان را بر اساس حقوق سنوات (۲۴) و (۲۵) آنها قرار داده‌ام.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بالاخره این مصوبه، بار مالی دارد. رأی بگیرید.

**آقای عزیزاده -** با این توضیحاتی که داده شد، حضرات آقایانی که این مصوبه را خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی می‌دانند، بفرمایند. آن حرفی که جناب آقای سلیمی در تفسیر [تبصره‌ی ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی] می‌فرمایند درست بود، اگر چنانچه آن تفسیر را می‌پذیرفتیم، که البته آن را نپذیرفتیم. الآن این مصوبه یک چیز جدیدی دارد ایجاد می‌کند که بار مالی جدیدی دارد. با این توضیح، حضرات آقایانی که این مصوبه را خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی می‌دانند رأی بدهند. (۷) تا رأی شد. خیلی خب، این مصوبه هم خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی تشخیص داده شد.<sup>۱</sup>

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۵۸۵ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳/۵۵۸۵۰ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۰، طرح الزام سازمان تأمین اجتماعی به برقراری مستمری بازنشستگان مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶ بر اساس دو سال آخر بیمه‌پردازی سنوات ارفاقی آنان، مصوب جلسه مورخ هجدهم آبان‌ماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- نظر به اینکه ماده واحده منجر افزایش هزینه عمومی می‌گردد و منبعی که در آن پیش‌بینی شده منبع جدیدی نیست تا بار مالی مصوبه را تأمین نماید، بنابراین مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.»

## اصلاح اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس

**آقای علیزاده -** یک اساسنامه‌ی اصلاحی هم هست که غیر از اساسنامه‌های اصلاحی شرکت‌های آب منطقه‌ای است. این «اصلاح اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس»<sup>۱</sup> است. آن را هم بیاورید تا جداگانه بررسی کنیم.

**منشی جلسه -** «هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۷ به پیشنهاد شماره ۲۴/۱۷/۱۰۴/۲۰۶ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳ وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و به استناد ماده (۴) قانون تشکیل سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح - مصوب ۱۳۸۱-<sup>۲</sup> تصویب کرد:

در ماده (۱) اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس<sup>۳</sup> موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۰۲۲۸۶/۲ مورخ ۳۲۸۷۹ هـ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۶، عبارت «شرکت صنایع هوایی قدس» به عبارت «شرکت صنایع طراحی و ساخت هواپیماهای سبک» اصلاح می‌شود. این اصلاحیه پس از تأیید فرماندهی کل نیروهای مسلح لازم‌الاجرا است.»

**آقای هاشمی شاهرودی -** این اصلاحیه، درست است.

---

۱. اصلاح اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۱۰۸۷/۹۱۲۵۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۱ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۲. ماده (۴) قانون تشکیل سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۱/۱۱/۲۷: «ماده ۴- اساسنامه سازمان و شرکت‌هایی که توسط سازمان مطابق ماده (۳) این قانون تشکیل می‌گردند به‌وسیله وزارت تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید و پس از تأیید فرماندهی کل قوا، جهت اجرا ابلاغ می‌گردد.»

۳. ماده (۱) اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس مصوب ۱۳۸۶/۹/۷: «ماده ۱- به منظور انجام فعالیت‌های مربوط به وسایل بدون سرنشین و هواپیماهای سبک و فوق سبک مندرج در تبصره (۱) ماده (۸) اساسنامه سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح، که در این اساسنامه سازمان نامیده می‌شود، شرکت صنایع هوایی قدس که در این اساسنامه شرکت نامیده می‌شود در زیرمجموعه سازمان تشکیل می‌گردد.»

**آقای علیزاده -** حضرات آقایانی که این مصوبه را به هر دلیلی خلاف شرع یا خلاف قانون اساسی می‌دانند بفرمایند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این اصلاحیه، فقط تغییر اسم است؛ این تغییر هم درست است.

**آقای علیزاده -** آقایان، این اصلاحیه هم خلاف تشخیص داده نشد. اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجه<sup>۱</sup>.

---

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۱۰۸۷/۹۱۲۵۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۱، اصلاح اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس مصوب جلسه مورخ بیست و هفتم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

**اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان**  
**اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران**  
**اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان**  
**اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی، آذربایجان**  
**غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان**  
**جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان،**  
**فارس، قزوین، قم، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، کردستان،**  
**کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان و یزد**  
**جلسه ۱۳۹۳/۸/۲۸**

**آقای عزیزاده -** دستور بعدی اصلاح اساسنامه است. حدود (۳۲) تا اصلاحیه‌ی اساسنامه از هیئت وزیران [مشمتمل بر «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان»، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران»، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان»، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان و یزد»<sup>۱</sup>] آمده است؛ منتها خوبی اینها در این

---

۱. اصلاحیه مربوط به اساسنامه‌های مزبور همگی در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ به تصویب هیئت وزیران رسیدند و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شدند. این مصوبات در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان، شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران و شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان، به ترتیب طی نامه‌های شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۳۳، ۵۰۳۴۸/۹۲۳۴۳ و ۵۰۳۴۸/۹۲۳۹۶ همگی به تاریخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ و در خصوص اصلاح اساسنامه‌های شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران و چهارمحال و بختیاری، به ترتیب طی نامه‌های شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۲۰، ۵۰۳۴۸/۹۲۴۳۰، ۵۰۳۴۸/۹۲۳۹۰، ۵۰۳۴۸/۹۲۴۰۵، ۵۰۳۴۸/۹۲۳۵۶، ۵۰۳۴۸/۹۲۳۷۵، ۵۰۳۴۸/۹۲۳۹۹ و ۵۰۳۴۸/۹۲۳۸۱ همگی به تاریخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شده است. همچنین اصلاح اساسنامه‌های شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان جنوبی، خراسان

است که همه‌اش یک‌جور است و فقط منبع اعتبار افزایش سرمایه‌شان با هم فرق می‌کند؛<sup>۱</sup> یعنی آنچه که مربوط به شرکت آب منطقه‌ای فلان استان آمده است، [در

→

رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم و لرستان، به ترتیب طی نامه‌های شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۸۴، ۵۰۳۴۸/۹۲۴۱۳، ۵۰۳۴۸/۹۲۳۸۶، ۵۰۳۴۸/۹۲۴۰۱، ۵۰۳۴۸/۹۲۳۶۳، ۵۰۳۴۸/۹۲۴۱۲، ۵۰۳۴۸/۹۲۴۰۳، ۵۰۳۴۸/۹۲۳۶۸، ۵۰۳۴۸/۹۲۳۷۳، ۵۰۳۴۸/۹۲۳۵۲ و در خصوص اصلاح اساسنامه‌های شرکت سهامی آب منطقه‌ای مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان و یزد، به ترتیب طی نامه‌های شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۱۶، ۵۰۳۴۸/۹۲۳۶۴، ۵۰۳۴۸/۹۲۴۱۱، ۵۰۳۴۸/۹۲۳۴۸، ۵۰۳۴۸/۹۲۳۴۷، ۵۰۳۴۸/۹۲۴۰۷، ۵۰۳۴۸/۹۲۳۹۳، ۵۰۳۴۸/۹۲۳۷۷، ۵۰۳۴۸/۹۲۳۸۸، ۵۰۳۴۸/۹۲۴۱۹، ۵۰۳۴۸/۹۲۴۰۹ و ۵۰۳۴۸/۹۲۴۰۹ همگی به تاریخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شده است. شورای نگهبان، پس از بررسی همه‌ی این مصوبات در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبات با موازین شرع و قانون اساسی را به ترتیب عنوان اساسنامه‌های مذکور در فوق، طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۱۷، ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۹، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۲۵، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۲۱، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۴۰، ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۰، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۷، ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۲، ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۸، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۹، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۴۳، ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۷، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۵، ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۶، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۲۳، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۳۱، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۱، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۸، ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۳، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۲۸، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۲۰، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۴۴، ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۴، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۲، ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۹، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۲۴، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۲۶، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۱۹، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۷، ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۶، ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۵، ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۲۲ و همگی مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۱. با توجه به اینکه در تمامی این (۳۲) مورد اساسنامه‌ی اصلاحی مربوط به شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای، صرفاً ماده (۶) آنها اصلاح شده است که در متن یکی هستند و تفاوت آنها فقط در عنوان شرکت، سرمایه‌ی شرکت و محل افزایش سرمایه‌ی شرکت است، تنها متن یکی از این اساسنامه‌های اصلاحی (اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان) به صورت نمونه در اینجا ذکر می‌شود. «هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳، به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه درخصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷ - تصویب کرد: متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۶۵۷۷/ت/۳۷۰۲۵ هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۳ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ نود و دو میلیارد و نهصد و پنجاه و هشت میلیون و هفتصد هزار (۹۲.۹۵۸.۷۰۰.۰۰۰) ریال است که به نه میلیون و دویست و نود و پنج هزار و هشتصد و هفتاد (۹.۲۹۵.۸۷۰) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها تأمین شده است.» برای آگاهی از متن سایر اساسنامه‌های اصلاحی، رجوع کنید به سامانه جامع نظرات شورای نگهبان، بخش

←

مورد استان دیگر نیز آمده است]. تنها تفاوت اینها در این است که در مصوبه‌ی هیئت وزیران در مورد یک استان گفته است افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها تأمین می‌شود، اما در مورد استانی دیگر گفته است از فلان محل تأمین می‌شود. هیچ‌کدام از اینها هیچ‌گونه اشکالی ندارند. اگر آقایان قبول دارند ما این اصلاح اساسنامه‌ها را رأی بگیریم. حضرات آقایانی که به این اصلاحات انجام‌شده در این اساسنامه‌های سی و دوگانه‌ی شرکت‌های آب منطقه‌ای ایرادی دارند بفرمایند.

**آقای ره پیگ -** منشأ اختیار دولت در اصلاح این اساسنامه‌ها هم [در مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان] بررسی شده که گفته‌اند دولت می‌توانسته این اساسنامه‌ها را اصلاح کند.<sup>۱</sup>

**آقای علیزاده -** بله، منشأ اصلاحیه را هم گفته‌اند صحیح است. بله، اصلاحیه‌ها دارای مجوز قانونی هم هست و اشکالی ندارد.

**آقای ره پیگ -** این اصلاحیه‌ها اشکالی ندارند.

**آقای مؤمن -** بله.

→

«اساسنامه‌های دولت»، قابل دسترسی در نشانی زیر:

<http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmAsasname.aspx>

۱. در اظهار نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان راجع به اصلاحیه‌ی این اساسنامه‌ها آمده است: «... به نظر می‌رسد مستندات تصویب و اصلاح «اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان» موجه بوده و مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران ... مصوبه‌ی حاضر به اصلاح ماده (۶) اساسنامه مزبور پرداخته است که به افزایش سرمایه‌ی شرکت یادشده و محل تأمین این افزایش سرمایه اختصاص دارد و از این حیث مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

- در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان ... در اصلاح حاضر، مشابه دو اصلاحیه‌ی قبلی، هیئت وزیران قصد دارد تا با اصلاح ماده (۶) اساسنامه این شرکت اقدام به افزایش سرمایه آن نماید که از این جهت مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

- در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت‌های آب منطقه‌ای استان‌های کشور ... در اصلاحات حاضر نیز، مشابه دو اصلاحیه‌ی قبلی، هیئت وزیران قصد دارد تا با اصلاح ماده (۶) اساسنامه این شرکت‌ها اقدام به افزایش سرمایه‌ی آنها نماید و لذا ضمن بیان سرمایه جدید این شرکت‌ها، به محل تأمین این افزایش سرمایه پرداخته است که از این جهت مغایرتی با قانون اساسی ندارد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۸۰۲۵ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۷، صص ۲۰-۳۶، قابل مشاهده

در آدرس زیر: <http://yon.ir/7GOEv>

## آقای عزیزاده - حضرات آقایانی که این اصلاحیه‌ها را خلاف شرع یا خلاف قانون

اساسی می‌دانند بفرمایند.<sup>۱</sup>

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۱۷ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۴۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۵ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۹۶ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب و برق خوزستان مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۰ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۳۰ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان غربی مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۰ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۹۰ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای اردبیل مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۶۷ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۰۵ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای اصفهان مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۲ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۵۶ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای ایلام مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان



→

مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۷۵ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای بوشهر مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۹ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۹۹ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای تهران مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۳ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۸۱ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۷ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان جنوبی مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۵ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان رضوی مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۶ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۸۶ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان شمالی مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۳ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای زنجان مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۱ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای سمنان مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان

←

→

- مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای فارس مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۶۸ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای قزوین مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۸ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۷۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای قم مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۵۲ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای لرستان مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۴ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای مازندران مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۶۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای مرکزی مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۲ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای هرمزگان مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

←

- 
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۹ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای همدان مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۴۷ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کردستان مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۰۷ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمان مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۱۹ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمانشاه مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۷ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۷۷ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کهگیلویه و بویراحمد مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۶ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۸۸ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای گلستان مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۵ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۱۹ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای گیلان مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»
- نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۲ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد مصوب جلسه مورخ بیست و سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۹۲/۸/۸)

«یکی از چیزهایی که شاید بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام... انتشاره‌اکرات شورا است. این خیلی چیز خوبی است... فرض بفرمایید در قانون مجازات ماده چندم این قانون، ممکن است دو نظر مخالف یا سه نظر مخالف وجود داشته باشد. خیلی خوب است که در انتشاره‌اکرات، این نظرات مخالف ذکر شود... یعنی این می‌شود یک مستندی، این یک سائته‌ای است. این سوابق مهم است. اینکه مثلاً شورای نگهبان بتواند در سال هزار و چهارصد و فلان بگوید که این حکم و این بنا مثلاً در نگاه سال پیش در شورای نگهبان بحث شد و این حرف‌ها گفته شد و این نظر از بحث‌ها در آمد، خود این یک مستند و یک پشتوانه تقویت علمی است برای آرای شورا. بنابراین انتشاره‌اکرات هم به نظر من خیلی خوب است.»



پژوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،

کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵

تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir